



وزارت آموزش و پرورش  
مادان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
مقره‌ساز است و قلم‌نویس آموزشی



ISSN: 1735-4897

۶۵

رشد آموزش

# مشارکت

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان،  
دانش‌جو-معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش

دوره هجدهم | شماره ۳ | بهار ۱۴۰۲ | ۴۸ صفحه | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵  
www.roshdmag.ir



ظاهر و باطن خدمات مشاوره‌ای

خوف اینترنتی

فضیلت خرد و دانش در مشاوره

جذاب ولی یاغی

## نگاه بهاری، شرط رویش







# ۶۵

## رشد آموزش

# حاور

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
برای مشاوران، معلمان، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره هجدهم / شماره ۳ / بهار ۱۴۰۲ / ۴۸ صفحه  
www.roshdmag.ir

# بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمد صالح مژدانی  
سر دبیر: هانیه ملکی  
مدیر داخلی: الهه قربانی

شورای برنامه ریزی:  
دکتر علی اصغر احمدی  
دکتر غلامعلی افروز  
دکتر امیر تجلی نیا  
دکتر روح الله رحیمی  
حجت الاسلام سجاد کریمی  
دکتر منیره نسیمی  
اعظم فاضلی

ویراستار: بهروز راستانی  
طراح گرافیک: سید جعفر ذهنی  
نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰  
تلفن دفتر مجله: ۹-۱۶۱-۸۸۳۱۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)  
نمبر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶-۱۵۸۷۵  
صندوق پستی دفتر مجله: ۶۵۸۵ / ۱۵۸۷۵  
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۶۷۳۰۸  
ایمانامه: moshaveremadrese@roshdmag.ir  
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵  
چاپ و توزیع: شرکت افست

مشاوره معقول و منعطف / هانیه ملکی / ۲

از پیش دبستانی آغاز کنیم! / محمد دشتی / ۴

تأثیر ظاهر مشاوران بر باطن دانش آموزان / محبوبه موسیوند / ۸

نیرومندی منش خلاقیت / دکتر منیره نسیمی / ۱۱

چهار گام به سوی آینده شغلی / دکتر روح اله رحیمی - آرش محمدی / ۱۴

گرداب مجازی / کبری عباسی / ۱۷

کلاس فریب و لات بازی! / دکتر مرتضی فاضل / ۲۲

خودشکوفایی فرهنگی در گام دوم انقلاب اسلامی / دکتر روح اله عزیزی / ۲۶

من چه کاره‌ام؟ / دکتر لیلا سلیقه دار / ۳۰

گام به گام تا حل مسئله / محسن آریزی / ۳۴

تربیت درست، حاصل ضرب خانه و مدرسه / محمد معین دانش پور / ۳۶

فرسودگی تحصیلی و راه‌های مقابله با آن / حمید محمدی / ۴۰

رابطه معنویت با مسئولیت در دانش آموزان / زهرا شاهسواری - علی صلاحی / ۴۳

به مناسبت هفته سلامت روان / ۴۸

کتابخانه مشاور / ۴۸

### قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروفنگاری (تایپ) شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (واژه‌های کلیدی) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

خانواده مجلات رشد  
همه تلاش خود را کرده است  
تا این مجله در دسترس عموم  
جامعه تربیتی کشور قرار گیرد  
و همه مخاطبان در میهن عزیز  
اسلامی مان امکان تهیه آن را  
داشته باشند.

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال



سخن سردبیر

## مشاوره معقول و منعطف

اهمیت اجتناب از کلیشه‌های ذهنی در مواجهه با مراجعان

مقصود از ذکر عوامل قبل و تبیین چندعاملی بودن رفتار انسان این است که به موضوع مشاوره از پنجره محدود «تک‌عامل» ننگریم و مراجع را در حصار یک علت محصور نسازیم. گاهی ممکن است یک علت اصلی برای رفتارهای یک فرد یافت و بر محور آن به زمینه‌های دیگر پرداخت، لیکن معمولاً علت‌های متعددی تعیین‌کننده هستند. نمی‌توان تعیین کرد که هر عاملی تا چه حد تأثیر دارد، ولی با تحلیل درست و شناخت دقیق‌تر مسئله‌های مراجع می‌توان به فضای شفاف و با قابلیت تصمیم‌گیری بالا دست یافت.

همچنین، عوامل مؤثر در رفتار انسان‌ها را باید با رویکرد کیفی تحلیل کرد و با تصمیمات عقلانی قابل‌انعطاف با آنها مواجه شد. قابل‌انعطاف‌بودن مشاور به این معناست که نمی‌توان در برخورد با مسئله‌های مراجع از قاعده «این یا آن» پیروی کرد و به خط‌کشی‌های کمی‌گرایانه دست زد. باید دقیق عمل کرد، ولی انعطاف و عقلانیت را نیز از دست نداد. عقلانیت مشاوره‌ای زمانی قابل تحقق است که تحلیل درستی از علت‌ها داشته باشیم.

اصولاً عقل مشاوره‌ای نگاه کمی و تحلیل‌های تک‌عاملی را

رفتارهای انسان تنها یک علت ندارند و نمی‌توان فقط با استناد به یک علت به تحلیل آن‌ها پرداخت و در نهایت راه‌حل یا راهکاری ارائه کرد. از آنجا که عامل رفتار - یعنی انسان - از ساختار روانی خاص برخوردار است و این ساختار از شرایط و اقتضانات گوناگون تأثیر می‌پذیرد، در بررسی و تحلیل رفتارها باید علت‌های روانی و عاطفی را جست‌وجو کرد.

از سوی دیگر، آدمی موجودی اجتماعی است و در محیط اجتماعی ویژه‌ای زندگی می‌کند، لذا در رفتارهایش باید به تأثیر عوامل اجتماعی توجه کرد. به همین ترتیب، زمینه و عوامل اقتصادی را نیز نباید در تحلیل رفتارها نادیده گرفت. از جمله احتیاجات اساسی بشر، نیازهای اقتصادی و تأمین معاش است که فراز و نشیب آن بر رفتارش تأثیر می‌گذارد. سطح معرفت و میزان دانایی انسان هم در بروز و ظهور رفتارهایش تأثیر دارد. بی‌تردید دانایان و نادانان به یک صورت با مسئله‌ها و رویدادهای زندگی برخورد نمی‌کنند. علاوه بر این عوامل اصلی، عوامل جزئی‌تر زیادی نیز می‌توان یافت که بر عوامل شکل‌دهنده منش و رفتار انسان مؤثر هستند.



نمی‌پذیرد و نگاه کیفی و چندعاملی را می‌پسندد.

اکنون که در بهار سال ۱۴۰۲ هستیم، با نگاه به طبیعت زیبا و تحلیل عوامل به وجود آورنده طراوت بهاری، می‌توانیم برای مشاوره و به مشاوران عزیز مدرسه‌ها، راهی بهاری معرفی کنیم. بهار به روی ما می‌خندد و زیبایی را به ما نشان می‌دهد. مشاور نیز لازم است از زاویه بهاری به

مراجع بنگردد. حتی اگر وضع مراجع پاییزی

باشد، برخورد مشاور باید بهاری جلوه

کند. در نخستین برخورد، مراجع،

مخصوصاً مراجع دانش‌آموز، باید

احساس امنیت کند و این تصور

در او ایجاد شود که به مکان

امیدبخش و مشکل‌گشایی آمده

است. ممکن است مشکل او نیز

به نحو مطلوب حل نشود، ولی

حس مطلوب داشتن مراجع، او را

در مسیر تلاش برای حل مشکل سرپا

نگه می‌دارد.

زیبایی بهار محصول یک علت نیست. تحول

در طبیعت، مراقبت باغبان، نور خورشید، همسایگی

طبیعی درختان با یکدیگر و امثال این‌ها، طبیعت را زیبا

ساخته‌اند. اگر یکی از این‌ها غایب باشد، به همان اندازه در

زیبایی بهار کاستی پدید می‌آید. تصور کنید که باغبان دلسوز

در کنار درختان باطراوت نباشد. بی‌تردید درخت بی‌صاحب،

هم‌صحبتهی مطلوبی با انسان طبیعت‌دوست نخواهد داشت.

در خصوص سایر عوامل نیز همین‌گونه می‌توان تحلیل کرد.

با الهام از این واقعیت‌های طبیعی می‌توان به مشاوره‌های

مدرسه‌ها حیات دیگری بخشید.

مراجع را بیرون از زمینه‌های تحولی پیرامونی‌اش نمی‌توان

مورد قضاوت قرار داد و مسائلش را حل کرد. اولین محیطی

که بر رفتار مراجع اثر می‌گذارد و مشاور نیز ملزم به توجه

به آن است، محیط خانوادگی است. همین‌طور گروه‌های

هم‌سالان و دوستان مراجع نیز در زمره عوامل محیطی

قرار می‌گیرند. ممکن است چالش‌های

خانوادگی وضع روحی و روانی دانش‌آموز

را به‌هم بزنند. بی‌شک بدون فهم

آن‌ها نمی‌توان خدمت مشاوره‌ای

انجام داد.

در مجموع باید اذعان کرد که

رفتارهای مراجع را با لنزهای

متفاوت می‌توان مشاهده کرد

و حاصل آن‌ها را در یک تحلیل

ترکیبی با هم دید؛ همان قاعده‌ای

که در فعل و انفعالات بهاری رخ

می‌دهد. طراوت طبیعت محصول

ترکیب عواملی است و طراوت مراجع نیز

باید محصول ترکیب عوامل روانی، اجتماعی،

خانوادگی و غیره باشد.

مشاور مدرسه باید هنر ترکیب دریافت‌های گوناگون را داشته

باشد و از نگاه تک‌بعدی بپرهیزد. از یک پنجره نمی‌توان دنیای

درون مراجع را دید، بلکه از پنجره‌ها باید نظاره‌گر شد. به

علاوه اینکه باید درست دید. تنوع پنجره‌های مشاهده شرط

لازم مشاوره‌ای است، ولی شرط کافی نیست. تنوع پنجره‌های

مشاوره‌ای باید با مشاهده‌های دقیق همراه باشد.

**مشاور مدرسه باید  
هنر ترکیب دریافت‌های  
گوناگون را داشته باشد و از  
نگاه تک‌بعدی بپرهیزد. از یک  
پنجره نمی‌توان دنیای درون  
مراجع را دید، بلکه از پنجره‌ها  
باید نظاره‌گر شد**



مشاور تربیتی و آغاز مبارک

## از پیش دبستانی آغاز کنیم!

گفت‌وگو با دکتر سعید مذبحی، استاد گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

نقدی بر آشناسازی دیر هنگام دانش‌آموزان با دنیای کسب و کار

گفت‌وگو و گزارش: محمد دشتی

... ۸۰ هزار نفر برای شرکت در آزمایش ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی ثبت‌نام کردند ... مسابقه‌ای که می‌توان گفت همه‌ساله چند ماه متوالی چون تپی سوزان به جان جوانان آرزومند تحصیلات عالی و خانواده‌های آنان می‌افتد ... نوشته بالا آن قدر آشنا به نظر می‌آید که شاید نتوانید تصور کنید این متن گزارشی در صفحه ۵ روزنامه اطلاعات یکشنبه ۷ خردادماه ۱۳۵۱ (حدود ۶۰ سال و سه ماه قبل) درباره شرکت ۸۰ هزار نفر داوطلب در آزمون سراسری دانشگاه‌هاست. نخستین آزمون سراسری دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۰ با شرکت ۳۰۰ داوطلب، آن هم در رشته پزشکی برگزار شد که در این آزمون فقط هشت دختر شرکت داشتند. این در حالی است که تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در آزمون سراسری سال ۱۴۰۰، یعنی حدود ۸۰ سال بعد، به یک میلیون و ۴۷۸ هزار نفر رسید. از این تعداد ۹۱۲ هزار و ۸۶۹ نفر زن و ۵۷۳ هزار و ۸۳۶ نفر مرد بودند. فرصتی دست داد تا در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی «دانشگاه علامه طباطبایی» با دکتر سعید مذبحی، استاد گروه آموزش و پرورش این دانشکده در خصوص نقش و تأثیر راهنمایی و مشاوره و اهمیت آن در دوره‌های تحصیلی گفت‌وگو کنیم. گفت‌وگو و صحبتی که مثل بسیاری از موضوع‌های امروز آموزش و پرورش به مسئله آزمون سراسری دانشگاه‌ها کشید و آن قدر پررنگ و جدی شد که به‌ناچار سرآغاز این گزارش را نیز به بحث آزمون سراسری اختصاص دادیم. در ادامه متن گفت‌وگو با این استاد جوان و خوش اخلاق را که با آمادگی و حضور ذهنی قابل تحسین در این گپ‌وگفت صمیمی شرکت کردند، با هم می‌خوانیم.



مشاوره در مدارس

● در بقیه کشورها نگاه به موضوع مشاوره و راهنمایی چگونه است؟ در تمام کشورهایی که به مشاوره تحصیلی و روان‌شناسی دانش‌آموزان توجه می‌کنند، برنامه‌ریزی درسی و مشاوره تحصیلی روی علاقه‌ها، استعدادها و شکوفایی ظرفیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموز و کودک متمرکز است. بنابراین این موضوع یک «پارادایم» علمی و تخصصی است که متأسفانه در جامعه ما فقط بحث ورود به دانشگاه در آن مطرح است و در دبیرستان‌ها رشته علوم تجربی و در دانشگاه‌ها علوم پزشکی مورد توجه خانواده‌هاست.

موضوع این است که از همان دوره پیش‌دبستانی هر کودکی باید مانند پرونده پزشکی، یک پرونده اختصاصی تحصیلی و استعداد و علاقه داشته باشد و به کمک مشاور، استعدادها، علاقه‌ها و توانمندی‌های ذاتی و احیاناً آنچه که می‌تواند کسب کند، تا دوره دبیرستان در آن ثبت شود.

البته در کنار آن نباید این مانع خودساخته آزمون سراسری وجود داشته باشد. زیرا در تمامی کشورهای دنیا و کشورهایی که به لحاظ آموزشی توسعه یافته هستند، چیزی به نام آزمون سراسری نداریم. آزمون سراسری

● آقای دکتر! با تشکر از حضورتان در این گفت‌وگو، لطفاً از موضوع مشاوره و راهنمایی برایمان بگویید.

فلسفه وجودی برنامه‌ریزی درسی و به تبع آن، مشاوره تحصیلی، انتخاب و شناسایی استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان، برای ورود به رشته‌های تحصیلی در دانشگاه، به‌منظور انتخاب شغل و حرفه و همچنین غلبه بر مانع‌ها و مشکلات تحصیلی و حتی خانوادگی است. از آنجا که انسان دارای ابعاد متفاوت اجتماعی، فردی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی است، در حوزه مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی باید به همه این ابعاد توجه بشود. متأسفانه در این حوزه صرفاً به برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی، آن هم به جدول زمانی درس‌ها توجه می‌شود. بنابراین برای موفقیت در مبحث برنامه‌ریزی درسی، مشاوره تحصیلی، و به‌صورت اختصاصی‌تر آزمون سراسری، لازم است کودک و دانش‌آموز را از دوره پیش‌دبستانی که شخصیتش در حال شکل‌گیری است، تحلیل و بررسی کنیم و علاقه‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی کودک را از آن زمان مورد شناسایی قرار دهیم.

در نظام آموزشی و اجتماعی ما مانع، مشکل و سد خودساخته‌ای است که هزینه‌های گزافی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند تا بتوانند از این سد و مانع بگذرند. این در حالی است که خیلی‌ها موفق به پرش از این مانع و عبور از آن نمی‌شوند. آن‌هایی هم که موفق به عبور می‌شوند، وارد دنیای جدیدی می‌شوند که شناختی از آن ندارند و معمولاً به توقعات ذهنی آنان پاسخ داده نمی‌شود.

● اما انگار وضع در ایران فرق می‌کند و آزمون سراسری دانشگاه‌ها یا کنکور جایگاه ویژه‌ای دارد که خیلی از فعالیت‌های دیگر را، از جمله در حوزه مشاوره و راهنمایی، بی‌اثر یا منحرف می‌کند!

بله متأسفانه! وضعیت ما به گونه‌ای است که تمام برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی، مشاوره و آزمون سراسری دانشگاه‌ها در نظام آموزشی ایران در ورود به رشته‌های علوم پزشکی و زیرمجموعه‌های آن خلاصه شده است و بقیه رشته‌ها در گروه‌های علوم انسانی، هنر و ... جذابیت چندانی ندارند. موضوعی که باعث شده است، مافیایی به نام آزمون سراسری در برابر فرزندان ما قد علم کند و با ایجاد و تقویت نظام‌های آموزشی حاشیه‌ای، بازار مکاره‌ای را شکل داده است که حاصل و خروجی آن ایجاد فشار روانی در دانش‌آموزان و اضطراب و نگرانی در خانواده‌هاست.

نکته غم‌انگیز این داستان و ماجرا آن است که وقتی افراد نخبه و با استعداد کشور به این حوزه می‌آیند، عملاً نابرابری‌ها تقویت می‌شوند و افرادی که از این رقابت ناسالم عقب می‌مانند، عملاً به حاشیه رانده می‌شوند.

● اما می‌بینیم که در برهه‌هایی از زمان و از جمله در زمان حال، تلاش‌هایی برای آشنایی بیشتر بچه‌ها با بازار کار و در نتیجه کمک به انتخاب شغل توسط آنان در جریان است.

همین‌طور است! «هفته معرفت مشاغل» باید به خوبی و به درستی مورد توجه قرار گیرد و مدرسه‌ها و مشاوران تحصیلی در مدرسه‌ها هفته معرفت مشاغل را به صورت علمی و اختصاصی پیش ببرند. در حال حاضر، به جای اینکه دانش‌آموزان را به اجتماع ببرند و با صنعت و شغل‌های متفاوت آشنا کنند، افرادی از شغل‌های متفاوت در این هفته به مدرسه می‌آیند و شغلشان را معرفی می‌کنند؛ کاری که در حد و اندازه خود مفید است، اما نمی‌تواند برای دانش‌آموزان راهگشا، آگاهی‌بخش و مفید باشد.

در حالی که در گذشته‌های نه چندان دور، طرحی با عنوان «طرح کاد» یا همان «کار و دانش» داشتیم که بچه‌ها از دوره اول متوسطه یا پایان دوره راهنمایی تحصیلی، هر هفته روز و یا ساعاتی را در کارگاه‌ها و مراکز صنعتی، تولیدی، خدماتی، درمانی و ... حضور پیدا می‌کردند و با انجام کارآموزی عملی، به نوعی با شغل‌ها آشنا و همراه می‌شدند. کاری که می‌توانست به آنان کمک کند، با یافتن علاقه‌ها و استعداد‌های خود، برای آینده شغلی را که می‌پسندند انتخاب کنند و در ادامه مسیر تحصیلی خود، در همان زمینه تحصیل و کسب دانش کنند. طرحی که اگر خوب اجرا می‌شد، می‌توانست خیلی اثربخش باشد، اما ادامه پیدا نکرد. فعلاً در این زمینه هفته معرفت مشاغل را داریم که آن هم به شکل اصولی و اساسی برگزار نمی‌شود.

● جالب است که این اقدامات سابقه زیادی دارند، اما انگار نتوانسته‌اند به مقصد و هدف‌های مورد نظر برسند؛ چرا؟

اگر مروری بر طرح‌ها و برنامه‌های ۶۰-۵۰ سال اخیر، یعنی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۴۰۰ داشته باشیم، درمی‌یابیم که با توجه به تحولات و اتفاقات

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران، همواره طرح‌ها و برنامه‌هایی برای کشف، پرورش و به قابلیت‌رساندن استعدادها و علاقه‌های فرزندان این مرزوبوم وجود داشته‌اند. طرح‌ها و برنامه‌هایی دقیق و هدف‌گذاری شده، مانند راه‌اندازی دوره راهنمایی تحصیلی در دهه ۱۳۴۰ شمسی، ارائه درس‌های «حرفه‌وفن»، اجرای طرح‌هایی مانند «کاد» و همچنین گنجانیدن هفته‌ای به نام «هفته معرفت مشاغل» در تقویم کاری مدرسه‌ها. فعالیت‌هایی از این دست هستند که نشان می‌دهند، شناسایی، کشف و هدایت استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان همواره موضوعی مورد توجه بوده است.

موضوعی که با پیچیده‌تر شدن دنیای مبتنی بر فناوری و دانش‌های نوین، اگرچه تغییر شکل داده، اما نه تنها از اهمیت و ضرورت آن کاسته نشده که در شکلی پیچیده‌تر و با ابعاد گوناگون مطرح شده است و همچنان مسئله روز آموزش و پرورش، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و در یک کلام، مسئله‌ای فراگیر، ملی و اجتماعی محسوب می‌شود.

متأسفانه همه راه‌ها به آزمون سراسری و رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی ختم می‌شوند. شاید بتوان گفت دلیل شکست برخی و یا همه این طرح‌ها، همین سمت و سوگیری درس و مشق و مدرسه در مسیر آزمون سراسری و دانشگاه است که باعث شده همه توان و ظرفیت درونی و فکری دانش‌آموزان، خانواده‌ها و گاه نظام آموزشی ما در چنین مسیری صرف شود. به نحوی که گاه خانواده‌ها و اولیا انتظار دارند که نظام مشاوره و برنامه‌ریزی درسی ما هم در همین مسیر فعال باشد و هیچ تلاش و کوششی راه‌ولو عمیق، برنامه‌ریزی شده، هدفمند و به دنبال هدف‌های مترقی و سودمند، بر نمی‌تابند.

● در مجموع و با توجه به صحبت‌هایی که مطرح شد، شما چه پیشنهاد مشخصی دارید که بتوان تا حدودی از اثرات ناگوار آزمون سراسری دانشگاه‌ها که انگار فعلاً جایگزینی هم ندارد، بکاهیم؟

اعتقاد دارم، اگر آموزش و پرورش بخواهد بر اساس اسناد و مدارک بالادستی، مانند «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «برنامه درسی ملی» و ... حرکت کند، باید برنامه و نقشه‌ای برای معضلی مانند آزمون سراسری و سازمان‌ها، نهادها، مؤسسه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و دیگر دفتر و دستک‌هایی که در مسیر آن شکل گرفته‌اند، داشته باشد تا بتواند موفق شود. برنامه و نقشه‌ای که حتماً باید بخشی قابل توجه از آن مسیر برنامه‌ریزی درسی و مشاوره شغلی و تحصیلی بگذرد و طرحی روشن و کارآمد برای استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان داشته باشد. البته علاوه بر آزمون سراسری که می‌تواند عاملی مهم در این خصوص باشد، باید به دیگر مانع‌ها، مشکلات و محدودیت‌ها هم توجه و عنایت شود.

اگر به دنبال پاسخ و برنامه‌ای مشخص باشیم، طرحی با عنوان «پروژه ابهت‌زدایی از رشته‌های علوم پزشکی و زیرمجموعه آن» در ذهن دارم. اگر توجه کنیم، در حوزه علوم انسانی قبلاً اکثر دانش‌آموزان رشته حقوق را انتخاب می‌کردند. معمولاً سهمیه رشته حقوق به دانش‌آموزانی تعلق می‌گرفت که در درس‌های اصلی درصدهای بالایی داشتند و می‌توانستند در این رشته که در گروه درسی علوم انسانی جایگاه اول را داشت، ادامه تحصیل دهند.

بعد از مدتی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این حوزه که متوجه شدند تقاضا برای این رشته بالاست، عرضه آن را افزایش دادند. با اختصاص دادن سهمیه‌هایی به رشته حقوق در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، بازار این رشته اشباع شد و هجوم و سیل تقاضا برای این رشته کاهش یافت. این موضوع باعث شد از رشته حقوق «ابهت‌زدایی» شود و فقط فارغ‌التحصیلانی که سواد و ظرفیت

لازم را داشتند، بتوانند با شرکت در دوره‌های تکمیلی و عالی، مراتب شغلی و حرفه‌ای را به دست آورند.

به همین روش، ما باید کنکور رشته‌های پزشکی را هم از سر راه و مسیر بچه‌ها برداریم تا هر دانش‌آموزی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل در این زمینه است و البته شرایط عمومی و اولیه را برای این زمینه دارد، بتواند علوم پزشکی بخواند. ما می‌توانیم همانند دانشجویانی که رشته حقوق خوانده‌اند و معمولاً در خانواده‌های ایرانی در اکثر خانواده‌ها چنین فارغ‌التحصیلانی داریم، در رشته‌های پزشکی هم، حداقل در سطح پزشکی عمومی، افرادی را داشته باشیم که با توجه به استعداد و علاقه‌ای که داشته‌اند، بتوانند بدون مانع آزمون سراسری در این رشته تحصیل کنند. موضوعی که آن را «بهت‌زدایی از رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی» می‌نامم و گمان می‌کنم می‌تواند معضلی را که امروز دامن‌گیر جامعه و باعث شده است، فعالیتی مانند آزمون سراسری همه ارکان نظام آموزشی ما را تحت تأثیر قرار دهد، تا حدود زیادی برطرف کند.

### ● آیا سابقه و نمونه‌ای از این نوع اقدام در کشورهای دیگر سراغ دارید؟

بله! این طرح در کشورهایی مانند روسیه، بلاروس و برخی کشورهای اروپایی اجرا می‌شود و همان‌گونه که اطلاع دارید، باعث جذب بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های ایرانی هم شده است. یعنی جوانان می‌توانند با مانع‌های کمتر و استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی ادامه تحصیل دهند. با اجرای طرح «بهت‌زدایی از رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی» این فرصت به وجود می‌آید که دانشجویان ما به جای تحصیل در کشورهای بلاروس، روسیه، اوکراین و ... در کشور خودمان با شرایطی بهتر و سهل‌تر تحصیل کنند و تعداد بیشتری از فرزندان این مرزوبوم از مزیت‌های آن بهره‌مند شوند.

### ● معمولاً وقتی چنین صحبت‌هایی مطرح می‌شوند، از ممانعت‌ها و یا رقابت مؤسسه‌ها و مراکزی گفته می‌شود که در حوزه برگزاری کلاس‌های آزمون سراسری و چاپ کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی فعالیت دارند. نظر تان در این خصوص چیست؟

به نکته مهمی اشاره کردید. باید بگویم اتفاقاً اگر نظام آموزشی به‌درستی عمل کند، مراکز و مؤسسه‌های فعلی فعال در حوزه آزمون سراسری دانشگاه‌ها و چاپ و انتشار کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی نیز می‌توانند فعالیت اصولی خود را داشته باشند و با رعایت قوانین و استانداردهای تولید و چاپ کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی در این زمینه فعالیت کنند. این کار باعث خواهد شد که به جای تکرار افسانه‌ای با عنوان «مافیای کنکور»، زمینه فعالیت اصولی و مؤثر همه اجزای دخیل در این حوزه، و از جمله مراکز و مؤسسه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی نیز فراهم شود. با شکل‌گیری کالج‌هایی برای تحصیلات علوم پزشکی، همه با هم برای کشف استعدادها و پرورش علاقه‌ها و توانمندی‌های فرزندانمان، حداقل در رشته‌های مانند پزشکی که فعلاً خواهان و داوطلبان زیادی دارد، گام‌های اصولی و اساسی برداریم.

چنین طرح و برنامه‌ای به موضوع عدالت در شکل‌های اجتماعی،

فرهنگی و منطقه‌ای نیز کمک خواهد کرد. اگر دانشجویان مناطق محروم و کمتر برخوردار، مانند سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و ... نتوانند در کالج‌ها و مراکز دانشگاهی در همان منطقه خود، علوم پزشکی بخوانند، عملاً به نیاز مردم آن منطقه به چنین رشته‌هایی پاسخ خواهیم داد.

### ● آیا فکر می‌کنید واقعاً می‌توان با چنین طرح‌ها و یا پیشنهادهایی از تندی تب آزمون سراسری و اثرات آن کاست؟

بله و جمع‌بندی صحبت‌های من این است که اگر بتوانیم با راهکارهایی حساب‌شده و دقیق و افزایش عرضه، به تقاضای فعلی برای تحصیل در رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی پاسخ دهیم، دیگر تب آزمون سراسری همه‌ساله وجود دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان را فرا نخواهد گرفت و فشار روانی و اضطراب ناشی از آن ارکان وجودی آنان را نخواهد لرزاند.

در چنین وضعیتی اگر این ظرفیت افزایش یابد، فشار حاصل در پایان ۱۲ سال تحصیل برداشته شود، مؤسسه‌ها و مراکز فعال در حوزه آموزش‌های تکمیلی و ناشر کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی می‌توانند با امضای تفاهم‌نامه‌هایی با مراکز دانشگاهی و کالج‌های پزشکی و پیراپزشکی، تسوان و ظرفیت خود را برای کمک به دانشجویان تحصیلات تکمیلی و عالی‌تر به کار ببرند. در واقع، آن‌ها در رقابت سازنده برای ادامه تحصیل، از پایان دوره تحصیلی رسمی به دوره‌های تخصصی و تکمیلی انتقال خواهند یافت که با عنایت به شناخت، آگاهی و استعدادهای برتری که قرار است در آن دوره‌ها ادامه تحصیل دهند، فشار کشنده فعلی از روی دوش بچه‌ها و خانواده‌های آنان برداشته خواهد شد.

### ● به موضوع اصلی گفت‌وگو برگردیم. از تجربه‌های دیگر کشورها در حوزه مشاوره و برنامه‌ریزی درسی بر ایمان بگویید.

طبق آنچه من از تجربه کشورهای دیگر در حوزه مشاوره و برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی می‌دانم و اطلاع دارم، معمولاً امور این حوزه بر مبنای خواست دانش‌آموزان و بر اساس علاقه‌محوری است.

در دین مبین اسلام و در آیات، روایات و آموزه‌های دینی ما تصریح شده است که انسان‌ها متفاوت آفریده شده‌اند و اساساً همین تفاوت‌هاست که شخصیت هر انسانی را می‌سازد. در پناه همین تفاوت‌ها و توانمندی‌های گوناگون و متفاوت است که گوهر وجودی انسان شکوفا و باعث پیشرفت فرد، خانواده و اجتماع می‌شود. نتیجه اینکه ما با مطالعه تطبیقی در کشورهای مختلف و تجربه‌های فراوانی که در این زمینه داریم، متوجه می‌شویم که قدرت و توانمندی انسان‌ها در تفاوت‌های فردی آنان است و شناخت تفاوت‌های فردی در گرو شناخت، کشف و شکوفا کردن همین ظرفیت‌های وجودی است. چنین درکی ما را به اهمیت و جایگاه مشاوره و راهنمایی در زمینه‌های گوناگون واقف می‌سازد.

این در حالی است که نظام‌های آموزشی و از جمله نظام آموزشی ما، دانش‌آموزان را روی «تخت پروکروسستس» نظام آموزشی می‌خوابانند و او را در حد و اندازه‌ای که مورد نظر خودشان است و نه بر اساس استعدادها و علاقه‌هایی که دارد، در می‌آورند. موضوعی که باعث از بین رفتن و یا هدر رفتن استعداد فرد، کشتن خلاقیت و نوآوری، و در یک کلام مانع رشد و شکوفایی استعدادهای او می‌شود. در صورتی که مشاوران تحصیلی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی و

همین‌طور است! | هفته معرفی  
مشاغل! | باید به خوبی و به درستی  
مورد توجه قرار گیرد و مدرسه‌ها و  
مشاوران تحصیلی در مدرسه‌ها هفته  
معرفی مشاغل را به صورت علمی و  
اختصاصی پیش ببرند



تحصیلی، باید با برنامه‌های منظم، ضمن بررسی و شناسایی حرفه‌ای، استعدادها و علاقه‌های گوناگون دانش‌آموزان را کشف و ثبت کنند و ضمن توجه به ویژگی‌های فردی تک‌تک دانش‌آموزان، آنان را در انتخاب مسیری صحیح مبتنی بر استعدادها و ظرفیت‌های شخصیتی و اکتسابی آنان هدایت و زمینه‌رشد و توسعه وجودی آنان را فراهم آورند.

### ● خوب است در این میان اشاره مستقیم‌تری هم به نقش مشاوران مدرسه‌ها داشته باشید.

نقش مشاوران تحصیلی و شغلی از نظر فرهنگی هم مهم است. آنان باید دانش‌آموزان را آگاه کنند که کشف علاقه، استعداد و شناخت درست آنان از خود، نقشی مهم در رضایت آنان در طول زندگی خواهد داشت و در واقع، آینده و زندگی پیش روی آنان در گرو این شناخت و آگاهی است. در بحث «خودشکوفایی»<sup>۲</sup> این موضوع مطرح است که ما نباید به‌گونه‌ای عمل کنیم که انتخاب‌ها و شرایط اجتماعی و فرهنگی باعث شوند، فرد به دنبال رشته‌ای برود که هر چند ممکن است نان و آبی داشته باشد، اما با شخصیت، منش و علاقه‌های او هماهنگ نباشد. چون چنین امری ممکن است ثروت و مکنتی را برای فرد به همراه بیاورد، اما مانع از رضایت درونی، احساس آرامش و خوش‌بختی فرد و مانع از خودشکوفایی او خواهد شد. در حقیقت بحث مشاوره و راهنمایی که در حال حاضر در دوره‌های اول و دوم متوسطه صورت می‌گیرد، باید از همان دوره ابتدایی و حتی پیش از دبستان آغاز شود. همان‌طور که اشاره کردم، باید برای تک‌تک دانش‌آموزان پرونده حرفه‌ای تشکیل شود و احوال و وضعیت فردی آنان، به‌خصوص استعدادها و علاقه‌هایشان، در آن ثبت و ضبط شود تا امر راهنمایی در هر مرحله‌ای به‌صورت تخصصی، آگاهانه و مسئولانه صورت پذیرد. ما شاهد هستیم که در برخی از کشورها، افراد بر اساس علاقه‌ها و استعدادی که دارند، کشف و شکوفا شده‌اند. آنگاه تمامی گوهر عمر خود را مثلاً برای مطالعه روی یک گونه گیاهی یا حیوانی جدید گذاشته‌اند. اتفاقاً چون تلاش، ممارست و پشتکار داشته‌اند، حاصل عمرشان در خدمت رشد و توسعه بشریت قرار گرفته است و خودشان نیز از زندگی و حیاتی که طی کرده‌اند، راضی هستند.

### ● در پایان اگر نقطه نظر، نقد و انتقادی درباره این نشریه دارید، بفرمایید.

لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدرشناسی خودم را از دوستان و همکاران عزیزی که در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در حوزه مجلات متنوع و مؤثر رشد فعالیت می‌کنند و این فرصت را در اختیار بنده قرار دادند تا با مخاطبان اندیشمندان آن مجله، و به‌خصوص مشاوران محترم مدرسه‌ها صحبت کنم، اعلام کنم.

ما باید در فرایند «شایسته‌سالاری» و «شایسته‌گزینی» به این امر مهم توجه داشته باشیم که به هر میزان همکاران ما در حوزه‌های ستادی، افرادی توانمند، شایسته و کارآمد باشند، همکاران آن‌ها در مناطق آموزشی و مدرسه‌ها که کانون قدرت آموزش و پرورش هستند،

کارایی و اثرگذاری بیشتری خواهند داشت. امری که همکاران من در وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حتماً به آن توجه دارند و بر آن مراقبت می‌کنند.

خوشبختانه از زمانی که معلم بوده‌ام، تاکنون که عضو گروه آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی هستم، مجلات رشد و به‌خصوص «رشد آموزش مشاوره» را مطالعه کرده‌ام و اعتقاد دارم که مجله‌ای مفید و کارآمد برای طیف وسیع مخاطبان این مجله است. بخش زیادی از کار ما در این گروه، بررسی و تحلیل محتوای آموزشی و درسی است که بخش عمده‌ای از آن‌ها در همین رسانه‌های آموزشی، و از جمله مهم‌ترین آن‌ها، یعنی مجله‌های رشد به چاپ می‌رسند.

این رسانه‌های آموزشی همراه نظام آموزشی نوین کشور هستند و از قابلیت‌های فراوانی برای تکمیل و توسعه مواد آموزشی و درسی برخوردارند. از سوی دیگر، انبوه مخاطبان این رسانه‌ها و نشریات، دانش‌آموزان، معلمان، خانواده‌ها، دانشجویان مرتبط در حوزه‌های گوناگون، و اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش هستند که طیف وسیع و مهمی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند تأثیرگذاری زیادی داشته باشند.

پیشنهاد این است که برای روزآمدی و کارآمدی بیشتر این نشریات تلاش شود تا ارتباط بین فعالیت‌های صف و ستاد، یعنی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مدرسه‌ها، بیش از پیش تقویت شود. همچنین در یک ارتباط گسترده و مستمر باید ارتباط بین این نشریه‌ها با خانواده‌ها، مدرسه‌ها و مراکز دانشگاهی تقویت شود تا بتوانند با قوت و قدرت بیشتری امور محوله را به پیش ببرند و ضمن نیازسنجی از خانواده‌ها و جست‌وجوی راهکارهای مناسب با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، بتوانند مطالب و مواد آموزشی و جذابی را برای مدرسه‌ها، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان فراهم آورند. در این میان، ارتباط وثیق‌تر و وسیع‌تر با دانشکده‌های علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم تربیتی در دانشگاه‌های مرتبط، می‌تواند در نقش‌آفرینی برای هدف‌های مهم در توسعه آموزش و پرورش و تقویت رابطه دانشگاه و حوزه تعلیم و تربیت، بسیار تأثیرگذار و مفید باشد.

در شرایط پساکرونا و ضرورت آموزش‌های مجازی، باید به این مهم توجه داشته باشیم که رسانه‌ها جایگاه خاصی دارند و می‌توانند در شرایط جدید، برای برقراری ارتباط همه‌جانبه بین دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدرسه‌ها، بیش از پیش نقش‌آفرین باشند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در اساطیر یونان باستان، از شخصیتی به نام پروکروستس نام برده شده است. او همه مسافرانی را که قصد ورود به آتن داشتند، روی تختی می‌خواباند و اگر مسافری کوتاه‌تر از اندازه تخت بود، آنقدر او را می‌کشید تا اندازه شود. اگر هم بلندتر بود، پاها یا دست‌هایش را قطع می‌کرد. از نظر پروکروستس تنها اشخاصی درست و کامل بودند که به اندازه تخت او باشند. داستان آن تخت، روایت قاب‌های ذهنی و پیش‌داوری ما انسان‌ها درباره دیگران است. 2. self-actualization

ظاهر و باطن خدمات مشاوره‌ای

# تأثیر ظاهر مشاوران بر باطن دانش‌آموزان

محبوبه موسیوند، استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا(س)

کلید واژه‌ها: مشاوران، دانش‌آموزان، وضعیت ظاهری

## چکیده

مشاوران حاضر در مدرسه‌ها، یکی از اجزا و عناصر اصلی امر آموزش و پرورش محسوب می‌شوند. ویژگی‌ها و خصوصیت‌های گوناگون آن‌ها، اعم از سابقه تحصیلی و شغلی‌شان، توانمندی‌شان در امر مشاوره، نحوه تعاملشان با دانش‌آموزان، و به طور خاص، سبک پوشش آن‌ها، به عنوان یک مقوله قابل مشاهده، از سوی دانش‌آموزان مورد قضاوت و ارزشیابی قرار می‌گیرد. حتی می‌توان گفت که قبل از ارزیابی سطح علمی مشاور، به سبک پوشش او توجه می‌کنند. لذا، مشاوران تحصیلی که یکی از هدف‌هایشان به طور ضمنی، کمک به پیشبرد هدف‌های آموزشی، تربیتی، اخلاقی و ... مدرسه است و تا حد قابل توجهی با مقوله روان‌شناسی آشنایی دارند، می‌باید از سبک پوششی متناسب با موازین اسلامی-ایرانی استفاده کنند. به این ترتیب، دانش‌آموزان با روحیه بالاتری از خدمات مشاوره تحصیلی بهره می‌گیرند و در جهت بهبود وضعیت تحصیلی خود می‌کوشند.

کادر آموزشی و اجرایی مدرسه، اعم از معلم، مشاور و ... ستون‌ها و اجزای اصلی مدرسه تلقی می‌شوند و هر یک از شاخصه‌های اخلاقی، علمی، رفتاری و ظاهری، همچون سبک پوشش آن‌ها و ... تأثیر بسزایی بر دانش‌آموزان دارد. در برخی موارد، دانش‌آموزان با بعضی از این افراد همانندسازی و از آن‌ها الگوبرداری می‌کنند. البته میزان اثرگذاری آن‌ها بر دانش‌آموزان، در ابعاد گوناگون و در دوره‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است. معمولاً گستره این تأثیرگذاری در سنین پایین‌تر و به طور خاص، دوره آموزش ابتدایی، بیشتر است.

مشاوران مدرسه نیز از این قاعده مستثنا نیستند. مشاوران به‌عنوان افرادی که میان دانش‌آموزان و کارکنان اجرایی مدرسه نقش واسطه دارند و هدفشان طراحی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی در جهت ارتقای سطح کیفی مدرسه، بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و ارائه خدمات مشاوره‌ای به آن‌هاست، می‌باید دقت نظر بیشتری در زمینه خصوصیات





در مدرسه فعالیت می‌کند، می‌تواند مانعی در جهت فرایند مشاوره قلمداد شود. در نهایت هم می‌توان گفت که با توجه به نقش و جایگاهی که مشاوران در مدرسه‌ها دارند، نسبت به معلمان، با دانش‌آموزان تعامل کمتری دارند. از این رو باید از یک سلسله عامل‌ها و مؤلفه‌ها در جهت جذب دانش‌آموزان استفاده کنند.

همان‌طور که که پیش‌تر ذکر شد، سبک پوشش یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل‌ها در این زمینه است و معمولاً قبل از اینکه سطح علمی، توانمندی در مشاوره، آشنایی با فنون راهنمایی و مشاوره و فن بیان یک مشاور توسط دانش‌آموزان بررسی شود، ابتدا سبک پوشش او مورد قضاوت و ارزشیابی قرار می‌گیرد. در برخی از موارد، اگر این سبک پوشش مورد پسندشان واقع شود از آن الگو می‌گیرند. حتی می‌توان گفت که بعضی دانش‌آموزان این شاخصه ظاهری را سال‌ها در ذهن خود ثبت می‌کنند. پژوهش‌ها و مطالعه‌های گوناگون، برای سبک پوشش و تأثیرگذار واقع شدن آن، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر را به این شرح معرفی می‌کنند:

### مؤلفه‌های سبک پوشش

۱. **شکل یا طرح لباس:** در محیطی همچون مدرسه که کارکنان با دانش‌آموزان زیادی سروکار دارد، باید توجه داشته باشند که دانش‌آموزان جزئیات ظاهری کادر مدرسه را، همچون پوشش آن‌ها، به دقت مورد کندوکاو قرار می‌دهند. از این رو اگر معلم یا مشاور مدرسه با پوششی نامرتب در انظار ظاهر شود، دانش‌آموزان نه تنها از او الگوبرداری نمی‌کنند، بلکه ممکن است که از این موضوع به عنوان نوعی شهرت منفی برای او استفاده کنند که این موضوع نوعی دافعه ایجاد می‌کند. در مقابل اگر پوشش آن‌ها اسلامی و متعارف باشد، مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرند و این نوعی شهرت مثبت برایشان رقم می‌زند.

۲. **جنس یا پارچه لباس:** نوع پارچه زیبایی به کار رفته در لباس هم می‌تواند جزو عوامل زیبایی‌شناختی به‌شمار رود.

۳. **رنگ لباس:** لباس‌هایی با رنگ روشن، آرامش‌بخش، شاد و گرم موجبات شادابی، سرزندگی و انبساط خاطر دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند.

۴. **اندازه لباس:** این موضوع مهم تلقی می‌شود که اندازه لباس برای فرد مناسب و غیر آزاردهنده باشد.

۵. **تناسب در پوشش:** لازم است سبک پوشش مشاور با قوانین، ضوابط، عرف، هنجارهای جامعه، محیط شغلی، موازین ایرانی - اسلامی متناسب باشد.

۶. **توجه به نقش الگویی سبک پوشش:** مشاور به عنوان کسی که در محیطی پرجمعیت حضور دارد و افراد زیادی امکان دارد او را الگوی خود قرار دهند، می‌باید به سبک پوشش خود توجه بیشتری داشته باشد.

ظاهری، رفتاری، اخلاقی و ... خود داشته باشند. البته نقش و شرح وظایف مشاوران تحصیلی در مدرسه‌ها با مربیان پرورشی متفاوت است و هر کدام دارای مسئولیت‌ها و عملکردهای مخصوص خود هستند.

بحث وضعیت ظاهری و سبک پوشش مشاوران تحصیلی حاضر در مدرسه‌ها، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر دانش‌آموزان، موضوعی بدیع و نو محسوب می‌شود و اغلب پژوهش‌هایی که در زمینه پوشش کارکنان مدرسه صورت گرفته‌اند، نحوه پوشش معلمان و تأثیر آن را بر دانش‌آموزان و فرایند یادگیری بررسی کرده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل این موضوع آن است که معلمان به صورت اجتناب‌ناپذیر و به میزان قابل توجهی با دانش‌آموزان در ارتباط هستند، در حالی که مشاوران تحصیلی مدرسه از چنین جایگاهی برخوردار نیستند. آن‌ها معمولاً در صورت اضطرار، الزام مدرسه، وضعیت نابسامان تحصیلی، اخلاقی، خانوادگی و ... دانش‌آموز، در مدرسه حضور می‌یابند و تمایل و اقدام خودخواسته دانش‌آموز برای مراجعه به مشاور و ... سبب اتصال و پیوند دانش‌آموزان با مشاوران تحصیلی مدرسه می‌شود و به همین سبب مقوله سبک پوشش مشاوران مدرسه در پژوهش‌ها مغفول واقع شده است.

مشاوران مدرسه که گاه جایگاه شغلی متزلزلی در مدرسه دارند و معمولاً در اغلب مدرسه‌ها الزامی مبنی بر همکاری همه دانش‌آموزان با مشاوران نیست، می‌باید از یک سلسله ویژگی‌های ظاهری، اخلاقی، علمی و ... برخوردار باشند تا قدرت جذب بیشتری در جلب توجه دانش‌آموزان به خود داشته باشند. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- ◀ سابقه تحصیلی و شغلی مرتبط با مقوله مشاوره؛
- ◀ بهره‌مندی از تخصص و تجربه کافی در زمینه مشاوره؛
- ◀ برخورداری از مهارت و توانمندی در امر مشاوره؛
- ◀ رازداری، همدلی و قدرت درک بالا؛
- ◀ ارائه راهکارهای واقع‌بینانه و کاربردی؛
- ◀ ایجاد ارتباط مؤثر به منظور جلب اطمینان و اعتماد دانش‌آموز؛

◀ پذیرفتن دانش‌آموز با هر خصوصیت ظاهری، اخلاقی، تحصیلی، خانوادگی و ...؛

- ◀ اجتناب از قضاوت و داوری ارزشی و نصیحت‌کردن دانش‌آموز؛
- ◀ اعتمادبه‌نفس در مشاوره و فن بیان قوی؛
- ◀ انعطاف‌پذیری و احترام به دانش‌آموز؛
- ◀ بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی قوی؛
- ◀ استفاده از مهارت‌های کلامی و غیرکلامی؛
- ◀ استفاده از مهارت‌های انگیزشی؛
- ◀ بهره‌گیری از مهارت‌های مدیریتی؛
- ◀ و در نهایت، استفاده از سبک پوشش چشم‌نواز، به‌روز، و متناسب با موازین دینی و عرفی.

آخرین عامل می‌تواند یکی از مهم‌ترین شرایط و عوامل اصلی ورود دانش‌آموز به فرایند مشاوره تلقی شود.

به طور کلی، نبود ویژگی‌های فوق در مشاور تحصیلی که

**مطلوب است که مشاوران،  
در عین پایبندی به سبک  
پوشش ایرانی - اسلامی، در  
فضای مدرسه که اختلاطی  
در آن نیست، قدری هم سبک  
پوشش امروزی و جالب  
توجهی داشته باشند**

الگوبرداری از کادر آموزشی و اجرایی مدرسه خود، به خصوص مشاوران، از نظر سبک پوشش و مؤلفه‌ها و عناصر مهم شیوه پوشش، به عنوان الگویی جذاب و تأثیرگذار برمی‌آیند و از آن‌ها ایده می‌گیرند. روشن است که الگوبرداری از این قشر از جامعه به مراتب مطلوب‌تر از پیروی از الگوهای غربی است که سبک پوشش آن‌ها با فرهنگی ایرانی - اسلامی بسیار متفاوت و گاه متضاد است.

مطلوب است که مشاوران، در عین پایبندی به سبک پوشش ایرانی - اسلامی، در فضای مدرسه که اختلاطی در آن نیست، قدری هم سبک پوشش امروزی و جالب توجهی داشته باشند. البته استفاده از لباس‌های فاخر، تجملاتی و زیورآلاتی همچون النگو توصیه نمی‌شود، زیرا همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت و این موضوع با محیط مدرسه تناسب ندارد.

**منابع**

۱. آدمیان، مرضیه؛ عظیمی هاشمی، مژگان؛ صنعتی شرقی، نادر (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی سبک پوشش زنان». فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه. سال سوم. شماره ۴.
۲. آج، آرمان؛ عین بیگی، افشین؛ جاهدی، حسین؛ جعفری، مجتبی (۱۳۹۴). «نقش مشاور و کارکنان مدرسه در ارتقای سطح تحصیلی دانش‌آموزان». کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
۳. الهی، محبوبه (۱۳۸۹). «لباس به مثابه هویت». فصلنامه مطالعات ملی. سال یازدهم. شماره ۲.
۴. حمزه لو، زهره و نظری، فاطمه (۱۳۹۹). «بررسی نحوه پوشش معلم در مدرسه از نگاه دانش‌آموزان دختر دوره‌های اول و دوم متوسطه». مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. سال سوم. شماره ۲۸.
۵. روستاخیز، بهروز؛ کاظمی، سمیه؛ آذرشب، عطیه (۱۴۰۱). «کاربرد بازاریابی فرهنگی مصرف‌کننده‌محور در چرخه بازتولید لباس سنتی ایرانی با نگاهی به تجربه‌های کشورهای شرق آسیا. مجله مطالعات رفتار مصرف‌کننده. دوره نهم. شماره ۱.
۶. شاه محمدی، نیره (۱۳۹۶). «چشم‌نوازی ظاهری معلم». مجله رشد آموزش ابتدایی. دوره بیستم. شماره ۸.
۷. شیرزاد، ساکار (۱۳۹۱). «پوشش معلمان و زمینه‌های روان‌شناختی آن». مجله رشد معلم. شماره ۲.
۸. کاویانی، حسین؛ نوری‌زاده، مریم؛ پورناصح، مهرانگیز؛ قدس میرحیدری، سیمین (۱۳۸۱). «جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره: نقد کیفی». نشریه تازه‌های علوم شناختی. سال چهارم. شماره ۱.

**نتیجه‌گیری**

آراستگی ظاهری و سبک پوشش چشم‌نواز مشاوران در مدرسه را، در کنار دانش و سایر مهارت‌های قابل توجه آن‌ها، می‌توان به منزله ابزاری تلقی کرد که به جلب توجه و جذب دانش‌آموزان به مشاوره، ارائه مشاوره تحصیلی به آن‌ها و برطرف‌شدن مسائل و مشکلاتشان، کمک به خودشکوفایی و توسعه استعدادهای آن‌ها در ابعاد گوناگون، بهبود وضعیت تحصیلی‌شان، کمک به افزایش قدرت سازگاری‌شان با شرایط محیطی، کمک به کاهش اضطراب آن‌ها، و در نهایت ارتقای سطح کیفی مدرسه در ابعاد تحصیلی، اخلاقی، تربیتی، آموزشی و ... منجر می‌شود. اما گویی نوعی ارزش و هنجار تعریف‌شده در جامعه وجود دارد که معلمان، مشاوران تحصیلی و کارکنان آموزشی یا اجرایی مدرسه، الزاما باید پوششی ساده، با رنگ‌های تیره، کدر، خنثا و سرد، با سبک و طرحی قدیمی و غیرمدرن داشته باشند تا مقبولیت بیشتری در جامعه کسب کنند. پیش‌فرض ذهنی مردم هم این است که سبک پوشش این قشر از جامعه، امروزی و جالب توجه نیست.

مقاله حاضر کوشیده است، ضمن بررسی ابعاد گوناگون شغل مشاوره در مدرسه، به تأثیر سبک پوشش مشاور در این امر و معرفی مؤلفه‌های گوناگون آن بپردازد. به عبارت دیگر، این موضوع را مورد توجه قرار داده است که دانش‌آموزان اوقات زیادی را در طول سال در مدرسه و با مشاوران، معلمان و ... خود می‌گذرانند و ابعاد و زوایای نهان و آشکار کارکنان مدرسه خود را واکاوی می‌کنند که سبک پوشش یکی از بارزترین عناصر در این حوزه است. از این رو، افرادی همچون مشاوران مدرسه که از دانش روان‌شناسی هم بهره می‌برند، می‌باید به سبک پوششان اهمیت بیشتری بدهند و حتی از دیگر کارکنان مدرسه متمایز باشند تا تأثیر گذارتر واقع شوند.

البته به طور کلی، سبک پوشش به عنوان یک ویژگی ظاهری قابل مشاهده، تابعی از عواملی همچون سن، وضعیت تأهل، شرایط محیطی، موقعیت شغلی، میزان تحصیلات، سلیقه فردی، مبانی فکری - اعتقادی، وضعیت اقتصادی، و وضعیت فرهنگی - اجتماعی محیط است و به نوعی نماد هویت هر شخص و هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. به همین سبب تاریخ هم شاهد انواع و اقسام سبک‌های پوشش در میان جوامع و قشرهای گوناگون جامعه بوده است.

مدرسه به عنوان محیطی که ماهیت و کارکرد خاصی دارد، طیف وسیعی از افراد را می‌پذیرد. این افراد که در سنین حساسی هستند و تحت آموزش و پرورش قرار دارند، گاه در صدد



مشاور توانمند محور

# نیرومندی منش خلاقیت

دکتر منیره نسیمی، دکترای مشاوره

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، نوآوری، چالش حل مسئله، فضیلت خرد و دانش، تغییر رفتار، ذهن‌انگیزی

از آنجا که از دنیای امروز به دلیل ویژگی‌های بسیار متغیر و خلاق که دارد، تحت عنوان «عصر خلاقیت و نوآوری» نام برده می‌شود و در این دوران فرایندها، پدیده‌های خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی عرصه‌های بسیار گسترده‌ای از جامعه انسانی را تحت تأثیر عمیق خود قرار داده‌اند، می‌توان گفت عامل اساسی پایداری و پویایی و موفقیت نظام آموزشی حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است و یکی از مهم‌ترین عامل‌ها در امر یادگیری خلاق، ارکان آموزش در مدرسه‌ها، از جمله معلم، مشاور و مربیان هستند. همان‌طور که در شماره‌های قبل اشاره شد، اولین خوشه در فضیلت «خرد و دانش» است و توانمندی‌های خرد و دانش شامل صفات مثبتی هستند که به جریان اکتساب و استفاده از اطلاعات مناسب در خدمت زندگی خوب مربوط می‌شوند. به زبان روان‌شناختی، این‌ها توانمندی‌های شناختی هستند.

یکی از اساسی‌ترین توانمندی‌های فضیلت خرد و دانش که باعث رشد، پیشرفت و ارتقای مهارت‌های دانش‌آموزان می‌شود، «توانمندی خلاقیت» است. به‌عنوان یک تفاوت فردی، خلاقیت مستلزم دو جزء ضروری است: اول اینکه فرد خلاق باید ایده‌ها یا رفتارهایی را که به‌طور مشخصی ابتکاری، نو، جذاب یا منحصر به فرد باشند، تولید کند. با این حال «ابتکاری بودن» به تنهایی خلاقیت را تعریف نمی‌کند، بلکه «داشتن رفتارها و عقیده‌های مناسب» هم ضروری است. ابتکارات فردی باید تأثیر مثبتی در زندگی خود شخص و یا دیگران داشته باشند که این امر مستلزم گفت‌وگو با دیگران است و نباید به‌صورت خودانگاره باشد.

## فایده‌های توانمندی خلاقیت

- ◀ توانایی حل مسئله؛
- ◀ کمتر شدن هزینه‌ها؛
- ◀ افزایش خودآگاهی؛
- ◀ احساس آزادی؛
- ◀ کاهش فشار عصبی؛

- ◀ تبدیل شدن به یادگیرندگان همیشگی؛
- ◀ بیشتر شدن دقت و توجه؛
- ◀ رسیدن به هدفمندی؛
- ◀ دریافت هیجان‌های مثبت؛
- ◀ ارتباط مؤثر با جامعه.



عصر خلاقیت و نوآوری

**رشد و تحول خلاق بیشتر از همه مورد توجه معلمان است که انعطاف پذیرند و از مطالعه آزاد حمایت می کنند**

**آزمون سنجش خلاقیت**

سؤال‌های زیر را با دقت مطالعه و گزینه‌ای را که بیشتر درباره شما صدق می کند، انتخاب کنید. لطفاً به سؤال‌ها با دقت و صداقت پاسخ دهید. هیچ پاسخ درست یا غلطی وجود ندارد. نمره‌گذاری گزینه‌ها در این آزمون به این صورت است:

الف: ۰ ب: ۱ ج: ۲

برای به دست آوردن نمره کل کافی است امتیاز همه قسمت‌ها را با هم جمع کنید.

**۱. وقتی با مسئله خیلی دشواری مواجه می شوم:**

الف) گریه می کنم، چون حدس می زنم نمی توانم از پس حل کردن مسئله بر بیایم.

ب) گریه نمی کنم، اما ناراحت می شوم.

ج) سعی می کنم راه حل مناسبی پیدا کنم.

**۲. سرگرم ساختن وسیله‌ای هستید و ناگهان متوجه می شوید قطعه مهمی از آن را گم کرده‌اید:**

الف) کار را متوقف می کنم.

ب) سعی می کنم قطعه گم شده را پیدا کنم و اگر نتوانم آن را پیدا کنم، کار را متوقف می کنم.

ج) اگر نتوانستم قطعه گم شده را پیدا کنم، به جای آن یک قطعه دیگر می سازم.

**۳. وقتی با مسئله تازه‌ای روبه‌رو می شوم، معمولاً:**

الف) از کسی می‌خواهم آن را برایم حل کند.

ب) سعی می‌کنم با کمک شخص دیگری آن را حل کنم.

ج) سعی می‌کنم اطلاعات بیشتری به دست بیاورم تا بتوانم خودم آن را حل کنم.

**۴. اگر درگیر یک مسئله سخت ریاضی باشم:**

الف) از دبیر یا شخص مطلعی می‌خواهم به من کمک کند.

ب) یک کتاب ریاضی مربوط به مسئله را می‌خوانم.

ج) از منابعی که در دسترس دارم، استفاده می‌کنم.

۵. آیا معمولاً دوست دارید به کارهای تازه دست بزنید؟

الف) معمولاً به کارهای تازه دست نمی‌زنم.

ب) گاهی به کارهای تازه دست

می‌زنم.

ج) اغلب به کارهای تازه دست می‌زنم.

**۶. از انجام آزمایش‌های علمی:**

الف) لذت نمی‌برم.

ب) تا حدودی لذت می‌برم.

ج) خیلی لذت می‌برم.

**۷. به رؤیا فرو می‌روید؟**

الف) خیر، من هرگز به رؤیا فرو نمی‌روم.

ب) گاهی اگر وقت داشته باشم، به رؤیا فرو می‌روم.

ج) اغلب اگر وقت داشته باشم، به رؤیا فرو می‌روم.

**۸. اگر به شکلی غیرمنتظره از من بخواهند بیش از پنج دقیقه درباره موضوعی صحبت کنم:**

الف) از عهده‌اش برنخواهم آمد، زیرا برای آن آمادگی نداشته‌ام.

ب) نهایت سعی خود را خواهم کرد تا از عهده آن بر بیایم.

ج) به خوبی از عهده آن برخواهم آمد.

**۹. استفاده متفاوت از اشیاء به شکلی غیر از کاربرد معمولی‌شان:**

الف) برایم خیلی دشوار است.

ب) برایم چندان دشوار نیست و شاید بتوانم چند مورد استفاده دیگر پیدا کنم.

ج) برایم دشوار نیست و می‌توانم موارد استفاده بسیاری پیدا کنم.

**۱۰. کدام یک از موارد زیر برای شما از همه آسان تر است؟**

الف) حفظ یک قطعه شعر ۱۰ بیتی؛

ب) تفسیر یک قطعه شعر ۱۰ بیتی؛

ج) سرودن یک قطعه شعر ۱۰ بیتی.

**تفسیر نمره‌ها**

◀ امتیاز بالاتر از ۱۳ نشان می‌دهد که شما در زمره انسان‌های خلاق قرار دارید. با نحوه تفکر خلاق آشنا هستید و از آن بهره می‌برید. هنگام مواجهه با چالش‌ها به جای تکیه بر راه‌حل‌های مرسوم و رایج، تلاش دارید خودتان به راه‌حل جدید و سودمندتری دست پیدا کنید.

◀ امتیاز پایین‌تر از ۱۳ در این آزمون نشان می‌دهد که توانمندی خلاقیت در شما به خوبی رشد نیافته است. شما

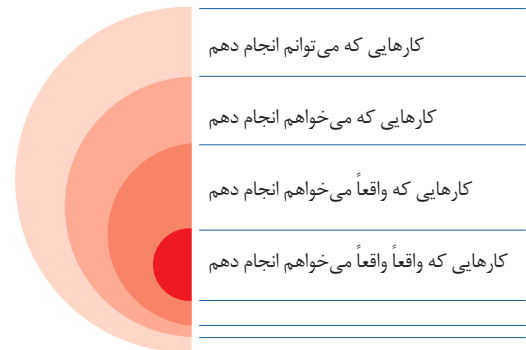
فردی سنتی هستید که ترجیح می‌دهید مسائل جدید را نیز با استفاده از شیوه‌های قدیمی حل کنید. سازگارشدن شما با تغییرات به زمان نیاز دارد و از روبه‌روشدن با چالش‌های جدید هیجان زده نمی‌شوید.

بعد از سنجش میزان توانمندی خلاقیت، در صورتی که امتیاز دانش‌آموزان پایین بود، می‌توانید با اجرای تمرین‌ها و فعالیت‌های صفحه بعد برای تقویت خلاقیت دانش‌آموزان با آنان کار کنید.



### فعالیت یک: چالش جدید

کاری را که می‌خواهید انجام دهید، انتخاب کنید و بگویید چرا انجام این کار برایتان چالش به حساب می‌آید.



### جدول ۱. تغییر در رفتارها

تغییراتی که برای رسیدن به نتیجه بهتر، می‌توانم در رفتارم به وجود آورم	روش‌هایی که به کمک آن‌ها می‌توانم در هر یک از این موقعیت‌ها مؤثرتر باشم	کارهای مؤثر و مثبتی که انجام می‌دهم

### فعالیت سه: داستان خلاقانه

با یکی از هم‌کلاسی‌های گروه دوفره تشکیل دهید. هر کدام از شما باید روی یک برگه ۱۵ کلمه بنویسد. بعد از اینکه فهرستان کامل شد، برگه‌ها را به یکدیگر بدهید. هر کدامتان باید یک داستان با ۱۵ کلمه دوستش بنویسد. کلمه‌های فهرست می‌توانند شامل هر چیزی باشند؛ از جمله نام مکان‌ها، شخصیت‌های مشهور، اشیاء، رنگ‌ها، ویژگی‌های اخلاقی و ...

### داستان من

.....

.....

### فعالیت دو: تغییر در رفتارها

یکی از موقعیت‌هایی که در آن می‌توان از خلاقیت کمک گرفت، رسیدن به ایده‌های جدید برای تغییر دادن رفتارهاست. در جدول ۱، کارهای مثبت و مؤثری را که انجام می‌دهید، بنویسید. به این فکر کنید که چطور می‌توانید در هر یک از آن‌ها عملکرد بهتری داشته باشید و برای رسیدن به این عملکرد مؤثرتر چه تغییراتی باید در رفتارتان ایجاد کنید.

### راهبردهای رشد و ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان

خلاقیت بهترین رشد و تحول را در مکان‌ها و خانه‌هایی دارد که فرصت‌های زیادی برای محرک‌های عقلاتی، فرهنگی و زیباشناختی فراهم می‌کنند؛ مثل مکان‌ها و خانه‌هایی که کتاب‌ها و مجله‌های زیادی دارند و تفریح و سرگرمی آن‌ها غالباً رفتن به کنسرت، نمایشگاه، موزه و مسافرت است. شرایط محیط مدرسه هم اهمیت دارد. رشد و تحول خلاق بیشتر از همه مورد توجه معلمانی است که انعطاف‌پذیرند و از مطالعه آزاد حمایت می‌کنند. شاید بهترین رویکرد شناخته‌شده «ذهن‌انگیزی» باشد که برای افزایش خلاقیت درون یک گروه طراحی شده است. افراد عقیده‌ها و دیدگاه‌های خود را در موقعیتی

که آشکارا غیرانتقادی است، ابراز می‌کنند؛ با این امید که سایر عقیده‌ها و قاعدتاً نمونه‌های خوب آن برانگیخته شوند.

### توصیه‌های مشاوره‌ای: گام‌های کوچک؛ تغییرات بزرگ

- ◀ برای یادگیری مهارتی که هیچ‌گونه اطلاعات قبلی از آن ندارید، ثبت‌نام کنید.
- ◀ با افراد خلاق معاشرت کنید.
- ◀ اگر به چیزی علاقه‌مند شدید آن را دنبال کنید.
- ◀ دفترچه طراحی داشته باشید.

### منابع

۱. اداره کل امور تربیتی و مشاوره معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۸). فضیلت خرد: خلاقیت و روشن‌فکری. مؤسسه منادی تربیت. تهران.

۲. پیترسون، ک و سلیگمن، م (۱۳۹۵). فضایل و توانمندی‌های شناختی (ج ۱). ترجمه دکتر کوروش نامداری. انتشارات بار مانا. اصفهان.

۳. سلیگمن، م (۱۳۸۸). شادمانی درونی؛ روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خوشنودی پایدار. ترجمه دکتر مصطفی تبریزی و همکاران. انتشارات دانژه. تهران.

۴. مگیار - مونی، ج (۱۳۹۱). فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا. ترجمه دکتر فریده براتی سده. انتشارات رشد. تهران.

# چهار گام به سوی آینده شغلی

با تأکید بر ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

روح اله رحیمی، دکتری تخصصی مشاوره

آرش محمدی، کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

کلیدواژه‌ها: رضایت شغلی، تعلیم و تربیت، نشاط حرفه‌ای، استعداد

## مقدمه

در طول زندگی هر آدمی، چهار موضوع مهم و اساسی وجود دارد: تولد، مرگ، ازدواج و اشتغال. اینکه ما در کدام زمان و مکان و در چه خانواده و جامعه‌ای به دنیا آمده‌ایم؟ دیدگاه‌های ما در مورد پدیده مرگ چیست؟ و قصد ازدواج با چه کسی را داریم؟ در موضوع چهارم یعنی «اشتغال» تأثیر دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. وقتی در خانواده‌ای به دنیا آمده و پرورش پیدا کرده باشیم که همه اعضایش معلم یا پرستارند، یا هیچ کسی از اعضای خانواده تحصیلاتی بیشتر از دیپلم ندارد، این موضوع مستقیم و غیرمستقیم سایر اعضای خانواده را در انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینکه از چه منظری به مرگ و زندگی پس از مرگ نگاه می‌کنیم، و به حیات پس از مرگ اعتقاد داریم یا نداریم، می‌تواند محرک انتخاب طیفی از شغل‌های مشروع و نامشروع توسط ما باشد. همچنین در مراسم خواستگاری معمولاً یکی از اولین سؤال‌هایی که می‌پرسند این است که شغل پسر یا دختر چیست. اگر طرفین (غالباً پسر) شغلی نداشته باشند، آنگاه به احتمال زیاد آن ازدواج منتفی می‌شود. بر اساس اهمیت این موضوع (انتخاب شغل)، یکی از ساحت‌های مورد تأکید در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است. یکی از ابعاد وجودی انسان بُعد اقتصادی اوست. اگر آدمی در این بُعد، از تربیت و رشد کافی برخوردار نشود، می‌تواند بر سایر ابعاد وجودی‌اش تأثیر نامناسبی بگذارد.

یکی از زمینه‌های مهم ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، «رضایت شغلی و نشاط حرفه‌ای» در افراد جامعه است. اغلب مطالعات انجام گرفته روان‌شناسی شغلی در ایران نشان می‌دهند که دستیابی به رضایت شغلی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کارکنان در محیط‌های شغلی است. رضایت شغلی در واقع عبارت است از نگرش فرد نسبت به شغل خود و به زبان ساده، چگونگی احساس فرد نسبت به شغلش و جنبه‌های گوناگون آن (سیدجوادی، ۱۳۹۵).

نظام تعلیم و تربیت (از آموزش و پرورش تا آموزش عالی)، درست مثل جاده‌ای است که می‌تواند راه رسیدن به مقصد (رضایت شغلی) را برای کارکنان تسهیل کند. انتخاب شغل و رضایت شغلی دو روی یک سکه‌اند. این دو، یک نقطه یا یک لحظه نیستند، بلکه مسیر یا فرایند هستند. وقتی انتخاب رشته تحصیلی یا شغل در یک لحظه اتفاق می‌افتد، مثل کنکور سراسری که در طول یک هفته از داوطلب می‌خواهیم ۱۵۰ رشته را در فرم انتخاب رشته وارد کند! در برخی مواقع دانش آموز رشته دانشگاهی انتخاب می‌کند (و منجر به تعیین شغل آینده او می‌شود) که هیچ‌گونه شناختی از آن ندارد! در این شرایط در آینده باید منتظر فرد شاعلی باشیم که از کمترین میزان رضایت شغلی و نشاط حرفه‌ای برخوردار است. پژوهشگران معتقدند انتخاب شغل فرایندی است که در سراسر زندگی ادامه دارد و این فرایند از دوره کودکی آغاز می‌شود (هیرسکی، نیلز و آکاس، ۲۰۱۱؛ واتسون، نوتا و مک ماهون، ۲۰۱۵).







## چهارگام مسیر انتخاب شغلی در مدرسه

در روندی که در بالا روایت شد، اگر می‌خواهیم رضایت شغلی را در افراد شاغل به حداکثر برسانیم، باید انتخاب شغلی نقطه‌ای یا لحظه‌ای را به یک مسیر یا فرایند تبدیل کنیم. در این مسیر: **اولین گام**، «شناسایی علاقه‌ها» است. برای کشف علاقه‌های شغلی خالص در دانش‌آموزان، راهکارهای متعددی پیشنهاد شده‌اند:

۱. مشاهده دقیق فرد در طول انجام فعالیت‌های روزمره در

خانه و مدرسه

۲. استفاده از رغبت سنج‌های استاندارد

مانند هالند و استرانگ

۳. بهره‌گیری از فهرست وارسی

(چک لیست) و سیاهه (شفیع آبادی،

۱۴۰۰).

علاوه بر راهکارهای فوق، پیشنهاد

می‌کنم به منظور کشف علاقه‌های

فرد (کودک یا نوجوان)، نشست‌

دو طرفه (مذاکره) با او برگزار شود که

مهم‌ترین محور آن می‌تواند بیان این سؤال باشد: «اگر همه شغل‌های دنیا (معلم،

پرستار، رئیس‌جمهور، نجار، جوشکار، مهندس

و...) از نظر میزان درآمد و جایگاه شغلی در یک سطح

باشند! آنگاه تو چه شغلی را انتخاب می‌کنی؟»

هدف از طرح سؤال بالا کنارزدن ارزش‌های تحصیلی و شغلی

تحمیل شده و دستیابی به علاقه‌های ناب وجود فرد است. وقتی

ما (به عنوان والدین، معلم، رسانه یا جامعه) می‌خواهیم ارزش‌های

مورد نظر خودمان را در زمینه تحصیلی و شغلی به دانش‌آموز

تحمیل کنیم، آنچه بیش‌تر از همه آسیب می‌بیند، ترجیح‌ها و

علاقه‌های شغلی اوست. **کارل راجرز**، طراح درمان فردمدار،

معتقد است: «انتخاب شغل بدون در نظر گرفتن ترجیح‌ها و علاقه

فرد، یکی از محرک‌های افسردگی در دوره میان‌سالی است.»

**گام دوم** در مسیر انتخاب شغل، «شناسایی استعدادها» است.

منظور از استعداد، توانایی انجام کار است. فعالیت‌هایی که

دانش‌آموز در طول زندگی روزمره انجام می‌دهد (در خانه، مدرسه

و جامعه)، به شرطی که مورد مشاهده و پیگیری دقیق قرار گیرد،

می‌تواند موجب کشف استعدادها شود. فرق عمده استعداد با علاقه

این است که شرط داشتن استعداد در یک زمینه خاص، توانایی

انجام کار و فعالیت در آن زمینه است، ولی داشتن علاقه به انجام

فعالیت نیاز ندارد. پرسش‌نامه‌های کاغذ مدادی مانند «آزمون

گاردنر»<sup>۲</sup> نیز به شناسایی استعدادها کمک می‌کنند.

**گام سوم** در فرایند انتخاب شغل، «توجه به تناسب ویژگی‌های شخصیتی فرد با زمینه‌های شغلی موجود در بازار کار» است. برای پی‌بردن به اهمیت صفت‌های شخصیتی در انتخاب شغل و در نهایت رضایت شغلی، فقط کافی است بدانید که در روان‌شناسی شغلی سازمانی، نظریه‌های شخصیتی متعددی مثل نظریه **هالند** یا **یونگ** وجود دارند که مطالعات فراوان برآمده از آن‌ها، اثربخشی صفت‌های شخصیتی را در رضایت شغلی تأیید کرده‌اند.

برای مثال، تصور کنید فردی کاملاً درون‌گرا در شغلی

گمارده شود که مستلزم ارتباط گسترده با دیگران

است؛ مانند معلم، پلیس یا روان‌شناس. یا

آدم ترسویی در شغل خلبانی مشغول به

کار شده که لازمه آن ماجراجو بودن

و داشتن قدرت ریسک است! در دو

نمونه فوق، رضایت شغلی فرد به‌طور

منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در

اینجا «آزمون شخصیت‌شناسی

مایرز-بریگز»<sup>۳</sup> در شناسایی

صفت‌های شخصیتی مرتبط با شغل

می‌تواند ابزار مناسبی برای مشاوران

مدرسه و روان‌شناسان شغلی باشد.

**گام چهارم:** در مسیر انتخاب شغل،

«آشناکردن فرد (کودک یا نوجوان) با محیط‌های واقعی

شغلی» است. در اینجا معرفی شغل‌ها (مطابق با آنچه در حال

حاضر در مدرسه‌های متوسطه معمول است) لازم است، ولی کافی

نیست! گاه لازم است دانش‌آموز در دوره‌های تحصیلی بالاتر (مثل

دوره دوم متوسطه) حتی در شغل مورد علاقه و استعدادش به‌طور

عملی مشغول به کار شود. برای مثال، دانش‌آموزی که می‌خواهد

در آینده وارد شغل پرستاری شود، لازم است به‌طور نمادین،

یک‌بار در طول سال تحصیلی به دانشکده پرستاری برود و در

کلاس‌های رشته پرستاری بنشیند تا با فضای دانشگاه و محتوای

درس‌های این رشته آشنا شود. یا یک روز در هفته (در طول سال

تحصیلی) برای کارورزی اولیه به بیمارستان برود تا با واقعیت‌ها و

چالش‌های این شغل (مزیت‌ها و سختی‌های آن) روبه‌رو شود و

عملاً آن‌ها را تجربه کند.

همچنین در این راستا لازم است وزارت آموزش و پرورش و سایر

نهادهای مرتبط، وبگاه‌های اینترنتی ایجاد کنند تا دانش‌آموزان را

با واقعیت‌های شغل‌ها (به صورت تصویری و فیلم)، میزان درآمد

شغل‌های متفاوت، جو محیط کاری و ... آشنا کنند. بدین ترتیب

آن‌ها می‌توانند با کسب دانش، مقایسه دقیق و تجربه‌کردن‌های

متعدد به تصمیم‌گیری مناسب دست پیدا کنند.

در این مورد حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «بزرگ‌ترین تفریح کار است.» وقتی بر اساس این کلام به چنین جایگاهی برسیم، نشاط حرفه‌ای نیز به معنای واقعی کلمه رخ می‌دهد.



## نکته‌های پایانی

بازار کار و البته با نگاهی به علاقه‌ها، استعدادها و ویژگی‌های شخصیتی است. خوش‌بختانه در رشته‌های پزشکی این تناسب بین افراد ورودی به رشته‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی کمتر بیکار دیده می‌شود. ولی در رشته‌های علوم انسانی و فنی، این موضوع مهم مورد غفلت جدی قرار گرفته است.

در نهایت، اگر در مسیر انتخاب شغلی، چهار گام مطرح شده در این مقاله (شناسایی علاقه‌ها، استعدادها، ویژگی‌های شخصیتی و بازار کار) به طور مناسبی برداشته شود، رسیدن به مقصد، یعنی رضایت شغلی و نشاط حرفه‌ای تسهیل می‌شود. در این مورد **حضرت علی (ع)** در حدیثی می‌فرماید: «بزرگ‌ترین تفریح کار است.» وقتی بر اساس این کلام به چنین جایگاهی برسیم، نشاط حرفه‌ای نیز به معنای واقعی کلمه رخ می‌دهد. علاوه بر این، جامعه عمل پوشاندن به این وظایف مهم در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، دستاوردهای بی‌نظیری را برای توسعه اقتصادی جامعه، مانند افزایش تولید ناخالص ملی، رشد درآمد سرانه و ... در بر خواهد داشت.

همان‌طور که در آغاز مقاله اشاره شد، از انتخاب شغل تا رضایت شغلی، حرکت در مسیری است که از دوره پیش‌دبستانی و کودکی شروع می‌شود و تا دوره دانشگاه تداوم دارد. در این مسیر طولانی و پُر فراز و نشیب، علاقه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، دیدگاه‌ها و نگرش‌های فرد در معرض تغییر و تحول است. علاقه‌های دوره کودکی بیشتر حالت آرزو و حتی خیال‌پردازی و بازی دارند! یعنی کودک واقعیت‌هایی مثل شخصیت، محیط شغلی و بازار کار را در انتخاب شغل در نظر نمی‌گیرد. مثلاً اغلب دانش‌آموزان پایه اول می‌خواهند پزشک، معلم یا خلبان بشوند! ولی هر قدر سنشان بالاتر می‌رود و به سمت دوره‌های تحصیلی بالاتر حرکت می‌کنند، انتخاب‌های تحصیلی و شغلی آن‌ها با واقعیت انطباق بیشتری پیدا می‌کند.

نوجوان وقتی به این واقعیت مهم پی می‌برد که در درس‌هایی مثل ریاضی و علوم تجربی ضعیف است، تقریباً قید ورود به رشته تجربی را می‌زند یا در صورت کسب نمره‌های پایین در شیمی و زیست‌شناسی، رشته‌هایی مثل پزشکی و داروسازی را از انتخاب‌های خود حذف می‌کند.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت، لزوم بینش‌دهی به دانش‌آموزان در مورد ضرورت وجود شغل‌های متنوع برای جامعه است. یعنی در انتخاب شغل نباید فقط فرد را در نظر گرفت، بلکه می‌باید جامعه و نیازهای شغلی آن را نیز در نظر داشت.

پیشنهاد من برای برآورده شدن این خواسته جامعه، انجام فعالیت‌های غیرمستقیم و کمتر جهت‌دار توسط والدین، معلمان و رسانه است. برای مثال، در دوره‌های تحصیلی پیش‌دبستانی و ابتدایی، از نوآموز یا دانش‌آموز بخواهیم که جامعه‌های را در ذهن تصویر کند که نجار ندارد! جوشکار، تعمیرکار یا پرستار در آن وجود ندارد! در این صورت، افراد آن جامعه فرضی، چه مشکلات و پیامدهایی را تجربه خواهند کرد؟ در این گونه تمرین‌ها، دانش‌آموز به صورت غیرمستقیم متوجه ضرورت وجود همه شغل‌ها برای جامعه می‌شود. کمک بعدی برای رفع نیازهای شغلی جامعه که به طور غیرمستقیم بر رضایت شغلی نیز مؤثر است، توزیع متوازن دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی بر اساس نیازهای واقعی

### پی‌نوشت‌ها

1. Carl Rogers
2. Gardner's test
3. Myers-Briggs Type Indicator

### منابع

1. سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۹۵). مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان. انتشارات نگاه دانش، تهران.
2. شفیع آبادی، عبدالله (۱۴۰۰). راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل. انتشارات رشد، تهران.
3. Hirschi, A., Niles, S. G., & Akos, P. (2011). Engagement in adolescent career preparation: Social support, personality and the development of choice decidedness and congruence. *Journal of adolescence*, 34(1), 173-182.
4. Watson, M., Nota, L., & McMahon, M. (2015). Evolving stories of child career development. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 15(2), 175-184.





ترس اینترنتی

# گرداب مجازی

نگاهی به جنبه‌های منفی استفاده از فضای مجازی

کبری عباسی، کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

## چکیده

با اینکه زمان زیادی از راهیابی فضای مجازی به جامعه ایران نمی‌گذرد، این فضا تمام جامعه را به خود وابسته کرده است. فضای مجازی فرصت‌ها و امکانات فراوانی در اختیار جامعه بشری قرار داده، اما چالش‌ها و آسیب‌های گوناگونی را هم به دنبال داشته است که ضرورت پایش این فضا و پیشگیری از جنبه‌های منفی آن را از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌سازد. هدف از این پژوهش، بررسی آسیب‌های فضای مجازی برای نوجوانان بوده که در آن آثار و پیامدهای منفی اینترنت و فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی، و روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و جست‌وجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی بوده است. نتایج نشان می‌دهند که آثار منفی فضای مجازی جامعه را با آسیب‌های جدی روبه‌رو ساخته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: آسیب‌های روانی و شخصیتی، از جمله انزوا و افسردگی؛ بازداری زدایی؛ بحران هویت؛ اعتیاد به اینترنت؛ آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی همچون دسترسی به منابع غیراخلاقی؛ انحرافات جنسی اخلاقی؛ تعارض ارزش‌ها؛ تضعیف باورهای دینی و القای شبهات.

بنابراین به جای برخورد سلبی با این موضوع، بررسی و ریشه‌یابی مشکلات، پیش‌گرفتن راه‌حل‌های اصلاحی توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، به‌عنوان بازیگران فعال در عرصه جهانی، و با اتخاذ تدابیر لازم، هوشمندانانه و به‌صورت مستمر با رویکرد محققانه، مسلماً نتایج بهتری در بر خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اینترنت، فضای مجازی، نوجوانان، آسیب‌شناسی اجتماعی، رسانه‌های نوین

## مقدمه

(چت‌روم‌ها)، وبگاه‌ها و بازی‌ها، روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. از آنجا که حضور در فضای مجازی فعالیتی زمان‌بر است، میزان تعامل و ارتباط افراد را در فضای واقعی با یکدیگر کاهش داده است و در این میان جوانان به لحاظ فراغتی که دارند، بیش از بزرگسالان وقت خود را به استفاده از فضای مجازی به خود اختصاص می‌دهند (عاملی، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

یکی از دغدغه‌های اساسی جوامع در عصر اطلاعات که جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نبوده، موضوع آسیب‌های فضای مجازی است. لذا با توجه به اهمیت مقوله تهدیدات و فرصت‌های موجود در فضای مجازی، بر آن شدیم تا مسئله آسیب‌های فضای مجازی را در قالب یک پژوهش علمی-مروری مورد مطالعه قرار دهیم.

امروزه تحولی گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است. این تحول که بسیاری آن را تحول انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایمی جدید در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه حیرت‌آور رسانه‌های نوین است که در زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته و مهم‌ترین شکل و آشکارترین محصول آن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی است (خوش‌صفا و کفاشی، ۱۳۹۶). مردم بسیاری در سنین متفاوت و از گروه‌های اجتماعی گوناگون در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند. امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته‌اند. رایانه‌ها، پیام‌های کوتاه، اتاق‌های گفت‌وگو

## فضای مجازی

فضای مجازی اصطلاحی است که امروزه بسیار شنیده می‌شود و نشانه‌ها و ابزارهای مرتبط با آن را همه‌جای می‌بینیم. این اصطلاح نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ و در متون ادبیات علمی-تخیلی مورد استفاده قرار گرفت (پاک‌نهاد، ۱۳۹۵). در واپسین ربع سده بیستم، انقلابی در عرصه فناوری با محوریت فناوری اطلاعات، شیوه‌اندیشه، تولید، مصرف، تجارت، مدیریت، ارتباطات و زندگی را دگرگون ساخت و پیامد آن هم پیوند فرهنگ‌های گوناگون در ابرمندی الکترونیکی بود. فضای جریان‌ها و زمان بی‌زمانی از دیگر ویژگی‌های عصر نوین است (گلپایگانی، ۱۳۸۱).

فضای مجازی فضایی است که به فرد قدرت نمادین بیشتر و امنیت روانی گسترده‌تری می‌دهد. این فضا سیال و بی‌حد است و به‌آسانی در دسترس همگان قرار می‌گیرد. فضای مجازی، به علت حضور نداشتن نشانه‌های فیزیکی و عینی در آن، بی‌جسم، بی‌مکان و متعاقباً تا حدی گمنام و به‌طرز محسوس مهارناپذیر است. فضای مجازی جهان ما را به‌هم‌پیوسته، درهم‌تنیده و چندوجهی کرده است (ربیعی، ۱۳۸۷).

## آسیب‌شناسی اجتماعی

آسیب در لغت به معنای آزار، گزند، درد، صدمه و ... آمده است (عمید، ۱۳۷۹). آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، روسپیکری، طلاق، ولگردی، گدایی و ... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی است. اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی شامل آن دسته از مسائل اجتماعی می‌شود که در ادراک جمعی ارائه شده و برای افراد، گروه‌ها و تمام جامعه زیان‌آور و مخرب است. آسیب اجتماعی موضوعی اجتماعی است که در اثر نوعی ناهنجاری، کج‌روی و انحراف از قوانین و ارزش‌های اجتماعی پدید می‌آید. کج‌روی ناهم‌نوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی است که توسط بسیاری از مردم در اجتماع پذیرفته شده‌اند (عاملی، ۱۳۹۰).

فضای رایانه‌ای مرز جدیدی در ارتباطات اجتماعی ایجاد کرده است که مردم در آن دوستی‌ها و دشمنی‌هایی ایجاد می‌کنند و در آن کارهایی انجام می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که در دنیای واقعی و رودررو هرگز مطرح نمی‌کنند (استفانسکو، ۲۰۰۷). در واقع، در اجتماعات مجازی معمولاً افراد حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علاقه‌ها و منفعت‌هایی است که آن‌ها را دور هم جمع می‌کند. این منفعت‌ها که همان دسترسی به اطلاعات است، هویت آن‌ها را می‌سازند؛ هویتی که مدام در حال تغییر و ناپایدار است (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲).

## روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و از راه فیش‌برداری، یادداشت‌برداری و همچنین جست‌وجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی - اینترنتی اطلاعات گردآوری شده است. اطلاعات لازم پس از گردآوری تفسیر شد. در مرحله بعد، اطلاعات به دست آمده، طبقه‌بندی و خلاصه شد و آن‌گاه تشابه‌ها و تفاوت‌ها بررسی شدند و به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش «روش سند کاوی» بوده است. بر این اساس، همه کتاب‌ها، مدرک‌ها، سندها، مقاله‌ها و

پژوهش‌های در دسترس پژوهشگران که به بررسی این مفاهیم پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و از آن‌ها فیش‌برداری شده است.

## پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش گروهل (۲۰۰۳) در خصوص گرایش افراد به اینترنت و استفاده اعتیادآور از آن نشان داد: افرادی که وقت زیادی را صرف استفاده از اینترنت می‌کنند، کسانی هستند که در زندگی با مشکلاتی مواجه‌اند. این افراد با صرف زمان زیادی برای دستیابی به اطلاعاتی که در بسیاری از مواقع بی‌بهره‌اند، علاوه بر اتلاف وقت خود، دچار آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی نیز می‌شوند. به‌وضوح و به‌تجربه می‌توان دریافت که استفاده از این شبکه‌ها، با از میان برداشتن پرده‌ها، مانع‌ها و حجاب‌ها، و وصل کردن همه اعضای آن به یکدیگر بدون هیچ محدودیتی، باعث رنگ‌باختن برخی ارزش‌ها شده است (مردادی و همکاران، ۱۳۹۳).

در سال ۱۳۸۷ بود که مفهوم شبکه‌های اجتماعی به‌طور گسترده با حضور «اورکات» در میان کاربران ایرانی رواج پیدا کرد و در مدت کوتاهی آن‌قدر رشد یافت که پس از برزیل و آمریکا، ایران سومین کشور حاضر در اورکات شد (مجردی و همکاران، ۱۳۹۳).

نتایج پژوهش زندونیان و همکارانش (۱۳۹۲) نشان داد که استفاده از فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، اعتقادی-عبادی و روانی، بر دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد. بین وسایل، تلفن همراه بیشترین



و بازی‌های رایانه‌ای کمترین آسیب را برای دانش‌آموزان داشته‌اند. دانش‌آموزان در اولویت‌بندی راهکارهای مقابله با آسیب‌های فضای مجازی، تقویت ارتباطات منطقی و عاطفی در خانواده، جایگزین کردن تفریح‌های سالم و درگیر کردن افراد در فعالیت‌ها و برنامه‌های مثبت را مهم‌ترین راهکارهای کاهش آسیب‌های فضای مجازی، و افزایش نظارت حوزه‌های سیاسی-امنیتی و «فیلترینگ» را کم‌اهمیت‌ترین این راهکارها دانسته‌اند.

**اسمیت (۲۰۰۹)**، در تحقیقی با عنوان «نحوه استفاده جوانان از تلفن همراه» که به روش پیمایشی انجام داد، دریافت: جوانان به‌طور وسیعی از تلفن همراه استفاده می‌کنند. علاوه بر این، تلفن همراه جوانان را قادر می‌سازد با شبکه اجتماعی خود را اثبات کنند. برای جوانان حضور در شبکه‌های اجتماعی بسیار ارزشمند است و در آن‌ها حس اجتماعی بودن ایجاد می‌کند.

**بصیر و همکارانش (۱۳۸۷)** تحقیقی با عنوان «بررسی نگرش و گرایش به کارکرد برنامه‌های ماهواره‌ای و عوامل مؤثر بر آن» به روش پیمایشی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان دادند که اکثر پاسخ‌گویان در استان، به دلیل تغییراتی که ماهواره در مسائل اخلاقی و خانوادگی

زندگی خانوادگی‌شان به وجود می‌آورد، نگران هستند. مواردی چون چشم‌پوشی با اعضای خانواده، فامیل، دوستان و ... برای داشتن ماهواره در منزل، جذابیت‌نداشتن برنامه‌های صداوسیما، ارزانی تجهیزات ماهواره‌ای و دسترسی آسان به آن‌ها، جذابیت برنامه‌های ماهواره‌ای، اجرائشدن قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای و خبررسانی به‌موقع وقایع جهان، از عوامل مؤثر در گرایش افراد به ماهواره است.

**نوابخش و همکارانش (۱۳۸۹)**، در پژوهشی با عنوان «بررسی آثار اینترنت و تلفن همراه در تغییر هویت نوجوان و جوانان ۱۵-۲۹ ساله استان مازندران» روی حدود ۴۰۰ نوجوان و جوان، با توجه به فرضیات تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که گرایش به استفاده از اینترنت و تلفن همراه، هم در تغییر هویت فردی آنان و هم در پذیرش هویت گروهی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های دینی و نیز ارزش‌های اجتماعی آنان مؤثر است.

## ابعاد آسیب‌های ناشی از اینترنت و فضای سایبری

پدیده‌هایی که رایانه و پس از آن اینترنت همراه خود به ارمغان آوردند، مخاطراتی داشتند که بر جای‌جای قلمروی گسترده‌شان سایه انداختند. چنین مخاطراتی چنانچه مورد بی‌توجهی جامعه و حکومت قرار گیرند، بسی بزرگ و گاه غیرقابل جبران خواهند بود. چرا که آسیب‌های روانی ناشی از کاربردهای نادرست و خلاف قانون، موجب اختلال در رفتار شهروندان می‌شوند و جامعه را در رسیدن به فایده‌های بی‌شمار این فناوری نوین ناکام می‌گذارد. این اختلال‌ها شهروندان را فرسوده و ناتوان و فعالیت‌های روزمره آنان را مختل می‌کند. آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن، اعضای جامعه را در رفتار فردی با خانواده و رفتار اجتماعی با دیگر شهروندان و حکومت، متزلزل و متأثر از فرهنگ‌های منحط بیگانه می‌سازد. هنجارها و ارزش‌های متعالی جامعه رو به زوال می‌رود و احساس امنیت و آرامش از جامعه رخت برمی‌بندد. ضمن اینکه آسیب‌های

سیاسی آن موجب تضعیف اقتدار و حاکمیت دولت می‌شود و دولت را در ایجاد وحدت ملی، و تأمین امنیت اجتماعی و امنیت اطلاعاتی دچار چالش‌های جدی می‌سازد.

## آسیب‌های روانی و شخصیتی

### ۱. افسردگی و انزوا

در فضای مجازی، اغلب بازی‌ها به‌صورت انفرادی هستند و مشارکت، هم‌اندیشی و کار گروهی که از ویژگی‌های سازنده متعارف به شمار می‌آیند، در بازی‌ها کمتر به چشم می‌خورند. زیرا در این بازی‌ها از مواجهه رودررو، ارتباط چشمی و تعاملات انسانی خبری نیست. از این رو، رفته‌رفته مشارکت افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و انزواطلبی، درون‌گرایی و کاهش ارتباطات اجتماعی به‌طور مشهود پدیدار می‌شوند (سابرامانیام و همکاران، ۲۰۰۰).

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین رابطه‌های دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در وبگاه‌های (سایت‌های) اینترنتی می‌گذرانند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌گذارند. چرا که دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود را ترک می‌کنند و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورند.

نتایج پژوهش **شاندرز** نشان داد: استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است. برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶). لذا استفاده از اینترنت سبب ایجاد بدبختی، انزوای اجتماعی، تنهایی، دوری از خانواده و به‌طور کلی کاهش سلامت روانی می‌شود (افونسو، ۱۳۹۰). برخی جامعه‌شناسان بیم آن دارند که گسترش فناوری اینترنت به انزوا و انفراد اجتماعی روزافزون منجر شود. بنا به استدلال آنان، یکی از آثار و عواقب دسترسی فزاینده به اینترنت در خانوارها این است که مردم اوقات خود را کمتر با خانواده و دوستان می‌گذرانند. اینترنت همواره با تیره و تار شدن مرزهای میان کار و خانه، در حال تصرف زندگی خانگی است (گیدنز، ۱۳۸۶).

### ۲. ایجاد سردرگمی

آن‌گاه که کودکی را بخواهند آموزش دهند، ابتدا او را با مفهوم‌های ساده‌ای در حد فهمش آشنا می‌کنند. طرح مفهوم‌های متنوع و اندیشه‌های متضاد برای او ثمرهای جز حیرت نخواهد داشت. فضای اینترنتی گرچه مولد آزادی بیان و تضارب آراست، اما در این فضا، انباشت اطلاعات خوب و بد، گزینش اطلاعات صحیح را دشوار کرده و طرح نامحدود و طبقه‌بندی‌نشده آن موجب سردرگمی کسانی خواهد شد که در تحلیل فکرها و اندیشه‌ها دچار ضعف هستند. از این رو ضروری است که پیش از هر چیزی، کاربری صحیح و طبقه‌بندی‌شده این فضا را به کاربران بیاموزیم (طارمی، ۱۳۸۷).

### ۳. بازدارندگی

در ارتباط‌های مجازی می‌توان دیوارها را شکست و به حوزه خصوصی دیگران وارد شد. در این ارتباط‌ها افراد حرف‌هایی را

فضای مجازی، به علت حضورنداشتن نشانه‌های فیزیکی و عینی در آن، بی‌جسم، بی‌مکان و متعاقباً تا حدی گمنام و به طرز محسوسی کنترل‌ناپذیر است

## آسیب‌های اخلاقی و فرهنگی

### ۱. دسترسی آسان به منابع غیر اخلاقی

مهم‌ترین محصولات فرهنگی، اعم از فیلم، عکس، متن، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی را غرب و گاه شرق، تولید و سپس در فضای مجازی تبلیغ و ترویج می‌کنند. بدین‌سان یکی از خطرهای ناشی از فضای رایانه‌ای متوجه کشورهای است که فرهنگ‌های متضاد با فرهنگ حاکم بر فضای رایانه‌ای دارند (طارمی، ۱۳۸۷). یکی از نگرانی‌های عمده در خصوص افزایش دسترسی به اینترنت در خانه، قرار گرفتن نوجوانان در معرض مطالب جنسی است. سادگی دسترسی و فراوانی مطالب جنسی در اینترنت، نگرانی را نسبت به اثرات زیان‌بخش این‌گونه مطالب افزایش داده است. تصور بر این است که دسترسی کودکان و نوجوانان به هرزه‌نگاری از طریق اینترنت ساده‌تر از روش‌های سنتی آن است (شجاعت، ۱۳۹۶).

### ۲. انحراف‌های اخلاقی (جنسی)

از جمله آثار مخرب فضای رایانه‌ای به وجود آمدن انحراف‌ها و اختلاف‌های جنسی است. در عرف عام، هرزه‌نگاری معمولاً به معنای مطالبی است که از لحاظ جنسی آشکار هستند و عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند. کلمه «مستهجن» اصطلاحی حقوقی است که توسط حکم دادگاه عالی ایالات متحده در «میلر» کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ برای این‌گونه مطالب تعریف شده است. هر مطلبی که دارای این سه خصیصه باشد، مستهجن تلقی می‌شود و اشاعه آن ممنوع است:

- ◀ به‌طور کلی، خواهان یک علاقه شدید (وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی) جنسی هستند.
- ◀ ارتباط جنسی را به شیوه‌ای آشکار و آزاردهنده توصیف می‌کنند. به عبارت دیگر، از معیارهای جامعه کنونی فراتر می‌روند و توصیفات از ارضای فعالیت جنسی را بیان می‌کنند.
- ◀ به‌طور کلی فاقد ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی هستند (سعیدی، ۱۳۸۴).

اینترنت به دلیل رویکرد آزاداندیشی در روابط جنسی از سوی دارندگان اصلی آن در غرب و به‌ویژه در آمریکا و نگرش تجاری به مسائل، موجب به‌وجود آمدن پدیده شومی به نام هرزه‌نگاری و هنر پلید شهوانی و رواج سرسام‌آور آن شده است. این پدیده مرزهای اخلاقی را در هم می‌شکند و تهدیدی برای فرهنگ، به‌ویژه فرهنگ‌های دینی همچون فرهنگ اسلامی است. اصولاً هرزه‌نگاری به معنای نمایش تصویری و یا کلامی رفتارهای جنسی است که با هدف ارضای خواست‌های جنسی دیگران ارائه می‌شوند. این‌گونه مطالب و تصویرها که برای تحریک جنسی دیگران عرضه می‌شوند، معمولاً به ارضای غیرطبیعی جنسی مراجعه‌کنندگان می‌انجامد (برقی و مستانه، ۱۳۹۷).

### ۳. تعارض ارزش‌ها

هر جامعه صاحب ارزش‌هایی است که ناشی از فرهنگ آن است. اما برخی ارزش‌های مترقی در جوامع اسلامی وجود دارند که به‌موجب تأثیر گرفتن از فرهنگ بی‌بندوبار و اباحه‌گر غرب، در حال کمرنگ شدن هستند؛ ارزش‌هایی مثل حیا و عفت زنان، اهمیت داشتن شخصیت انسان نه جنسیت او، و قبح عریان‌نمایی بدن (باقری دولت‌آبادی،

می‌گویند که در ارتباط چهره‌به‌چهره حاضر نیستند بگویند. گمنامی و نامرئی بودن کاربران از دیگر ویژگی‌های روابط اینترنتی است که موجب پیدایش آسیب‌های جدی اخلاقی و روانی در افراد می‌شود. در فضای اینترنتی شخص می‌تواند هر نقابی را بر خود بپوشاند و بدین‌وسیله هر چه می‌خواهد، بگوید و هر کاری که می‌خواهد، انجام دهد؛ بدون اینکه ترس از شناخته شدن و رسوا شدن داشته باشد. این ویژگی موجب کاهش خویشتنداری و بازدارندگی کاربران در برابر اعمال ناهنجار اخلاقی و ضداجتماعی می‌شود.

هدف از اجرای بسیاری از مجازات‌ها در سطح جوامع، ایجاد حس بازدارندگی در میان افراد جامعه، به‌ویژه مجرمان و افراد دارای حالت خطرناک است. این صفت روانی (بازدارندگی) به سبب ظرفیت بالای ارتکاب جرم در فضای رایانه‌ای کاهش پیدا کرده و موجب ارتکاب گسترده برخی جرم‌ها به‌ویژه جرم‌های رایانه‌ای و جنسی مجازی شده است. چنانچه این صفت در نهاد افراد

جامعه کمرنگ شود، قبح برخی جرم‌ها از بین می‌رود و احساس بازدارندگی در افراد کاهش می‌یابد و چه بسا در کثرت ارتکاب جرم‌های غیررایانه‌ای تأثیر بسزایی بگذارد (برقی و مستانه، ۱۳۹۷).

### ۴. بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت

از آنجا که فضای رایانه‌ای صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای است برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چندشخصیتی شدن او خواهد شد. در فضای رایانه‌ای، بیش از آنکه هویت ظاهری فرد مطرح شود، درون‌مایه‌های افراد بروز می‌کند و هر کس در صدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش است. مطرح‌نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت، موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌شود. جوانان در این محیط از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و به‌ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پررنگ‌تر می‌شود. با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی، از جمله اینترنت، در اختیار جوانان می‌گذارد، آنان همواره با محرک‌های جدید و انواع رفتارها آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند. یعنی «اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد» (اکبری، ۱۳۹۰: ۱۶).

### ۵. اعتیاد به اینترنت

یکی از آسیب‌های اینترنت اعتیاد به آن است. اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند، در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند. متأسفانه ما شاهد این پدیده در میان جوانان هستیم؛ به‌طوری که برخی از جوانان شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند. این موضوع آغازگر آسیب‌های متعدد دیگری نیز می‌شود. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی اشاره کرد (شجاعت، ۱۳۹۶).



۱۳۹۲). اساساً ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجا که برخی از عناصر موجود در این پدیده، با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی-ایرانی) مغایرت دارد، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند برای خانواده آسیب‌های اخلاقی فراوانی به همراه داشته باشد.

مثلاً ورود اینترنت به حوزه خانواده، موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود. (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۴) در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت، باعث کاهش ارزش‌های خانواده می‌شود. پس با توجه به اینکه در فضای مجازی، نه هویت افراد مشخص می‌شود و نه ارتباط چهره‌به‌چهره به مفهوم واقعی در آن وجود دارد و همچنین هیچ‌گونه هرم قدرتی که افراد را به تبعیت از هنجارها وادار کند، وجود ندارد، لذا فضای مجازی محیط کاملاً مساعدی برای تخطی از ارزش‌ها، هنجارها و کج‌روی‌های اخلاقی و عقیدتی است. (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۴)

#### ۴. رواج سطحی‌نگری فکری

آزادی بیان و طرح اندیشه‌های متضاد در فضای رایانه‌ای، از هدف‌های اولیه ایجاد چنین فضایی است. اما چنانچه اندیشه‌ای بدون هیچ بنیان و اساس معتبری در این فضا مطرح شود، ثمره آن انباشته‌شدن اندیشه‌های بسیاری است که توان بررسی، نقد و تحلیل همه آن‌ها از عهده مخاطبان خارج است. بدین سبب کاربران بدون

بررسی و تحقیق در مبانی و زاویه‌های پنهان اندیشه‌های نوظهور، به سبب کثرت و رواج بی‌حدوحد آن در فضای رایانه‌ای از آن متأثر می‌شوند. در نتیجه، روحیه‌حق‌پذیری کاربران، به‌ویژه جوانان، به سطحی‌نگری و مسامحه‌کاری در پذیرش اندیشه‌های نوظهور مبدل خواهد شد (طارمی، ۱۳۸۷).

#### ۵. تضعیف باورهای دینی و القای شبهات فکری

گرچه دستیابی آسان به انواع اطلاعات از مزایای فضای رایانه‌ای است، اما معایبی نیز دارد. از جمله اینکه طرح و نشر انواع شبهات در آن، موجب تزلزل در باورهای کاربران سست‌عقیده و کم‌اطلاع می‌شود. فضای رایانه‌ای چاقویی دو لبه است که ما می‌توانیم از آن به سود خود مدد بگیریم، اما هجمه، تنوع و گستره فرهنگ مهاجم غربی به حدی است که در شرایط فعلی کوشش‌های مدافعان فرهنگی مسلمان را بسیار کم‌اثر می‌کند؛ خاصه اینکه مدیریت اصلی اطلاعات نیز در دست غرب و غریبان است.

همچنان‌که هم‌اکنون برخی شبکه‌های اجتماعی یکی از ابزارهای مورد استفاده برای تبلیغ عرفان‌های کاذب هستند. البته بهترین راه حل تنها انفعالی عمل کردن و اکتفا کردن به پاسخ‌گویی به شبهات نیست، بلکه این پاسخ‌گویی باید همراه با تهاجم نیز باشد. به این معنا که باورهای فرهنگ مهاجم را نیز با سؤال‌هایی که در مورد باورها و نگرش‌هایشان وجود دارد، مورد هدف قرار دهیم و هیمنه‌ظاهری آنان را بشکنیم (طارمی، ۱۳۸۷).

### نتیجه‌گیری

فضای مجازی در سال‌های اخیر جایگاه قابل توجهی بین نسل نوجوان جامعه ما پیدا کرده و ابعاد گوناگون زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده است. فضای مجازی، به‌رغم آثار مثبتی که داشته، اخلاق، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و... را دچار آسیب‌های جدی کرده است. بی‌شک ریشه‌یابی مشکلات و پیش‌گرفتن راه‌حل‌های اصلاحی در این زمینه نتایج بهتری در بر خواهد داشت. از این‌رو می‌طلبد با شناخت و توجه بیشتر به این مهم در جامعه‌پذیری کردن افراد و به‌منظور ارائه و انتقال محتواهای اخلاقی و هنجارهای

اجتماعی به جامعه، به تدوین و برنامه‌ریزی در جهت کاربرد مثبت آن از سوی جامعه مبادرت کرد.

فرایند مذکور مستلزم نگاه فراملی به این پدیده‌هاست تا با استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد‌های موجود در حوزه‌های مختلف، و بازتعریف ارزش‌ها و اصالت‌های ریشه‌دار، و ارائه و عرضه آموزه‌های دینی به‌دور از هرگونه تعصب جناحی و رفتار سیاسی، به تحکیم و تقویت اخلاق، هویت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بپردازیم که این امر می‌تواند ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی در جامعه ایران اسلامی باشد.

### منابع

۱. اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات رشد و توسعه. تهران.
۲. باقری دولت‌آبادی، علی و زارعان جهرمی، فرح‌الله (۱۳۹۲). «تأثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی». فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۱۶.
۳. برقی، رسول و مستانه، بداله (۱۳۹۷). «تأثیر فضای مجازی بر تربیت اسلامی دانش‌آموزان؛ آسیب‌ها و راهکارها». فصلنامه رآورد نور، شماره ۶۳.
۴. بصیر، سجاد (۱۳۸۷). «بررسی گرایش به برنامه‌های ماهواره‌ای و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۳.
۵. پاک‌نهاد، سید محسن (۱۳۹۵). فضای مجازی: چادریها و آسیب‌ها. نشر کتاب‌را. تهران. چاپ اول.
۶. جان‌پرور، محسن و حیدری موصول، پهلومورث (۱۳۹۰). «آسیب‌های فضای سایبر برای امنیت اجتماعی». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال چهارم، شماره ۳.
۷. خوش‌صفا، حسن و کفاشی، مجید (۱۳۹۶). «بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش‌های خانواده». فصلنامه راهبردی اجتماعی-فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۳.
۸. ربیعی، علی (۱۳۸۷). «رسانه‌های نوین و بحران هویت». فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۳۶.
۹. زندوئیان، احمد؛ حیدری، مریم؛ باقری، ریحانه؛ عطارزاده، فاطمه (۱۳۹۲). «آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر». فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال چهارم، شماره ۲۳.
۱۰. سعیدی، علی و شکبیا، ابوالقاسم (۱۳۸۴). روان‌شناسی و آسیب‌شناسی ارتباطات اینترنتی. انتشارات آئین تربیت، مشهد.
۱۱. شجاع، علی و عرفانی، محمدنظیر (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان. اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیر گذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی، الکترونیک.
۱۲. صوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶). بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۳. طارمی، محمدحسین (۱۳۸۷). «فضای سایبر: آسیب‌ها و مخاطرات». فصلنامه راه‌آورد نور، سال هفتم، شماره ۲۲.
۱۴. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹). مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا: قدرت نرم و



# کلاس فریب و لات بازی!

نگاهی به روان‌شناختی اثرات مجموعه تلویزیونی یاغی

دکتر مرتضی فاضل، دکترای مشاوره



مجموعه «یاغی» مجموعه‌ای خوش‌ساخت به کارگردانی محمد کارت، برگرفته از رمان «سالتو»، نوشته «مهدی افروزمش» است که همه مؤلفه‌های جذب مخاطب نوجوان و جوان را دارد. اولین ویژگی مجموعه، استفاده از بازیگران جذاب و خوش‌چهره‌ای است که یا در سال‌های اخیر کمتر در فیلم‌ها و مجموعه‌ها ظاهر شده‌اند و یا اگر حضور داشته‌اند، در این کار نقش متفاوتی را ایفا کرده‌اند.

دومین دلیل جذابیت مجموعه پرداختن به موضوع «عشق بین دو نوجوان» است. در مجموعه‌ها و فیلم‌های مشابه جسارت نزدیک‌شدن به این موضوع تا به این حد نبوده است. مجموعه با عاشقانه‌ای جذاب آغاز می‌شود که در مجموعه‌های مشابه کمتر به چنین وضعی مطرح شده است. مثلاً در مجموعه «زخم‌های کاری»، اگر چه رابطه عاشقانه دو نوجوان تصویرسازی شده است، اما صمیمیتی در آن دیده نمی‌شود.

سومین ویژگی عمیقاً تأثیرگذار مجموعه در جذب مخاطب، ورود به عرصه زندگی واقعی جوانان و نوجوانان در محلات فقیرنشین و پایین‌تر شهر است. کارگردانی که تخصص عجیبی در نمایش ویژگی‌ها و خصوصیات این محلات دارد، بیننده را به شدت درگیر این فضا می‌کند؛ به گونه‌ای که احساس می‌کند در این فضا زندگی کرده است و واقعیات تلخ و شیرینی که زیر پوست شهر در چنین محلاتی اتفاق می‌افتند، برای او نیز در حال تجربه‌شدن هستند.

چهارمین ویژگی جذاب مجموعه یاغی پرداختن به بحث قدرت و توجه ویژه به ورزش کشتی است. ورزش کشتی که

پرورش یافته‌اند. هر کدام هم به شیوه خویش به این بافت آسیب‌زا برمی‌گردد. در یکی از برداشت‌های (سکانس‌های) مجموعه، **اسی فلک**، به شکلی نمادین، به عنوان نماینده بافت فقیرنشین، به همراه دوستانش، در تلاش‌اند اجازه ندهند **جاوید** از بافت آسیب‌زا و فقیرنشین فرار کند. در ابتدای مجموعه، فشار گروه هم‌سالان و دوستان جاوید، برای خلاف کاری و دزدی، نمونه دیگری از فشار بافت فقرزده است که برخلاف میل باطنی، جاوید تسلیم می‌شود.

دوستان جاوید و اهالی محله نیز خودشان به اجبار چنین بافتی دست به خلاف می‌زنند. مثلاً برای آنکه گرفتار پلیس نشوند، وسایل اسقاطی را سر راه مأموران در خیابان رها می‌کنند. اهالی بافت آسیب‌زا که تا خرخره درگیر آلودگی‌های بافت آسیب‌زا هستند، اجازه نمی‌دهند کسی خود را از آن بافت و محله خارج کند.

تلاش‌های جاوید و **عاطی** ناموفق است و بهمن‌خان تنها با تطمیع، پول و نیرنگ آن‌ها را به ظاهر از بافت آسیب‌زا خارج می‌کند، در حالی که آن‌ها را به بافت آسیب‌زای خطرناک‌تری سوق می‌دهد.

مجموعه یاغی مبتنی بر مفهوم فقر و آسیب‌های اجتماعی پایه‌ریزی شده است. کارگردان در این مجموعه پیوند آسیب‌های اجتماعی را با هم و با فقر و بافت فقیرنشین به خوبی نمایش می‌دهد

در آن توانمندی بدنی و مبارزه رودرو مطرح است، بخش زیادی از مجموعه را به خود اختصاص داده است.

مجموعه یاغی مبتنی بر مفهوم فقر و آسیب‌های اجتماعی پایه‌ریزی شده است. کارگردان در این مجموعه پیوند آسیب‌های اجتماعی را با هم و با فقر و بافت فقیرنشین به خوبی نمایش می‌دهد. پرخاشگری و خشونت، فریب، دزدی، سوء مصرف مواد مخدر، خودکشی، فقر و افراطی‌گری آسیب‌های اجتماعی هستند که در مجموعه مورد توجه قرار گرفته‌اند. کارگردان قصد دارد فقر و محلات فقیرنشین را به عنوان علت و بستر آسیب‌های اجتماعی نمایش دهد و در این راه به خوبی موفق بوده است. فقر و بافت اجتماعی آن به گونه‌ای است که رهایی از آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. فقر چنان تأثیری بر ساختار شخصیت آدم‌ها می‌گذارد که حتی نسل‌های بعدی را نیز درگیر خود می‌سازد و بافتی را ایجاد می‌کند که انواع آسیب‌های اجتماعی در آن پرورش می‌یابند و اجازه رهایی و فرار را به فرد نمی‌دهد.

**بهمن‌خان** و **اکبر مجلل**، اگرچه از فقر رهایی یافته‌اند، اما هنوز درگیر گذشته فقرزده خویش و بافتی هستند که در آن

## گفت‌وگوهای

### شخصیت‌های مجموعه

اگر گفت‌وگوهای عادی مجموعه را کنار بگذاریم، سه گونه گفت‌وگو در مجموعه خودنمایی می‌کنند:

❖ گونه اول حرف‌ها و تیکه‌های لات‌بازی محله‌های پایین شهر است که برخی نامأنوس و نمایش‌دهنده پرخاشگری‌های کلامی هستند. برخی هم از ادبیات فولکلوریک، محلی و بعضی فیلم‌های قدیمی عاریت گرفته شده‌اند. این دست جمله‌ها در مجموعه زیاد هستند و منتقدان کارگردان را متهم کرده‌اند که او مجموعه را بهانه‌ای برای ترویج این ادبیات قرار داده است.

❖ گونه دوم لفاظی‌های انگیزشی هستند. برخی از این نمونه جمله‌ها عبارت‌اند از:

- همیشه به آدم باهوش گذشته شو مرور می‌کنه که آینده شو درست کنه.

- خودت خودتو دست کم نگیر. نشون بدین که شما اندازتون خیلی گنده‌تر از اون چیزیه که حتی خودتون می‌تونید تصور کنید؛ فقط اگه رؤیای بزرگی داشته باشید،

اگه هدف بزرگی داشته باشید.

- شما خیلی گنده‌تر از دردین، اینو همیشه

به خودتون بگین ...

- جلوی آدمی که هدف داره رو نمی‌شه گرفت.

همه تمرکزتون باس رو کشتی باشه. اون قدر تمرین کنید تا خون بالا بیارید. یه خستگی‌ای داریم که آدم سرشو می‌زاره رو بالش، خوابش می‌بره. یه خستگی‌ای هم هست که اون قدر کوفته‌ای که تا صبح خوابت نمی‌بره. کشتی این خستگی رو می‌خواد.

چنین جمله‌های اغراق‌گونه‌ای، اگرچه ظاهر مثبت‌اندیشانه‌ای دارند، اما در حقیقت نمایش مثبت‌اندیشی منفعلانه هستند. این جمله‌ها غالباً پر از تفکرات غیرمنطقی، کمال‌گرایانه و آسیب‌زا هستند که از زبان بهمن‌خان، جاوید و **طلا** تکرار می‌شوند؛ سخنانی که جنبه شعارگونه، تزئینی و اضافی دارند و کیفیت مجموعه را پایین آورده‌اند. برای آگاهی بیشتر درباره مثبت‌اندیشی سالم، به مقاله «مثبت‌اندیشی منفعلانه و مثبت‌اندیشی سازنده»، در فصلنامه، شماره ۶۴ مراجعه کنید.

## تحلیل شخصیت‌های مجموعه

در این مجموعه، بهمن‌خان نمونه‌ای عالی از شخصیت‌های فریب‌دهنده است؛ شخصیتی که حتی تا چند قسمت از مجموعه، بیننده را هم فریب می‌دهد. گویا برای بیننده تا قسمت‌های پایانی مجموعه، باورپذیر نیست که او به دنبال منافع خود و توزیع مواد مخدر بین جوانان است و کثیف‌ترین شیوه را برای ورود مواد مخدر به کشور انتخاب کرده است. شخصیت‌های فریب‌دهنده صداقت و صمیمیتی ندارند، ولی برای آنان که قصد فریبشان را دارند، وانمود می‌کنند که صمیمی و صادق هستند. آن‌ها اگرچه صلابت و صراحت دارند، اما نمایش ظاهری رفتارشان نشان‌دهنده آن است که صلابت و صراحت ندارند.

بهمن‌خان به راحتی همگان، حتی همسر خویش را فریب می‌دهد. همسر اولش را در کشوری دیگر، در شرایطی که به خاطر تجارت مواد مخدر او زندانی شده، رها کرده است. اکبر مجلل را که قاچاقچی خطرناک مواد مخدر است، فریب می‌دهد، با نوجوانان کشتی‌گیر رابطه صمیمانه و پدرا نه دارد و همه را به نوعی فریب می‌دهد. ابراز عشق او نسبت به همسر دومش زیباست، اما این کار بخشی از تجارت اوست.

بهمن‌خان اگرچه فریب‌کاری و تقلب را به خوبی اجرا می‌کند، اما فریب‌کاری او محترمانه و صمیمانه است. او کمتر به خشونت متوسل می‌شود و اگر خشونت لازم باشد، مانند برادر بیمارش، یا همسرش و یا اکبر مجلل، از خشونت لذت نمی‌برد. خشونت برای بهمن‌خان ابزاری نامناسب است که تنها در شرایط اضطرار مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته او حتی از این ابزار به شکل مستقیم استفاده نمی‌کند، بلکه در صورت نیاز از طریق دیگران، نظیر رحمان یا اکبر مجلل، از خشونت بهره می‌گیرد.

شخصیت‌های فریب‌دهنده از دام‌های متفاوتی برای فریب کمک می‌گیرند. آنان گاهی از دام‌هایی مانند تحقیر، سرزنش، احساس گناه، ترس و خشونت استفاده می‌کنند که جنبه منفی دارند. اما گاهی هم دام‌ها از نوع احترام، توجه، محبت بدون قید و شرط، تأکید بر توانمندی‌ها، عشق و صمیمیت هستند که دام‌هایی مثبت محسوب می‌شوند. بهمن‌خان در مجموعه فردی است که برای فریب دیگران از دام‌های مثبت استفاده می‌کند. گزیده‌گویی، وقار، ادبیات عاشقانه و صمیمانه، در کنار چهره جذاب (کاریزماتیک) و زیبایی او به نقش فریبندگی‌اش کمک شایانی کرده است.

در مقابل، اکبر مجلل شخصیتی پرخاشگر، بددهن، مغرور و دیکتاتور، با چهره‌ای مهیب و ترسناک است. برخورد او با دامادش اوج پرخاشگری او را به نمایش می‌گذارد. از نظر او دیگران برده و زیردست او هستند. بدبینی، سوءظن و ترس از آسیب به خاطر تجارت مواد، از دیگر ویژگی‌های شخصیتی‌اش هستند. او از ابزار خشونت برای جلوگیری از آسیب و تهدید دیگران، حل و فصل سوءظن، و رهایی از حقارت‌های درونی خویش استفاده می‌کند. جالب آنکه به راحتی فریب می‌خورد و بهمن‌خان و همسرش هر کدام به گونه‌ای متفاوت او را فریب می‌دهند و او را ابزار دست خویش قرار می‌دهند. برای آگاهی بیشتر در مورد شخصیت‌های فریب‌کار، به مقاله «آدم‌های

تقلبی» در فصلنامه، شماره ۵۹ مراجعه کنید.

رحمان، برادر بهمن‌خان، فردی است که اختلال «شخصیت وابسته و ضد اجتماعی»، کمترین اختلالی است که می‌توان برایش در نظر گرفت. چهره خسته، خواب‌آلوده و بی‌روح او از سابقه افسردگی‌اش نشان دارد. اینک او با قرار گرفتن در کنار برادر، به نوعی از افسردگی و یاسی که وجودش را فرا گرفته است، فرار می‌کند. بازی سکوت او در مجموعه از دیدنی‌ترین سکانس‌های مجموعه است. او هیولایی رام‌شده در دستان بهمن‌خان و همسرش است که بدون چون و چرا فرمان‌های آن‌ها را اجرا می‌کند. رحمان بیماری روانی است که گرفتار پرخاشگری شده. وابستگی شدید رحمان به بهمن‌خان و همسرش، به‌ویژه پس از مرگ میمون دست‌آموزش، کاملاً آشکار است. همیشه در کنار این دو قرار دارد و هر دو را به شدت دوست دارد. مهم‌ترین تعارض او انتخاب بین زنده ماندن برادر و طلا، همسر برادرش، است. در سکانسی که مجلل دستور مرگ طلا را صادر می‌کند، وابستگی و علاقه رحمان به طلا برملا می‌شود.

عاطی، خواهر جاوید، نقش انگیزه‌بخش و مادرانه‌ای را برای جاوید بازی می‌کند. خواهری که جاوید سال‌ها پس از مرگ پدر و مادر با او زندگی کرده است و بدون شک بخش زیادی از ویژگی‌های مثبت جاوید در اندیشه و فرمان‌های او ریشه دارد. عاطی وجدان بیدار و عاقل جاوید است. در یکی از برداشت‌های مجموعه، جاوید برای خالکوبی (تتوی) یاغی از عاطی اجازه می‌گیرد و به صراحت می‌گوید اگرچه مدرسه نرفته، اما در مکتب عاطی نشسته و شاگردی او را کرده است. در برداشت دیگری، جاوید در مورد نقش عاطی به ابراهیم می‌گوید عاطی فرمانده است. در برداشت‌های دیگری شاهد دستورها و نصیحت‌های عاطی به جاوید هستیم. پس عاطی از جنس محله‌ای نیست که در آن زندگی می‌کند. او برخلاف زنان محله که در فیلم تماماً در نقش‌های سنتی قرار دارند، رفتار می‌کند.

در برداشت عروسی به خوبی شاهد آن هستیم که زنان نقش‌چندانی حتی در انتخاب همسر ندارند. اما عاطی از جنس دیگری است. او هنرمندی است که سازهای متفاوت را می‌نوازد و جسورانه با یک گروه نوازنده خیابانی دختر و پسر شب‌هنگام برنامه اجرا می‌کند. او در برابر عمه‌اش برای گرفتن شناسنامه می‌ایستد و در جست‌وجوی برادرش، حتی با گرگین، مسئول کمپ ترک اعتیاد، با تمامی قدرت روبه‌رو می‌شود و ذره‌ای هراس به دل راه نمی‌دهد. شخصیت عاطی بدون شک سالم‌ترین و قوی‌ترین شخصیت مجموعه است که تمام هم‌وغم او سالم زندگی کردن خود و برادرش است.

طلا مطالای زنی توانمند است که قدرتمندی و ثروت را از پدر به ارث برده، اما معتاد



قماربازی، مصرف سیگار و قاچاق مواد مخدر شده است. قدرت و ارتباطات او با قاچاقچیان مواد مخدر، حتی در موفقیت و پیشرفت بهمن خان اثرگذار بوده است. شخصیت او ترکیبی از شخصیت متهور و هنری است. قدرت طلبی، اهل ریسک بودن، تنوع طلبی، علاقه به نفوذ و جلب توجه دیگران، به صورت شدید در رفتارهای او مشاهده می شود. به نظر می رسد رگه هایی از اختلال «شخصیت نمایشی» در او وجود دارد. شیفتگی اش نسبت به قدرت، نحوه پوشش خاصش، رفتارهای پرخاشگرانه و اعتیادگونه وی، نفوذ مسحورکننده اش بر رحمان، بهمن خان، اکبر مجمل، و حتی قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر و نوجوانان کشتی گیر، به او شخصیت خاص و مرموزی بخشیده است. او برای نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران و رسیدن به خواسته هایش از هر نوع ابزاری استفاده می کند. بخشش بی حد و اندازه، هدیه دادن، تطمیع دیگران، صمیمیت، حمایت عاطفی، خشونت، قتل و خیانت از جمله ابزارهای او برای رسیدن به قدرت و نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران است.

تأثیرگذاری و نفوذ طلب بر جاوید و عاطی دیدنی است. او با روابطش به راحتی عاطی را به اوج آرزوهایش می رساند و در سرشناس ترین گروه هنری قرار می دهد. با تطمیع و جلب توجه، در مورد مرگ پدر اطلاعات پنهانی به دست می آورد. با رابطه ای خیانت گونه، اکبر مجمل را چون گربه ای دست آموز هرگونه

که می خواهد به کار و امی دارد.

همسر اول بهمن خان را در حضور دیگران و به ناگهان به قتل می رساند. رحمان برادر بیمار بهمن را وابسته خویش می سازد؛ به گونه ای که رحمان نمی تواند دستور برادرش را اجابت کند و به شکل عجیبی جان خود را نجات می دهد. طلا مطلقاً بیماری تشنه قدرت است. تجارت مواد مخدر برای او نه برای کسب درآمد، بلکه راهی برای کسب قدرت و نفوذ بر دیگران است. جاوید، قهرمان داستان، پسری از طبقه فرودست و فقیر جامعه که در میان دوستانانی لات و خلاف کار و در محله ای که خودش نامش را «لیان شامپو» گذاشته اند، بزرگ شده است. او پدری معتاد داشته که حتی حاضر نشده است برای او شناسنامه بگیرد. پس از مرگ مادرش، یک دزد اسقاط فروش نقش بزرگ تر او را برعهده می گیرد. دوستانی که با او زندگی می کنند، هر نوع هنجاری را به راحتی زیر پا می گذارند. در این محله دزدیدن تابلوهای راهنمایی و رانندگی، پرتاب آهن آلات به شکلی خطرناک وسط جاده، دعوا و پشت رقیق را خالی نکردن، حتی وسط بیمارستان، به راحتی توجیه می شود. افراد این محله به بهانه فقر بزرگ ترین خلاف را، مثل دزدی، شرط بندی، و فریب دادن دیگران به راحتی انجام می دهند. اما جاوید با وجود زندگی در میان این همه لات، انگار همانند آنها نیست. چهره و حتی حرف زدنش هم به اهالی محل نمی خورد. او اگرچه تا حدودی فیزیک بدنی یک ورزشکار را دارد، اما چهره معصومش او را از لات های اطرافش متفاوت می کند و به نظر می رسد کودکی است که ادای لات ها را درمی آورد. شاید نداشتن شناسنامه و هویت باعث شده است که او خود را از جنس آن محل نداند. جاوید نمی خواهد هنجارشکنی و دزدی کند و میلی به خلاف کردن ندارد. او مسیر سالم زندگی کردن را انتخاب کرده است. از شرط بندی و گاوبندی های اسی فلک بیزار است. انگار او عضو عاریه ای این محله است، اما مشککش از همین لات ولوت های دزد بیشتر است. او شناسنامه ندارد و بدون هویت است.

جاوید عاشق «خالکوبی یاغی» است و خود را یاغی می داند. البته نه یک یاغی کله خراب، بلکه یک یاغی که می خواهد شناسنامه و هویت خویش را از جامعه باز پس بگیرد. یاغی است که می خواهد اجازه ندهد، عشقش را از چنگالش بربایند. از نظرگاه دوستانش، جاوید یک قهرمان است. برای حفظ و موفقیت این قهرمان، خود را به آب و آتش می زند. اجازه نمی دهند او گرفتار آلودگی هایشان شود. اجازه نمی دهند او قلیان، یا سیگار بکشد و مواد مخدر مصرف کند. در برداشتی از فیلم که خواهر جاوید گروگان گرفته شده و جاوید به هم ریخته و آشفته است، از خلیل تقاضای مواد می کند، اما خلیل با بغض و گریه اجازه نمی دهد. به او می گوید تو قهرمانی، نباید مواد بکشی!





شگفتن شایستگی‌ها

# خودشکوفایی فرهنگی

در گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر روح‌اله عزیزی، متخصص مشاوره خانواده



حرکت اصیل فرهنگی و رو به رشد جوانان، در جهت خودشکوفایی و تحقق هدف‌های بیانیۀ گام دوم انقلاب اسلامی و ایجاد نسلی معناگرا با صفاتی انسانی و معنوی است. در این رابطه کورت گلدشتاین اولین کسی بود که خودشکوفایی را هدف نهایی انسان معرفی کرد. این روان‌پزشک متخصص مدعی بود تمام انسان‌ها، گیاهان و حیوانات ذاتاً می‌کوشند خود را همان‌طور که هستند به فعلیت برسانند. او حتی در کتابی استدلال کرد که: «خودشکوفایی یعنی همان میل فعلیت‌بخشیدن به ظرفیت‌های فردی». طبق این تعریف، خودشکوفایی لزوماً هدفی نیست که باید تحت هر شرایطی در آینده محقق شود، بلکه به تمایل ذاتی تمام موجودات زنده برای اجرایی کردن توانمندی‌هایشان اشاره دارد.

در نظریۀ کارل راجرز، کسی کارآمد است که در مسیر خودشکوفایی مدام توانمندی‌هایش را بررسی کند و بخواهد خود واقعی‌اش را به خود ایده‌آش برساند. منظور از کارآمد این است که فرد آگاهانه و با پذیرش کامل در جهت تحقق ایده‌آل‌هایش حرکت کند. این افراد احساسات و عواطف خود را به خوبی می‌شناسند و می‌توانند به درونی‌ترین امیال و شهوود خود اعتماد کنند. به عقیده راجرز، خودشکوفایی فرایند مستمر و مادام‌العمری است که طی آن خودپندارۀ انسان به واسطۀ تجربه رشد می‌کند. راجرز معتقد بود برای اینکه فردی به خودشکوفایی برسد، باید در حالت همسویی باشد؛ یعنی خود ایده‌آل شخص (یعنی کسی که دوست دارد باشد) با رفتار واقعی او (تصورش از خودش) هم‌خوانی داشته باشد. بر اساس علم روان‌شناسی، خودشکوفایی زمانی حاصل می‌شود که انسان بتواند به اوج توانمندی‌های خود دست پیدا کند. نظریه پردازان بزرگ معتقدند که اساس این مفهوم انگیزه و توانمندی‌های ذاتی انسان است که با تشویق‌های بیرونی گره می‌خورد و ضمن ممانعت از احساس گناه، او را به هدف‌های کلی و جزئی خود می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: خودشکوفایی فرهنگی، گام دوم انقلاب اسلامی



## مقدمه

قرار گیرد.

بخش اعظمی از جوانانی که رهبری در بیانیۀ گام دوم انقلاب بر آن‌ها تأکید دارند، همین دانش‌آموزانی هستند که در آموزش و پرورش مشغول به تحصیل‌اند. لذا نباید از آنان به سادگی گذشت و بی‌تفاوت بود. وظیفۀ مدیران کل و شورای معاونان ادارات کل و نواحی، شهرستان‌ها و مناطق گوناگون کشور است که در تمام جلسه‌های خود با دانش‌آموزان، به تبیین این بیانیۀ ارزشمند برای نوجوانان و جوانان بپردازند. زیرا این بیانیۀ مسیر راه را برای ما روشن کرده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در ادامۀ بیانیۀ گام دوم انقلاب است و در این سند به‌طور ویژه به تشکل‌های دانش‌آموزی و کارگروهی دانش‌آموزان در جهت خودشکوفایی آنان تأکید شده است.

خودشکوفایی مستلزم کمال نیست یا اصلاً به این معنی نیست که همیشه همه کارها به بهترین شکل ممکن پیش بروند. می‌توان در مسیر خودشکوفایی بود و باز هم با مشکلاتی روبه‌رو شد. در واقع شناخت محدودیت‌ها بخش مهمی از فرایند خودشکوفایی است که به اندازه‌شناسایی توانمندی‌های فردی اهمیت دارد. از جمله محدودیت‌های مزبور یکی این است که در تعریف خودشکوفایی پای توانمندی‌های فردی وسط می‌آید. پس برای افراد مختلف، حتی برای اعضای یک خانواده، به شکل‌های متفاوت و منحصر به فرد ظاهر می‌شود. بخش اصلی نظریۀ خودشکوفایی مزلو همین تمرکز بر انگیزه‌ها و توانمندی‌های فردی است:

◀ مهارت‌های عملی؛

◀ فرزندپروری؛

◀ استعداد‌های هنری؛

◀ بینش‌های عاطفی.

این شناخت باعث می‌شود از نقاط قوت خود به بهترین شکل استفاده کنیم و در راه رسیدن به رؤیاهای کوچک و بزرگ قدم برداریم. مثلاً اگر آرزو داشته باشید خوانندۀ متبحر و خوبی باشید، اما صدای خوبی نداشته باشید، می‌توانید در آهنگ‌سازی مهارت پیدا کنید و نیاز درونی‌تان به ساخت موسیقی را به‌شيوه‌ای متفاوت برآورده سازید. اما نمی‌توانید خوانندۀ خوبی باشید و باید به چنین شناختی از خودتان برسید.

«خودشکوفایی» اصطلاحی در روان‌شناسی انسان‌گرایانه به معنی محقق‌ساختن حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد توسط خودش است. خودشکوفایی به این پدیده اشاره دارد که انسان‌ها تمایل دارند به فراتر از نیازهای اولیه خود دست یابند. مازلو در مقاله خود درباره «انگیزۀ انسانی» که برای اولین بار در آن هرم نیازهای خود را معرفی کرد، خودشکوفایی را این‌گونه تعریف کرد: «هرکس باید آن چیزی باشد که می‌تواند باشد».

مسیر خودشکوفایی برای هیچ دو نفری دقیقاً شبیه هم نیست. افراد روحیه‌ها و نیازهای متفاوتی دارند و مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به خودشکوفایی طی می‌کنند. به‌علاوه این اتفاق یک‌شبه نمی‌افتد. خودشکوفایی واقعی گاهی تا پایان عمر همراه انسان می‌ماند و گاهی مثل تمام هدف‌های بلندمدت دیگر طاقت‌فرسا می‌شود. ایده‌آل‌گرایی را کنار بگذارید و بدانید حتی خودشکوفاترین افراد هم جای پیشرفت دارند. توانمندسازی روانی و اجتماعی، برنامه‌های فوق‌برنامه، تلاش دانش‌آموزان برای داشتن روحیۀ نشاط و شادابی، گسترش حوزه‌های مطالعات غیردرسی، آراسته‌شدن آنان به لباس تقوا و تهذیب، کشف حقایق دنیای پیرامونی، و تلاش علمی از جمله اموری هستند که به نقش آفرینی‌های دانش‌آموزان، به ویژه دبیرستانی‌ها، در تحقق هدف‌های بیانیۀ گام دوم انقلاب کمک مؤثری می‌کنند.

دور شدن آموزش و پرورش و مدرسه‌ها از حال و هوای صرفاً سیاسی، دور‌شدن آنان از سند غرب‌گرایانه ۲۰۳۰، توجه به اسناد مهم و بالادستی نظیر سند تحول بنیادین و ساحت‌های شش‌گانه آن، و عمل به رهنمودهای رهبری در بیانیۀ گام دوم انقلاب می‌تواند ما را در رسیدن به یک تمدن‌سازی اصولی و همه‌جانبه کمک کند. زیرا اگر قرار است در کشور اتفاق مبارکی صورت گیرد، با تمدن‌سازی از مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی این امید و آرزو تحقق می‌یابد.

توسعۀ فکری، بازسازی عقیدتی و شاداب‌سازی امور پرورشی دانش‌آموزان می‌تواند در نقش آفرینی آنان در جهت تحقق هدف‌های بیانیۀ گام دوم مؤثر باشد. تبیین بیانیۀ ارزشمند گام دوم انقلاب برای نوجوانان و جوانان می‌باید در دستور کار وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه، به ویژه ادارات کل استان‌ها،



## افراد خودشکوفای چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲

### خودپذیری و جهان بینی

انسان‌ها در مسیر خودشکوفایی، خودشان و دیگران را همان‌طور که هستند می‌پذیرند و بدون هیچ مانعی از زندگی لذت می‌برند. خصلت جالب این افراد پذیرش دیگران بدون توجه به پیشینه، وضعیت فعلی یا سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مربوط به آن‌هاست.

۱

### تجربه اوج یا غرق شدن مکرر

مزلو معتقد است، غرق‌شدن یکی از ویژگی‌های خودشکوفایی است؛ یعنی زمانی که انسان از تجربه مسائل متفاوت یا ارتباط با جهان پیرامون، احساس قدرت، شگفتی و هیبت می‌کند. در این لحظه‌هاست که پرده از معانی عمیق‌تر برداشته و فرد دچار هیجاناتی مثبت می‌شود.

۴

### تمایل به مسئله محوری

افراد خودشکوفای بی‌نهایت از به‌کاربردن مهارت‌های حل مسئله خود در موقعیت‌های متفاوت لذت می‌برند و از هر فرصتی برای کمک به دیگران و بهبود زندگی آن‌ها استفاده می‌کنند.

۳

### واقع بینی همیشگی

افراد خودشکوفای واقع‌نگر هستند. یعنی به‌جای اینکه از اتفاقات جدید و ناشناخته بترسند، با منطق و عقلانیتشان زندگی را همان‌طور می‌بینند و درک می‌کنند که هست.

۶

### میل به تنهایی

فردی که در مسیر خودشکوفایی پا می‌گذارد، خواه‌ناخواه به حریم خصوصی خود اهمیت می‌دهد و از تنهایی لذت می‌برد. این افراد هم از حضور در جمع دوستان لذت می‌برند و هم روحشان می‌طلبد بخشی از روز تنها باشند، در وجود خود کندوکاو کنند و ظرفیت‌های فردی خود را پرورش دهند.

۵

### میل ذاتی به استقلال

خودشکوفایی میل به استقلال را تقویت می‌کند. دیدگاه افراد خودشکوفای به شادی یا رضایت شبیه اطرافیانشان نیست و پایه زندگی خود را بر اساس نظرات دیگران بنا نمی‌کنند. این افراد کمتر تحت تأثیر بازخوردهای اجتماعی قرار می‌گیرند، قدر تنهایی خود را خوب می‌دانند و همیشه به همراه نیاز ندارند.

۸

### خودجوشی

از دیگر مشخصه‌های ذاتی انسان‌های خودشکوفای، میل به خودجوشی و شکستن حدودمرزهاست. این افراد قابلیت پیروی از انتظارات اجتماعی را دارند، اما افکار یا رفتار آن‌ها تحت تأثیر این هنجارها قرار نمی‌گیرد.

۷

### شوخی طبیعی فلسفی

یکی از خصلت‌های جالب افراد خودشکوفای حس شوخی طبیعی متفکرانه‌ای است که باعث می‌شود در موقعیت‌های متفاوت به اشتباهات خود بخندند و لذت ببرند. البته این حس شوخی طبیعی متوجه خودشان است و دیگران را باز بچه خود نمی‌کنند.

۸

### خلاقیت

همیشه منظور از خلاقیت توانمندی‌های هنری انسان نیست. فردی که می‌تواند به مشکلات از جنبه دیگری نگاه کند یا متفاوت فکر کند هم خلاق است و این یکی از ویژگی‌های برجسته افراد خودشکوفاست.

۷

### مشتاق مسیر، نه جویای مقصد

هرچند هدف این افراد کاملاً واضح و روشن است، موجودیت‌های اطراف خود را صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نمی‌دانند. در واقع مسیر دستیابی به هدف به‌اندازه تحقق هدف برای این افراد مهم و لذت‌بخش است.



# چگونه به خود شکوفایی برسیم؟

۲

## خودجوش باشید

نگرانی دربارهٔ بایدها و نبایدها را کنار بگذارید و از تک‌تک ثانیه‌هایی که می‌گذرند لذت ببرید. ماندن در منطقهٔ امن همیشه آسان‌تر است، اما در مسیر خودشکوفایی باید با این میل مبارزه کنید و همیشه آمادهٔ تجربیات جدید باشید. همین که گاهی به‌جای مسیر همیشگی به خانه، مسیری جدید را امتحان کنید یا غذایی را سفارش دهید که فکر می‌کنید دوست ندارید، می‌تواند تلاش خوبی باشد.

۴

## قدر جزئی‌ترین اتفاقات را بدانید

شاید زیباترین کلیشهٔ دنیا همین توجه به جزئیات زندگی روزمره باشد؛ جنبه‌هایی از زندگی روزمره که لابه‌لای مشغله‌های زندگی به چشم نمی‌آیند و به‌سادگی از کنارشان عبور می‌کنیم. در میان هیاهوی گذران زندگی بایستید و با تمام وجود از طعم خوش غذایی که میل می‌کنید، دست محبتی که روی تن حیوان خانگی می‌کشید، هوای تازه‌ای که استشمام می‌کنید و شغلی که عاشقانه دوستش دارید لذت ببرید.

۶

## مهربان و دل‌سوز باشید

انسان خودشکوفای تمام موجودات زنده مهربان است. شفقت این افراد از دایرهٔ اجتماعی کسانی که می‌شناسند فراتر می‌رود و به کل انسان‌های جهان می‌رسد. در کتاب‌ها و رسانه‌ها دنبال شناخت مردمی باشید که تجربیات متفاوتی دارند. با سازمان‌های خیریه یا پروژه‌های عام‌المنفعه همکاری کنید و هرطور می‌توانید دنبال راهی برای بهبود جامعه باشید.

۱

## پذیرش را تمرین کنید

شرط اول، پذیرش به‌محض مواجهه است! یعنی بتوانید با بارندگی شدید روز نمایشگاه کنار بیایید و شرایط را مدیریت کنید. یعنی به‌جای آنکه بگویید: «کاش طور دیگری می‌شد»، افکار واهی را کنار بگذارید و از خود بپرسید: «حالا چه کار کنم؟»  
جنبهٔ دیگری از پذیرش هم هست که به تجربه‌های انسانی اشاره می‌کند. مثلاً دوست‌داشتن افرادی که رفتارهای ناخوشایند و آزاردهنده دارند، حقیقتاً راحت نیست. با این حال می‌توانید به این فکر کنید که هر کسی شرایط خاص خودش را دارد و به این ترتیب با او هم‌ذات‌پنداری کنید. البته این نوع پذیرش اصلاً به‌معنای وقت‌گذرانی با چنین افرادی نیست.

۳

## از ارتباط با خودتان لذت ببرید

تأثیر رابطه با دوست، خانواده و شریک عاطفی روی زندگی انسان انکارناپذیر است. با این حال، اهمیت رابطه با خود اگر بیشتر از این‌ها نباشد، کمتر هم نیست. روح انسان گاهی به تنهایی نیاز دارد. به همین خاطر است که افراد خودشکوفای معمولاً از تنهایی آرامش می‌گیرند. پس همان قدر که با دیگران ارتباط برقرار می‌کنید و با آن‌ها وقت می‌گذرانید، برای لذت بردن از لحظه‌های تنهایی هم زمانی را در نظر بگیرید.

۵

## اصیل زندگی کنید

انسان اصیل، انسانی باایمان است. زندگی اصیل بر سبک ایرانی اسلامی یعنی بتوانیم به حقیقت احترام بگذاریم و نیازهای خود را انکار نکنیم. شاید در این میان مجبور شویم کمتر به نظرات دیگران اهمیت بدهیم و بیشتر راه قلب خود را در پیش بگیریم. انسان اصیل دربارهٔ نیازهایش کاملاً برخورد با خودش صادق است و به‌رغم احترامی که به نیازهای دیگران می‌گذارد، تمام تلاشش را به کار می‌گیرد تا به خواسته‌ها و اهداف انسانی و شرعی‌اش دست یابد.

## نتیجه‌گیری

مسیر خودشکوفایی برای هیچ‌دو نفری دقیقاً شبیه هم نیست. افراد روحیه‌ها و نیازهای مختلفی دارند و مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به این نقطه طی می‌کنند. انسان خودشکوفای تمام موجودات زنده مهربان است. شفقت این افراد از دایرهٔ اجتماعی کسانی که می‌شناسند فراتر می‌رود و به کل انسان‌های جهان می‌رسد. در کتاب‌ها و رسانه‌ها دنبال شناخت مردمی باشید که تجربیات متفاوتی دارند. به‌علاوه خودشکوفایی یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. خودشکوفایی واقعی گاهی تا پایان عمر همراه انسان می‌ماند و گاهی مثل تمام هدف‌های بلندمدت دیگر طاقت فرسای می‌شود.

ایده‌آل‌گرایی رویکردی واقعی نیست، زیرا خودشکوفاترین افراد هم جای پیشرفت دارند. توانمندسازی روانی و اجتماعی، برنامه‌های فوق‌برنامه و تلاش برای ایجاد روحیهٔ نشاط و شادابی در دانش‌آموزان، گسترش حوزه‌های مطالعات غیردرسی، آراسته‌شدن آنان به لباس تقوا و تهذیب، کشف حقایق دنیای پیرامونی و تلاش علمی از جمله اموری هستند که به نقش‌آفرینی‌های دانش‌آموزان، به ویژه دبیرستانی‌ها، در تحقق هدف‌های بیانیهٔ گام دوم انقلاب کمک مؤثری می‌کند.

پی‌نوشت

1. self-actualization

منابع

۱. اسماعیل خانی، فرشته؛ نجاریان، بهمن؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۰). «ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودشکوفایی». فصلنامهٔ علوم انسانی دانشگاه الزهراء. شمارهٔ ۱.
۲. انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳). «پژوهشی راجع به تقدیرگرایی». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۳. سند تحول بنیادین (۱۳۹۸). وزارت آموزش و پرورش. تهران.
۴. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). روان‌شناسی دین. ترجمهٔ فؤاد روحانی. انتشارات فرانتکلین. تهران.
۵. کری، جerald (۱۳۹۰). نظریه و کاربردهای مشاوره و روان‌درمانی. ترجمهٔ سید یحیی محمدی. انتشارات ارسباران. تهران.
۶. گنجی، حمزه (۲۰۱۲). نظریه‌های شخصیت. انتشارات ساوالان.





## تربیت اقتصادی

# من چه کاره‌ام؟

راه‌های هموارسازی مسیر شغلی دانش‌آموزان

دکتر لیلا سلیقه‌دار، مشاور و جویشگر تعلیم و تربیت

هنگامی که صحبت از هوش اقتصادی و مدیریت و موفقیت مالی می‌شود، مسائل پیچیده‌ی مربوط به شغل و کسب درآمد و سختی‌های ناشی از آن به یاد می‌آید. برخی معتقدند تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به زمان بزرگ‌سالی و هنگامی که فرد در زندگی به استقلال می‌رسد مربوط است. در حالی که در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» ساحتی به همین نام در نظر گرفته شده است و انتظار می‌رود روند این تربیت در طول سال‌های تحصیلی و در روند رشدی او دنبال شود. این موضوع به‌ویژه در دوره دوم متوسطه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا نوجوان در مواجهه نزدیک‌تری با شغل و زندگی مستقل اجتماعی قرار دارد. نوشته پیش رو به این بحث پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اقتصادی، مسیر شغلی، سند تحول بنیادی

### می‌خواهی چه کاره شوی؟

است که در دوره زمانی خاصی، تنها خدمت برخی مربیان به رشد و آموزش اقتصادی و حرفه‌ای دانش‌آموز به طرح همین پرسش ختم می‌شود. در ادامه و در تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر مدرسه‌ها داشتند، می‌توان به برگزاری «هفته مشاغل» و برگزاری نمایشگاه از کارهای دستی دانش‌آموزان و گاهی تشکیل بازارچه‌ها که غالباً برای امور خیریه برپا می‌شوند، اشاره کرد. این فعالیت‌ها از جمله موارد مرتبط با ساحت اقتصادی و حرفه‌ای هستند.

از جمله سؤالی که از دوره کودکی به یاد داریم، پرسش درباره شغل ماست که معمولاً توسط والدین و گاه در مدرسه مطرح می‌شود. بدیهی است انتخاب شغل، به معنای مسیری که به کسب درآمد منجر می‌شود و بخشی از زندگی را تشکیل می‌دهد، بسیار پیچیده‌تر از پرداختن به آرزوها و تمایلات کودکی یا اندیشه‌های نوجوانی است؛ به‌ویژه پیش از آنکه آموزش لازم دریافت شود. این در حالی

## زندگی مستقل نوجوان

هر قدر کودک از کودکی فاصله می‌گیرد و وارد نوجوانی می‌شود، دغدغه‌های او برای استقلال افزایش پیدا می‌کند و از این رو تمایلات مالی و اقتصادی آنان بیشتر نمایان می‌شوند. در این شرایط و در سال‌هایی که مسائل اقتصادی بخش مهمی از زندگی خانواده‌ها را شامل می‌شوند، تمایلات نوجوانان به فعالیت‌هایی که برایشان جذاب‌ترند، بیشتر دیده می‌شوند؛ فعالیت‌هایی مانند وب‌نویسی (بلاگری)، تهیه‌کنندگی محتواهای پویانمایی، آزادکاری (فریلنسری)، کاربری یوتیوب (یوتیوبری) یا مدیریت (ادمین) «اینستاگرام». نوجوانان به مواردی از این دست علاقه دارند که مطابق با تعریف‌ها و مفاهیم‌های مربوط به کار، برخی در دسته شغل‌های کاذب قرار دارند.

## یک تجربه: از پدر قصاب تا فرزند کارآفرین

دوره نوجوانی من به این ترتیب سپری شد که هر تابستان چالش شغلی داشتم. ما در محله‌ای بودیم که اغلب والدین پزشک، مهندس یا معلم بودند و تنها پدر من بود که قصابی داشت. آن موقع این شغل از نظر تحصیلی در جایگاه بالایی نبود. پدرم متوجه بود که ممکن است من از اینکه بخواهم کار او را ادامه دهم خوش‌حال نیستم، با این همه از داشتن تجربه تابستانی صرف‌نظر نمی‌کردم. پدرم هست نزدیک اواخر بهار، با یکی دو نفر از مشتری‌های مغازه که در طول سال زیر نظر گرفته بود، ارتباط برقرار می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست امکان کار در محیطشان را به من بدهند. گاهی حتی پیشنهاد می‌داد که در عوض کار به من پولی ندهند، اما تجربه کسب

یکی از مشتریان پدرم مدیر مدرسه بود. شیوه پدرم موجب شد ایده‌ای به ذهن مدیر برسد و همان سال در اردیبهشت‌ماه از پدرم دعوت کرد به جلسه اولیا و مربیان بیاید. پدرم به تصور اینکه مثل همیشه به جلسه‌ای می‌رود و باز می‌گردد به مدرسه رفت. در کمال ناباوری دیدم که مدیر در بخشی از جلسه از پدرم دعوت کرد تجربه کار تابستانی مرا با والدین در میان بگذارد و از آن به‌عنوان یک تجربه موفق یاد کرد. آن روز پدرم چنان با افتخار از خودش برایمان صحبت کرد که هرگز آن را فراموش نمی‌کنم. در حال حاضر با شیوه تربیتی و نظارتی پدرم من یک کارآفرین موفق هستم. روحش شاد.

## آنچه برای دورنمای زندگی نیاز دارد

مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ناظر بر رشد توانایی‌های متریبان در هر یک از این امور است:

- درک و فهم مسائل اقتصادی؛
- درک و مهارت حرفه‌ای؛
- التزام به اخلاق حرفه‌ای؛

- توان کارآفرینی؛

- پرهیز از بطالت و بیکاری؛

- رعایت بهره‌وری؛

- تلاش برای حفظ و توسعه ثروت؛

- اهتمام به بسط عدالت اقتصادی؛

- مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی.

با این نگاه، تربیت اقتصادی تنها به حوزه کسب درآمد نگاه نمی‌کند و مهارت‌های بیشتری از آن موردنیاز است. برای مثال، لازم است دانش‌آموز بتواند از بطالت و بیکاری پرهیز کند. بدیهی است لازمه این رخداد، شناخت و آگاهی، توانایی و مهارت و نیز باورمندی است که قطعاً در یک دوره زمانی کوتاه مهیا نمی‌شود. کودک یا نوجوان با انجام فعالیت‌های ارزشمند و نیز کسب تجربه‌های مفید در طول دوره تحصیل می‌تواند بیاموزد که چگونه از بطالت دوری کند. به این منظور دایره و گستره فعالیت‌های مربوط به این تربیت وسیع و لازمه آن، نگاه دورنگر و مبتنی بر رشد همه‌جانبه فراگیرندگان است.

## دورخیز کنیم

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای «جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی» است که برخی مشخصه‌های آن عبارت‌اند از:

توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساحت‌های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی؛  
درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه‌ای، مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد، و پرهیز از اسراف و تبذیر؛

گرایش به ایجاد و توسعه شایستگی‌های متریبان، برای یادگیری مادام‌العمر؛

توجه به شکل‌گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی.

با این نگاه، تحول و پیشرفت رشدی در نوجوان، محصول سال‌ها تربیت و آموزش است و نمی‌تواند در یک دوره محدود به نتیجه منجر شود. اما فعالیت‌های خرد و کلان بسیاری می‌توانند یاری‌دهنده مستقیم برای چنین رشدی باشند. در ادامه به مواردی در این زمینه اشاره شده است.

## تجربه کاری و خدمات داوطلبانه

یکی از فعالیت‌های مهم در تربیت اقتصادی، ایجاد زمینه‌های کسب تجربه کاری است. در بسیاری از جوامع، دانش‌آموزان دوره متوسطه آمادگی و مجوز کار در روزهای تعطیل تابستان را دارند و می‌توانند با توجه به استانداردها و شرایط تعیین‌شده کار کنند و درآمد داشته باشند. در برنامه‌های درسی این قبیل جوامع آمده است که کسب تجربه کاری می‌تواند در شناخت

موفقیت به دست آوردن  
دارایی بیشتر نیست،  
بلکه خدمت به خلق و معاش  
حلال است



مسئولیت برای کمک به یادگیری هم‌کلاسی‌ها، مسئولیت برای ارائه خدمات عمومی، مسئولیت نگهداری و حفظ تجهیزات، مسئولیت شرکت در فعالیت‌های مدرسه و ... نمونه‌هایی از دنیای تجربه‌هایی از این دست در مدرسه هستند.

### تجربه مدرسه‌ای

داستان زندگی معلمی من از مدرسه شروع شد. تازه برنامه‌ای را به نام «همیار معلم» در مدرسه به اجرا درآورده بودند و من هم به این منظور انتخاب شده بودم. اوایل خیلی به انجام این کار تمایل نداشتم، چون ناچار بودم زمانی را به رفع اشکال‌های دانش‌آموزان اختصاص بدهم. اما به‌مرور از این کار لذت بردم. تجربه نشان می‌داد که دوستانم خیلی خوب می‌توانند راهنمایی‌های مرا دریافت کنند و متوجه شوند و مدام بازخوردهای خوب دریافت می‌کردم. همین زمینه باعث شد در میان رشته‌های انتخابی معلمی را هم در نظر داشته باشم و در نهایت هم معلم شدم. از این بابت بسیار راضی و خوشنود هستم.



### شناخت استعداد

از دیگر فعالیت‌های مرتبط با تربیت اقتصادی، کمک به دانش‌آموزان برای شناخت استعدادها و توانایی‌های خودشان است. در صورتی که دانش‌آموزان امکان داشته باشند در طول سال‌های تحصیل خود، توانایی، علاقه‌ها، نقاط قوت و احتمالاً ضعف‌های خود را بشناسند، در این صورت با آگاهی بیشتری می‌توانند در زمان تصمیم‌گیری شغلی یا پیدا کردن حرفه‌های مؤثر در جامعه موفق باشند. این اتفاق در کنار برگزاری برنامه‌هایی مانند معرفی شغل‌ها، زمینه خوبی را برای انتخاب‌های سازنده توسط دانش‌آموزان مهیا می‌کند. در سند تحول بنیادین به این مهم به صورتی اشاره شده است تا مدرسه بتواند از طریق آن زمینه مساعدی برای تربیت اقتصادی فراهم آورد:

خود، شناخت بازار کار، تعامل با دیگران، ارزش‌گذاری پول و درآمد و نیز همدلی تأثیر داشته باشد. این مثال، مؤید فرهنگ آموزش سینه‌به‌سینه است که ریشه در تربیت کهن ایران نیز دارد و اغلب فرزندان، در سنین نوجوانی کار و حرفه والدین خود را فرامی‌گرفتند.

این در حالی است که تغییرات شغلی والدین، به‌ویژه ظهور و گسترش زندگی شهری، از تکرار این عادت مطلوب ممانعت کرده است. از سوی دیگر بنا به تغییرات زیر، تمایل والدین برای کسب تجربه‌های شغلی توسط فرزندان در تعطیلات تابستانی نیز کاهش پیدا کرده است:

- کم‌شدن تعداد فرزندان؛
- ساده‌تر شدن معاش خانواده (مجبور به انجام کار در مزرعه نیستند یا با در اختیار داشتن تسهیلات خانگی، زحمت کمتری برای زندگی دارند)؛
- افزایش خطرات محیطی (مانند تصادفات رانندگی، دزدیده‌شدن کودک و ...)

در این شرایط مدرسه می‌تواند زمینه تجربه‌های کاری را به منظور افزایش توانمندی اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آورد. این تجربه‌ها شامل موارد زیر و دیگر مواردی می‌شوند که با خلاقیت و نیز توجه به مقتضیات مدرسه ممکن هستند:

- ارائه خدمات خیریه، مانند کمک‌رسانی به اهالی محله، شناسایی نیازمندی‌های مدرسه، مثل افت تحصیلی و نیاز دانش‌آموزان به آموزش، جمع‌آوری کمک‌های معنوی و کمک‌رسانی دانش‌آموزان در این زمینه به یکدیگر، و ...
- بهره‌مندی از والدین دارای تخصص‌های متنوع در مدرسه به منظور ایجاد شبکه‌های کاری زیر نظر والدین با نظارت مدرسه؛
- ایجاد زمینه برای درآمدداشتن دانش‌آموزان از طریق انجام فعالیت‌های عمومی مدرسه؛
- ارزش‌گذاری و تعیین هزینه برای انجام فعالیت‌های فرهنگی مدرسه توسط دانش‌آموزان به شکلی که با دریافت امتیاز و به‌مرور بتوانند هم‌سنگ آن از دیگر خدمات بهره‌مند شوند.

### گزاره غیرمستقیم مسئولیت

یکی از موارد مهم در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ایجاد و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری است. در این زمینه بسیار اهمیت دارد، دانش‌آموز به تجربه‌ای درباره مسئولیت‌داشتن برسد، آن را بیازماید و در نهایت بتواند باور کند که در تأمین نیازهای مالی زندگی بیش از هرکسی، خودش مسئولیت دارد. در این‌باره مدرسه می‌تواند با ایجاد زمینه برای اعطای مسئولیت، به‌صورت غیرمستقیم، در راستای تربیت اقتصادی گام بردارد.

مسئولیت‌های فردی و جمعی به شکل‌های گوناگونی در مدرسه قابلیت اجرایی دارند: تجربه مسئولیت یادگیری خود،

◀ تولید و اجرای محتوا در سه حوزه سواد مالی، مدیریت اقتصادی و کارآفرینی منطبق بر برنامه درس ملی با رویکرد اقتصاد اسلامی؛

◀ آشنایی با شغل‌های آینده و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در عرصه‌های انتخاب شغل آینده؛

◀ تدوین و اجرای محتوای مهارت‌آموزی برای دانش‌آموزان در زمینه شغل‌های موردنیاز هر منطقه بر اساس ساحت‌های سند تحول بنیادین.

### یک تجربه جهانی

در برخی از دانشگاه‌های جهان، بخش «رشته تصمیم‌گیری نشده»<sup>۱</sup> تدبیر شده است که در آن دانشجو می‌تواند پس از دریافت پذیرش از دانشگاه، در صورتی که هنوز درباره رشته آینده خود تصمیم نگرفته است، در این بخش تحصیل کند. در این رشته دانشجویان درس‌هایی را انتخاب می‌کنند که مطابق علاقه و توانایی‌هایی است که در خود سراغ دارد. معمولاً این رشته موردتوجه دانشجویانی است که با رشته‌های معمول (روتین) دانشگاه و تناسب آن با خودشان به توافق نرسیده‌اند. برای دانشجویی که از دوران تحصیل در مدرسه، در مسیر شناخت خود بوده است، این موقعیت می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و درست در نقطه مقابل، برای کسی که شناخت لازم به دست نیآورده است، این یک فرصت نیست و بیشتر برای او تهدیدکننده است. این رشته به گونه‌ای به تخیل فرد برای آفرینش یک حرفه و تبدیل آن به واقعیت کمک می‌کند.

مدرسه‌ها می‌توانند با الهام از این تجربه، دانش‌آموزان را تشویق کنند در کنار مطالعه اطلس شغلی، شغل بسازند و آمادگی‌های لازم را برای شغل‌های آینده در خود به وجود آورند.

### نامه زندگی دیگران راهگشاست!

از دیگر فعالیت‌های ارزشمند و مؤثر تشویق دانش‌آموزان به خواندن زندگی‌نامه افراد است. گاهی مطالعه شرح زندگی افراد موفق و گاهی نیز افراد ناموفق، دریچه‌های احساسی و عاطفی زیادی را در ذهن باز می‌کند و می‌تواند ایده‌های نوینی را در ذهن دانش‌آموزان به وجود آورد که در بسیاری موارد انگیزه‌بخش هستند.

در ایران سخنرانی‌های مربوط به افراد بومی موفق در دسترس هستند (TED<sup>x</sup>)<sup>۲</sup>.

دانش‌آموزان می‌توانند با شنیدن آن‌ها در زمان کوتاهی، شرح زندگی افراد را بشنوند. مدرسه نیز می‌تواند در فعالیتی مشابه، با کمک گرفتن از افراد سرآمد محلی، والدین، و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی، سخنرانی‌های مبتنی بر زندگی‌نامه افراد تدارک ببیند. این قبیل فعالیت‌ها، به دلیل نزدیکی بیشتر با زندگی واقعی دانش‌آموزان، اثرات عمیق‌تری دارند.

### کوتاه سخن

در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای باید بر تعریف درست موفقیت تأکید بیشتری داشته باشیم که در آن لزوماً به پول و دارایی محدود نمی‌شود. فرد موفق در عرصه اقتصادی کسی است که می‌تواند مؤثر و سازنده باشد و به دیگران خدمت بارزشی ارائه دهد. در حال حاضر که متأسفانه روان‌شناسی زرد موجب به انحراف رفتن افکار نسبت به زندگی و موفقیت شده، لازم است مدرسه بر فرایند تربیت و رشد توانایی اقتصادی، با تکیه بر وجه انسانی و اخلاقی آن، سرمایه‌گذاری کند. معاش سالم، نان حلال، رقابت حرفه‌ای، دوری از طمع و خدمت به خلق، از جمله ارزش‌های ضروری در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای هستند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Undecided course
۲. تداکس (TED<sup>x</sup>): مجموعه‌ای از چندین سخنرانی افراد متفکر و متخصص در حوزه‌های گوناگون است که ایده‌ها، تجربیات و دانش خود را با زبانی ساده و جذاب فارسی در امتیاز همگان قرار می‌دهند و در کنار این سخنرانی‌ها، رخدادهایی حتی متفاوت برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است.

تجربه کاری دانش‌آموزان در محیط مدرسه در قالب خدمات اجتماعی، در رشد توانایی اقتصادی آن‌ها بسیار مؤثر است





# گام به گام تا حل مسئله

محسن آریزی، دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی

زندگی همواره با مسئله‌ها و مشکلات کوچک و بزرگی همراه است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، زندگی سراسر حل مسئله است. مسئله‌ها تنش‌ها و چالش‌هایی برای افراد ایجاد می‌کنند که اگر آن‌ها در حل مسئله مهارت نداشته باشند، با مشکلاتی مرتبط با سلامت روان، همچون اضطراب و افسردگی مواجه می‌شوند. فرد با داشتن مهارت در حل مسئله و استفاده از روش‌های کارآمد برای رویارویی با مسئله‌ها، از بهداشت روانی بهتری برخوردار خواهد بود. لذا فراگیری مهارت حل مسئله ضرورتی قابل توجه است. مهارت حل مسئله، مانند هر مهارت دیگری، ابتدا به آموزش نیاز دارد و سپس با تمرین و تکرار در فرد نهادینه می‌شود. این نوشتار کوشیده است گام‌های اساسی حل مسئله و نکات مرتبط با آن را شرح دهد.



مهارت حل مسئله

کلیدواژه‌ها: مهارت حل مسئله، بهداشت روانی، نگرش مبتنی بر حل مسئله، مدیریت گفت‌وگوهای درونی، تحلیل «هزینه‌فایده»

هنگام مواجه شدن با مشکلات و چالش‌ها، غالباً گفت‌وگوهای درونی منفی در فرد شکل می‌گیرد؛ جمله‌هایی همچون: «من بی‌عرضه‌ام! چرا من این قدر بدبختم! چرا من در این خانواده به دنیا آمده‌ام! و...». لازم و ضروری به نظر می‌رسد که فرد این گفت‌وگوهای درونی منفی و خودکار را تغییر دهد و از جمله‌های مثبت و روحیه‌بخشی همچون: «مشکلات بخشی از زندگی هستند؛ وقتی مشکلی پیش می‌آید باید آرامش و خونسردی‌ام را حفظ کنم؛ باید به دنبال بهترین راه‌حل باشم و...» بهره بگیرد. بنابراین «مدیریت گفت‌وگوهای درونی» نیز بخشی از اتخاذ نگرش حل مسئله است که برای حل موفقیت‌آمیز مسئله نیاز است که فرد به آن توجه ویژه‌ای داشته باشد. پس از اینکه فرد در مواجهه با مسئله، نگرش‌های مثبت و

پس از اینکه فرد در مواجهه با مسئله، نگرش‌های مثبت و سازنده‌ای اتخاذ کرد، لازم است که در گام دوم به «تعریف دقیق و جزئی مشکل» بپردازد

مهارت حل مسئله از شش گام ضروری تشکیل شده است: اولین گام «اتخاذ نگرش مبتنی بر حل مسئله» است. بدین معنا که فرد به مشکلات پیش‌آمده به‌عنوان مسئله‌ای بنگرد که می‌تواند از عهده حل آن برآید؛ نه اینکه مشکلات را چالش‌ها و فاجعه‌هایی بداند که نمی‌توان برای رفع آن‌ها کاری انجام داد. برخورداری از این نگرش که: «من می‌توانم این مسئله را حل کنم»، آرامشی به فرد می‌دهد که می‌تواند در سایه آن به تحلیل مسئله و چاره‌اندیشی برای آن بپردازد. در نقطه مقابل، چنانچه فرد مشکل پیش‌آمده را فاجعه‌ای پندارد، حاصلی جز اضطراب، دستپاچگی و مشغولیت ذهنی برای او در پی نخواهد داشت. لذا پرورش نگرش مبتنی بر حل مسئله نسبت به مشکلات زندگی، اولین و مهم‌ترین گام در حل مسئله به‌صورت سازنده است.



سازندهای اتخاذ کرد، لازم است که در **گام دوم** به «تعریف دقیق و جزئی مشکل» بپردازد. در تعریف مشکل باید توجه شود که جنبه‌های متفاوت آن، زمان، موقعیت و مکان به وجود آمدن مشکل و عوامل یا افرادی که در رخ دادن آن دخیل بوده‌اند، مرقوم شود.

در **گام سوم**، به «فهرست کردن تمامی راه‌حل‌های ممکن برای مسئله» پرداخته می‌شود. هر چه تعداد راه‌حل‌های

تولید شده بیشتر باشد، بهتر است. همچنین

می‌توان از افراد قابل اعتماد همچون

والدین، مشاوران و معلمان آگاه و

دلسوز درخواست کرد، آن‌ها نیز

به ارائه راه‌حل‌هایی بپردازند.

سپس در مرحله چهارم، با

استفاده از فنون (تکنیک‌های)

متفاوت، همچون «اگر...»

آن وقت...»، می‌توان پیامدهای

استفاده از هر راه‌حل را

پیش‌بینی کرد و دست به

انتخاب بهترین راه‌حل زد. این

فن (تکنیک) بدین صورت است

که: «اگر از راه‌حل شماره ۳، یعنی ...

استفاده کنم، آن وقت پیامدهای استفاده از

آن راه‌حل چنین است که ...». به این ترتیب می‌توان

پیامدهای مثبت و منفی هر راه‌حل را پیش‌بینی کرد.

نکته قابل توجه این است که یک راه‌حل تنها یک پیامد

ندارد، بلکه پیامدهای متفاوتی دارد که باید همه آن‌ها را

مشخص کرد. شیوه دیگر برای برگزیدن بهترین راه‌حل

استفاده از تحلیل «هزینه-فایده» است. در این روش،

هزینه‌ها و فایده‌هایی که هر راه‌حل می‌تواند در پی داشته

باشد، شناسایی و ثبت می‌شود. سپس راه‌حلی را انتخاب

می‌کنند که فایده‌هایی بیشتر از هزینه‌هایش برای فرد

به ارمغان آورد. علاوه بر آن، ارزش و اهمیت هزینه‌ها نیز

باید برای فرد چندان زیاد نباشد. ممکن است یک راه‌حل

فایده‌هایی بیشتر از هزینه‌هایش داشته باشد، اما فرد به

لحاظ کیفی از صرف آن هزینه‌ها ناراضی باشد و لذا تمایلی

به استفاده از آن راه‌حل نداشته باشد. به بیان ساده، در

تحلیل «هزینه-فایده» باید راه‌حلی را انتخاب کرد که به

لحاظ کمی و کیفی برای فرد مقرون‌به‌صرفه باشد.

در **گام چهارم**، با تهیه دقیق نقشه راه به اجرای راه‌حل

می‌پردازیم. در نقشه راه لازم است که به سؤال‌هایی همچون:

«چه کسی؟ کجا؟ چه موقع؟ توسط چه کسی؟ چه چیزهایی؟

و...»، پاسخ داده شود. همچنین بازه زمانی که راه‌حل موردنظر

اعمال گردد نیز مشخص شود. علاوه بر آن روشی برای نظارت بر

اجرای راه‌حل تعیین گردد.

در **گام پنجم**، راه‌حل انتخاب شد اجرا

می‌شود، و بر اجرای صحیح راه‌حل نظارت

صورت می‌گیرد.

در **گام ششم**، از اثربخشی راه‌حل

به‌کار گرفته شده ارزیابی صورت

می‌گیرد که آیا راه‌حل استفاده

شده در حل مشکل کارساز بوده

است یا خیر؟ در صورت کسب

نتیجه موردنظر، تداوم استفاده از

راه‌حل مورد نظر در صورت بقای

مسئله ضرورت می‌یابد.

پس از اجرای راه‌حل انتخاب شده

لازم است که ارزیابی صورت گیرد که

آیا راه‌حل موردنظر مؤثر و رضایت‌بخش

بوده است یا خیر؟ در صورت کسب نتیجه

رضایت‌بخش، تداوم استفاده از راه‌حل در صورت بقای

مسئله ضرورت می‌یابد. در صورت حاصل نشدن نتیجه مطلوب

لازم است که شیوه اجرای راه‌حل نیز مورد ارزیابی قرار گیرد تا

معلوم شود راه‌حل به درستی اجرا شده است یا خیر.

با استفاده از مهارت حل مسئله می‌توان مشکلات و

چالش‌های زندگی را از حالت اضطراب‌زا خارج کرد و به‌صورت

سازنده به حل آن‌ها پرداخت که این موضوع سبب افزایش

آرامش و اعتمادبه‌نفس در فرد می‌شود. همان‌طور که گفته شد،

برای رسیدن به مهارت در حل مسئله، تمرین و تکرار و انجام

اصلاح‌های لازم عنصری اساسی به شمار می‌رود.

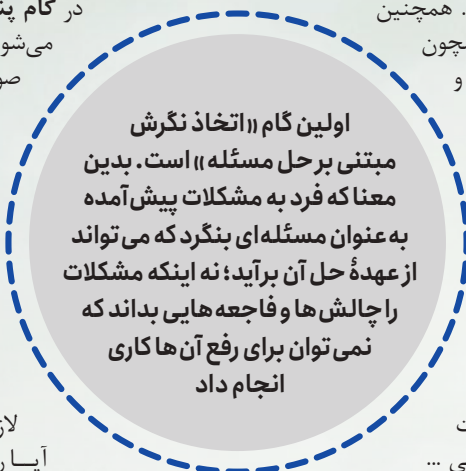
#### منابع

۱. رادفر، شکوفه و حمیدی، فریده (۱۳۸۷). راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی

(ویژه مدرسین).

۲. محمدخانی، شهرام؛ نوری، ربابه؛ موتابی، فرشته (۱۳۹۶). مهارت‌های زندگی

(مهارت‌های رفتاری - ویژه دانش‌آموزان). انتشارات طلوع دانش. تهران.







## هماهنگی و آهنگ خوب تربیت

بررسی راه‌های مناسب ارتباط خانه و مدرسه و ارائه راهبردهای بهبود

# تربیت درست

# حاصل ضرب خانه و مدرسه

محمد معین دانش‌پور، دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان ایلام

این تحقیق در راستای مدیریت فرایندمدار و بهبود مستمر کیفیت آموزشی در مدرسه انجام شده است. هدف آن شناسایی و تجزیه و تحلیل شیوه‌هایی برای بهبود روابط خانه و مدرسه است. برای دستیابی به هدف‌های این پروژه از مبنای نظری و علمی «مدیریت کیفیت جامع» و روش کاربردی ارتباط خانه و مدرسه، با تأکید بر مدیریت «فرایندمدار» استفاده شده است. پس از شرح وضع موجود و ترسیم وضعیت قابل انتظار، با استفاده از ابزارهایی چون نمودار هم‌گرایی، ماتریس «سوات» (SWOT) و ... به تشخیص و تجزیه و تحلیل شیوه‌های مؤثر ارتباط خانه و مدرسه پرداختیم و با تعیین فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت قابل انتظار، راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی برای به حداقل رساندن این فاصله و هرچه نزدیک‌تر شدن رابطه‌های خانه و مدرسه ارائه کردیم.

پیشرفت تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان دارد. یک دلیل مهم ارتباط نداشتن والدین با مدرسه‌ها، نبود طرح یا الگوی سازمان‌یافته‌ای است که بر اساس آن امر ارتباط صورت پذیرد. مربیان و والدین همواره به کمک هم سعی داشته‌اند که روابط جدی مؤثری میان خود برقرار کنند، زیرا اکثر والدین و اولیای مدرسه هدف‌های مشترکی را در قبال کودکان و نوجوانان دنبال می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند به نوجوانان کمک کنند افرادی مستقل بار آیند، از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار شوند و سرانجام انسان‌های بی‌تفاوتی در جامعه نباشند و از نظر اخلاقی احساس مسئولیت کنند.

### شرح وضعیت موجود

در دنیای امروز، خانه و مدرسه کاملاً از هم بیگانه‌اند. شاید همه

**کلیدواژه‌ها:** اولیای مدرسه، والدین، ارتباط خانه و مدرسه، تعلیم و تربیت

### مقدمه

«در صورت عدم ارتباط خانه و مدرسه، و اولیا و مربیان، تعلیم و تربیت کودکان آن‌طور که باید انجام نخواهد شد و در صورت نبود این همکاری، تناقض‌هایی در ذهن کودک ایجاد خواهد شد.»

مقام معظم رهبری، مجله پیوند، شماره ۱۵۹، دی‌ماه ۱۳۷۱  
تعلیم و تربیت با مشکلات بی‌شماری مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات آن است که هرگز روابط و مشارکت بین والدین و اولیای مدرسه هماهنگ و هم‌سو نبوده است، در حالی که مشارکت و ارتباط خانه و مدرسه تأثیری مهم در







## ابزار حیطه نیرو

و تهدیدها را شامل می‌شوند و عوامل جلوبرنده، فرصت‌ها و قدرت‌ها را در بر می‌گیرند.

اگر عوامل جلوبرنده به داخل مدرسه ما برگردند، قوت مدرسه ما به حساب می‌آیند و اگر این عوامل به خارج مدرسه ما برگردند، جزو فرصت‌های مدرسه ما خواهند بود. اگر عوامل بازدارنده در مدرسه ما باشند، ضعف مدرسه ما به حساب می‌آیند و اگر این عوامل به خارج از مدرسه ما برگردند، جزو تهدیدهای مدرسه ما هستند. باید توجه داشت که بازدارنده‌ها یا تهدیدند یا ضعف، و جلوبرنده‌ها قوت یا فرصت هستند.

ابزار حیطه نیرو به وسیله کورت لوین مطرح شد. این ابزار روشی است که عوامل مقابله و همچنین عوامل ترغیب برای تغییر را شناسایی می‌کند. با سنجش عوامل در هر دو طرف و خنثاکردن عوامل منفی به شکل مؤثر می‌توان برنامه عمل برای موفقیت با احتمال زیاد را توسعه داد. روشی را که به کار گرفته می‌شود، «روش تجزیه و تحلیل میدان نیرو» می‌گویند. در دو سمت ابزار حیطه نیرو عوامل بازدارنده و عوامل جلوبرنده وجود دارند. عوامل بازدارنده بیشتر ضعف‌ها

### جدول ۱. عوامل جلوبرنده و عوامل بازدارنده حیطه نیرو

عوامل بازدارنده	عوامل جلوبرنده
۱. پایین بودن آگاهی والدین ۲. نبودن نشریه در سطح منطقه ۳. علاقه اولیا به کار فردی ۴. نبود جلسه‌های مشورتی در مدرسه ۵. نبود کتابخانه مجهز در سطح منطقه ۷. حجم زیاد کتاب درسی ۸. نبود آموزش ضمن خدمت برای مدیران در زمینه ارتباط ۹. کمبود سرائه مدرسه‌ها ۱۰. تجربه کافی نداشتن کارمندان ۱۱. ترس از وقوع حادثه‌های ناگوار ۱۲. خدماتی شدن جلسه‌های انجمن ۱۳. نبود انگیزه برای خواندن مجله پیوند	۱. استقبال والدین از داشتن ارتباط ۲. علاقه مدیر به داشتن ارتباط ۳. آگاهی معلمان از اهمیت و ضرورت ارتباط ۴. حمایت مدیر منطقه ۵. تحصیلات عالی برخی از اولیا ۶. اشتیاق دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی ۷. تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده ۸. اشتیاق دانش‌آموزان برای کار گروهی ۹. وجود روحیه همکاری بین دانش‌آموزان ۱۰. اشتیاق اولیا برای شرکت در اردوها

### جدول ۲. عوامل مؤثر بر ارتباط خانه و مدرسه حیطه نیرو

عوامل بازدارنده ارتباط خانه و مدرسه		عوامل جلوبرنده ارتباط خانه و مدرسه	
تهدید	ضعف	فرصت	قوت
۱. پایین بودن آگاهی والدین ۲. نبودن نشریه در سطح منطقه ۳. علاقه به کار فردی توسط اولیا	۱. نداشتن جلسه‌های مشورتی در مدرسه ۲. نداشتن کتابخانه مجهز ۳. تجربه کافی نداشتن کارکنان	۱. استقبال والدین ۲. حمایت مدیر منطقه ۳. تحصیلات عالی برخی از اولیا ۴. اشتیاق اولیا برای شرکت در اردوها	۱. علاقه مدیر ۲. آگاهی معلمان ۳. اشتیاق دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی ۴. تشکیل آموزش خانواده ۵. اشتیاق دانش‌آموزان به کارهای گروهی

## ابزار پنج چرا

پاسخ به سؤالی که پنج بار تکرار شود، دلیل‌های بروز مشکل ظاهر خواهند شد. از این طریق می‌توانیم به علت اصلی مشکل پی ببریم و از همان ابتدا دچار قضاوت شتاب‌زده نشویم. با این انگیزه گروه، به طرح پنج سؤال در خصوص ارتباط خانه و مدرسه پرداخت.

آشکار شدن عوامل پنهان پشت مسئله غالباً فرایندهایی را می‌طلبد که عمیقاً مسئله را بررسی کنند و پاسخ ساده به سؤال «چرا» به تنهایی کافی نیست. یک مثل ژاپنی می‌گوید: تنها بعد از

### جدول ۳. ابزار پنج چرا

#### پنج چرا

- ۱- چرا اولیا نسبت به ارتباط با مدرسه بی‌انگیزه هستند؟  
چون برای ارتباط خانه با مدرسه بسترسازی مناسبی انجام نشده است.
- ۲- چرا برای ارتباط خانه با مدرسه بسترسازی مناسبی انجام نشده است؟  
چون از اهمیت ارتباط خانه و مدرسه بی‌خبر هستند.
- ۳- چرا از اهمیت خانه و مدرسه بی‌خبر هستند؟  
چون انجمن‌ها جنبه خدماتی پیدا کرده‌اند
- ۴- چرا انجمن‌ها جنبه خدماتی پیدا کرده‌اند؟  
چون در این زمینه آموزش کافی ارائه نمی‌شود.
- ۵- چرا در این زمینه آموزش کافی ارائه نمی‌شود؟  
چون از اهمیت موضوع آگاهی ندارند.

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی وضع موجود و ترسیم وضعیت مورد انتظار، شکاف این دو، در جلسه‌های مکرر بارش فکری، توسط اعضای گروه شناسایی و تجزیه و تحلیل شد. در وضعیت موجود اولیا منتظر دعوت‌نامه هستند. هدف از شرکت آن‌ها در جلسه‌های انجمن کسرنشدن نمره انضباط فرزندشان است و برای نداشتن ارتباط با مدرسه بهانه‌تراشی می‌کنند. کم‌رغبتی برای داشتن ارتباط، بی‌سوادی والدین، و کمبود سرانه آموزشگاه‌ها از دیگر عوامل ضعف ارتباط اولیا با مربیان است.

در حالی که در وضعیت مورد انتظار، مدرسه به والدین به‌عنوان اولین معلمان کودک می‌نگرد، والدین خود را نیازمند مشاوره می‌دانند و به‌منظور تسهیل ارتباط با فرزندانشان در امور مدرسه مشارکت می‌کنند. کمیته‌های فرهنگی، هنری و ورزشی تشکیل می‌شوند و از تجربه‌های اولیا برای آموزش خانواده بهره می‌گیرند. دانش‌آموزان همراه با اولیا به اردو می‌روند و اولیا و دانش‌آموزان کارکرد مدرسه را نقد می‌کنند و زمینه اصلاح امور را فراهم می‌آورند. معلمان به افزایش دانش و مهارت خود می‌پردازند، دانش‌آموزان در اداره امور مدرسه شرکت فعال دارند و جریان کلاس‌های آموزش خانواده از تجربه‌های اولیا استفاده می‌شود. در چنین جامعه‌ای مدیر و والدین از داشتن ارتباط مؤثر با یکدیگر خرسندند. در جهت تقویت نقاط قوت می‌کوشند و در صدد رفع نقاط ضعف برمی‌آیند. مدرسه و خانه به‌عنوان دو نهاد مهم فعالیت‌های خود را در جهت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هم‌سو و هم‌جهت می‌کنند و فاصله این دو نهاد به حداقل می‌رسد.

## پیشنهادها

- قبل از شروع سال تحصیلی به معلمان و دانش‌آموزان و اولیای آنان در زمینه‌های متفاوت و برنامه‌های یک‌ساله مدرسه، آموزش داده شود.
- مدیر اگر فکر و نظری را پسندید و قبول کرد، دلیل آن را به صاحب فکر بگوید.
- از طریق تشویق و ترغیب معلمان به مطالعه و ارائه خلاصه‌ای از آن در جلسه‌ها، فرهنگ خودمطالعه‌ای گسترش داده شود.
- دانش‌آموزان در امر آموزش به نحوی مشارکت داده شوند که تدریس «دانش‌آموزمحور» شود.
- به اولیا و دانش‌آموزان به مناسبت موفقیت‌های آنان کتاب اهدا شود.
- اولیای دانش‌آموزان به مطالعه و کتاب‌خوانی تشویق شوند.

#### منابع

۱. تورانی، حیدر (۱۳۸۳). مدیریت فرایندمدار. انتشارات تزکیه، تهران.
۲. قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۸۰). مشارکت مردمی در آموزش و پرورش. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت. چاپ اول.
۳. مجله پیوند، شماره ۲۱۸، آذرماه ۱۳۷۶.
۴. مجله پیوند، شماره ۲۵۴، آذرماه ۱۳۷۹.
۵. فرهنگ مشارکت، سال سوم، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶.
۶. فرهنگ مشارکت، شماره دهم، زمستان ۱۳۷۵.



مشاوره و هدایت تحصیلی

# فرسودگی تحصیلی وراه‌های مقابله با آن

حمید محمدی، مشاور و مدرس دانشگاه فرهنگیان



ایجاد زمینه برای رشد همه‌جانبه فرد و تربیت انسان‌های سالم، کارآمد و مسئول، به منظور ایفای نقش مفید و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی، از هدف‌های مهم آموزش و پرورش است. از کل دانش‌آموزانی که وارد نظام آموزش و پرورش می‌شوند، تعداد کمی از آن‌ها می‌توانند در انجام تکلیف‌های تحصیلی موفق شوند و «عملکرد تحصیلی»<sup>۱</sup> خوبی از خود نشان دهند. یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، عوامل روان‌شناختی آنان است. از جمله ویژگی‌های روان‌شناختی مهمی که عملکرد تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، «فرسودگی تحصیلی»<sup>۲</sup> است؛ عاملی که در موقعیت‌های آموزشی به‌عنوان احساس خستگی به خاطر تقاضاها و الزامات تحصیل (خستگی)<sup>۳</sup>، داشتن حسی بدبینانه و بدون علاقه نسبت به مطالب و تکالیف درسی (بی‌علاقگی)<sup>۴</sup> و نیز احساس پیشرفت شخصی ضعیف در امور درسی و تحصیلی (خودکارآمدی شخصی کاهش‌یافته)<sup>۵</sup> تعریف می‌شود.

فرسودگی یکی از شایع‌ترین و جدی‌ترین مشکلات دیده‌شده در افراد شاغل است. مفهوم فرسودگی موضوع برخی تحقیقات انجام شده روی شاغلان بوده و در سال‌های اخیر مشخص شده است که فرسودگی نه تنها روی شاغلان، بلکه در محصلان نیز می‌باید بررسی شود. با توجه به اهمیت موضوع فرسودگی تحصیلی و تأثیرات منفی آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، راه‌های مقابله با این پدیده، مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** فرسودگی تحصیلی، عملکرد تحصیلی، خودکارآمدی کاهش‌یافته، بی‌علاقگی تحصیلی

## مفهوم فرسودگی تحصیلی

لازم است که فرد با شرایط منفی مبارزه کند، از دیگران کمک بخواهد و از تمامی عوامل کمک‌کننده بهره بگیرد. **عمل کاهنده:** به اعمالی گفته می‌شود که فرد انجام می‌دهد تا آرام شود. با استفاده از اعمال کاهنده، فرد در مقابله با مشکل از لحاظ هیجانی و عاطفی آرام است و حس رضایت دارد.

تقسیمات دیگری از مقابله در پژوهش‌ها آورده شده‌اند؛ نظیر مقابله کارآمد (فعال) و مقابله ناکارآمد (اجتنابی). افرادی که از مقابله کارآمد استفاده می‌کنند، ترجیح می‌دهند که از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خودشان به‌صورت مؤثر استفاده کنند. اما افرادی که مقابله ناکارآمد را پیش می‌گیرند، بر هر چیزی غیر از راه‌حل متمرکز می‌شوند.

## مقابله با فرسودگی تحصیلی

مقابله با فرسودگی تحصیلی به‌صورت قابلیت استفاده دانش‌آموزان از مهارت‌های مقابله خود، در برابر فرسودگی تحصیلی به منظور غلبه بر آن، کاهش تأثیرهای منفی محتمل آن، و ادامه روند تحصیلی خود با بازدهی بیشتر، تشریح می‌شود.

## راهبردهای مقابله با فرسودگی تحصیلی

- جست‌وجو در مورد علت‌های فرسودگی تحصیلی و عواملی که به این شرایط ختم می‌شوند.  
- استفاده از مهارت‌های مقابله ذهنی، شامل تمرکز بر افکار مثبت، تشخیص افکاری که می‌توانند مؤثر باشند، و مکتوب کردن آن‌ها به‌صورت یک فهرست؛

یانگ (۲۰۰۴) فرسودگی تحصیلی را چنین تعریف می‌کند: «دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، به دلیل فشار روانی (استرس) دوره تحصیل، بار ناشی از دوره تحصیلی یا دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی، حالت خستگی هیجانی، تمایل به بی‌توجهی به هویت فردی و احساس پیشرفت شخصی کم را در رفتار خود نشان می‌دهند.» فرسودگی تحصیلی، شامل سه حیطه خستگی تحصیلی<sup>۶</sup>، بی‌علاقگی تحصیلی<sup>۷</sup>، و ناکارآمدی تحصیلی<sup>۸</sup> می‌شود.

## مفهوم مقابله<sup>۹</sup>

اشخاص در طول زندگی با چالش‌ها و مسائل زیادی روبه‌رو می‌شوند. این مشکلات موضوع مهم استفاده تأثیرگذار از راهبردهای مقابله توسط افراد، برای پیدا کردن راه‌حلی مفید و غلبه بر مشکلات با کمترین آسیب را ضروری می‌سازد.

مقابله «راهبردهای شناختی و رفتاری مورد استفاده و راهکارهای ممکن برای مشکلات و یا رویدادهای منفی» تعریف شده است. وقتی که شخص با موقعیت چالش‌برانگیز رودررو می‌شود، می‌کوشد با ارائه راهکارهایی که مبتنی بر توانایی‌های خودش به‌صورت فعال و مؤثر هستند، بر شرایط چیره شود.

مقابله مفهومی کلی است و می‌توان برای آن دو نوع قائل شد: «عمل مستقیم» و «عمل کاهنده».

**عمل مستقیم:** به تقویت و آمادگی فرد برای موقعیتی چالش‌برانگیزی که در اطراف او شکل می‌گیرد، گفته می‌شود.

وقتی که شخص با موقعیت چالش‌برانگیز رودررو می‌شود، می‌کوشد با ارائه راهکارهایی که مبتنی بر توانایی‌های خودش به‌صورت فعال و مؤثر هستند، بر شرایط چیره شود





**رفتاری:** افزایش مهارت‌های خودتنظیمی، یادگیری مهارت‌های برنامه‌ریزی و اعمال روش‌های کارآمد؛

● **مقابله با فرسودگی تحصیلی به وسیله ایمان و اعتقادات:** انگیزه‌دادن و استفاده از هنجارها و اصول اخلاقی.

بی‌نوشت‌ها

1. Academic performance
2. Academic burnout
3. Exhaustion
4. Cynicism
5. Reduced personal Efficacy
6. Academic Exhaustion
7. Academic Cynicism
8. Academic Inefficacy
9. Coping

۱۰. این مدل چهار رفتاری را که برای ایجاد و پرورش اعتماد متقابل لازم دارید (شامل توانمندبودن، باورپذیربودن، ارتباط برقرار کردن، و قابل اطمینان (اتکا) بودن)، تشریح می‌کند (<https://www.chetor.com>).

منابع

۱. میکائیلی، نیلوفر؛ افروز، غلامعلی؛ قلی‌زاده، لیلیا (۱۳۹۱). «ارتباط خودپنداره و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان». *مجله روانشناسی مدرسه*. شماره ۴.
2. Antoniou AS, Ploumpi A, Ntalla, M (2013) Occupational stress and professional burnout in teachers of primary and secondary education: The role of coping strategies. *Psychology*, 4:349-355.
3. Gündoğan, S., & Seçer, İ. (2022). Coping with School Burnout. *Psikiyatride Guncel Yaklasimler*, 14(3), 331-339.
4. Stoeber, J., & Rennert, D. (2008). Perfectionism in school teachers: Relations with stress appraisals, coping styles, and burnout. *Anxiety, stress, and coping*, 21(1), 37-53.
5. Yang, H.J. (2004). Factors affecting student burnout and academic achievement in multiple enrollment programs in Taiwan's technical vocational colleges. *International Journal of Educational Development*, 24(3), 283-301.
6. Zhang, Y., Gan, Y., & Cham, H. (2007). Perfectionism, academic burnout and engagement among Chinese college students: A structural equation modeling analysis. *Personality and Individual Differences*, 43(6), 1529-1540.

- درخواست کمک از عوامل حمایت‌کننده اجتماعی، از جمله معلم، مشاور مدرسه و خانواده؛  
- کمی استراحت یا پیاده‌روی در هوای آزاد که می‌تواند از حالت منفی بکاهد؛

- پرداختن به فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای کسب آرامش، به‌ویژه وقتی فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموز به خاطر تکلیف‌ها و مسئولیت‌های زیاد تشدید می‌شود؛  
- یادگرفتن انجام کار به صورت برنامه‌ریزی‌شده و نظام‌مند، زیرا یکی از شرایط ایجادکننده فرسودگی تحصیلی، کار نامنظم و غیربرنامه‌ریزی‌شده است؛  
- افزایش بازده و اشتیاق با دوری کردن از عادت‌های بد، تغذیه نامناسب و توجه به خواب؛  
- داشتن توقعات و انتظارات منطقی؛  
- تن‌آرامی (ریلکسیشن) و مراقبه‌های

تنفسی؛

- کنارگذاشتن فعالیت‌های تکراری و انجام فعالیت‌های جدید و جذاب، زیرا یکنواخت‌بودن روند تحصیل، راه را برای فرسودگی تحصیلی هموار می‌کند؛  
- آگاه کردن دانش‌آموزان از قابلیت‌های خود و شکوفاکردن توانایی‌های آن‌ها؛

- کسب اطمینان از شرکت دانش‌آموزان در برنامه‌ها، فعالیت‌های گروهی و سمینارهایی که اطلاعاتی در مورد قلم‌برداری برای حل مشکل ارائه می‌دهند.  
با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فرسودگی تحصیلی «فشار عصبی» (استرس) است، راهبردهای مقابله با فشار عصبی در مقابله با فرسودگی تحصیلی نیز می‌توانند مفید باشند؛

● **مقابله با فرسودگی تحصیلی به صورت جسمانی:** آموزش تمرین‌های تنفسی، فن‌های (تکنیک‌های) تنفسی و ارائه اطلاعاتی در مورد فن‌های تن‌آرامی؛

● **مقابله با فرسودگی تحصیلی به صورت ذهنی:** فن‌های شناختی - رفتاری، مانند مدل ABCD<sup>۱۰</sup>؛

● **مقابله با فرسودگی تحصیلی به وسیله فن‌های**





مسئولیت‌پذیری نشانه سلامت روان

# رابطه معنویت با مسئولیت در دانش‌آموزان

زهرا شاهسواری، کارشناس ارشد مشاوره خانواده

علی صلاحی، دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف «بررسی رابطه معنویت با تعهد و احساس مسئولیت در دانش‌آموزان» صورت پذیرفت. روش پژوهش از نوع هم‌بستگی بوده است. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (دوره دوم متوسطه) شهرستان «رباط کریم» بود که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند و به روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای»، نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل «پرسش‌نامه تجربه‌های معنوی روزانه»، «ساخته اندروود و ترسی»، «پرسش‌نامه میزان تعهد» از مقیاس ریتکس و «پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری» از «مقیاس سنجش مسئولیت‌پذیری» اخذشده از «پرسش‌نامه روان‌شناختی سنجش شخصیت کالیفرنیا» بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، ضریب هم‌بستگی، رگرسیون و آزمون تفاوت معناداری دو گروه استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین معنویت با تعهد ( $r=0/46$  و  $p=0/001$ ) و احساس مسئولیت ( $r=0/47$  و  $p=0/001$ ) در دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین تعهد و مسئولیت‌پذیری ( $r=0/42$  و  $p=0/001$ ) رابطه معناداری مشاهده شد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد، میزان تعهد و احساس مسئولیت در مجموع  $0/303$  از متغیر معنویت را تبیین می‌کند و ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای میزان تعهد و احساس مسئولیت به ترتیب  $0/342$  و  $0/348$  است ( $P<0/001$ ). بر اساس یافته‌ها چنین استنباط می‌شود که افراد دارای میزان بالاتری از معنویت، از میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری نیز نسبت به دیگران برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: معنویت، تعهد، مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان



بررسی رابطه معنویت

## مقدمه

اهمیت و نقش دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین و باارزش‌ترین سرمایه‌ها و نیروهای متخصص آینده جامعه بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است که این نیروی باارزش وقتی می‌تواند نیازهای آتی جامعه را برآورده سازد که خوب رشد کرده باشد و دارای میزان بالایی از ویژگی‌های اخلاقی و انسانی باشد (شهرآرا، ۱۳۸۴).

یکی از معضلات قرن حاضر آشفتگی‌های عاطفی، هیجانی در رابطه‌های انسانی است. در طول تاریخ مکتب‌های متفاوت انسان‌شناسی و روان‌شناسی به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی بودند و به انسان و نیازهای او توجه کرده‌اند. متأسفانه مکتب‌های مزبور تنها به برداشت خودشان از وجود انسان اصالت داده و مسائل را عمدتاً از یک نقطه‌نظر تفسیر کرده و سایر جنبه‌های انسان، به‌خصوص معنویات او را نادیده گرفته‌اند (ایلخانی، ۱۳۸۱).

برخی از مدل‌های شناختی، اساس و پایه نظام باورهای انسانی را عامل‌هایی همچون محیط فرد، سبک و شیوه تربیتی وی، و خصوصیت شخصی‌اش به حساب می‌آورند (شولتنس، ۱۳۸۶). اما در دیدگاه دینی به انسان در ابعاد وسیع‌تری نظیر «ایمان به غیب» توجه می‌شود که اگر این باورها تصحیح شوند، انسان می‌تواند خوب عمل کند.

دین مبین اسلام، به منظور درمان مشکلات عاطفی و هیجانی انسان معاصر، دیدگاه‌ها و الگوهایی را ارائه کرده که لازم است تبیین شوند. مطالعات معنوی در روان‌شناسی در سطح

جهان موضوعی جدی و اساسی است و توجه به آن در بسیاری از کشورها در حال افزایش است. معنویت در برگیرنده چهار نوع ارتباط فرافردی، درون‌فردی، میان‌فردی و برون‌فردی است که تک‌تک آن‌ها با ابعاد وجودی انسان پیوند می‌خورند (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد واژه «معنویت» کلمه‌ای است مثل «عشق» که برای بسیاری از مردم اهمیت بسزایی دارد، ولی مشخص کردن مفهوم آن بسیار دشوار است. بسیاری معتقدند که معنویت فراتر از کلمه‌هاست. در حقیقت چنین به نظر می‌رسد که کلمه‌ها قادر به تشریح معنویت نیستند و کلام از سخن گفتن درباره معنویت قاصر است. مسئله دیگری که درباره معنویت مطرح می‌شود این است که معنویت با «مذهب» هم‌معنا نیست (وین، ۱۳۸۷).

**ویلیام جیمز**<sup>۱</sup> می‌گوید: «ایمان بدون شک مؤثرترین درمان اضطراب است.» و اضافه می‌کند: «ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد. فقدان ایمان زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد.» او در جایی دیگر می‌گوید: «میان ما و خداوند رابطه‌ای ناگسستنی وجود دارد. البته در احادیث و روایات ما نسبت بندگان خدا با آفریننده هستی بیانات حکمت‌آمیزی وجود دارد. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «یا عبادالله! اُنْتُمْ کالمرضى و رب العالمین کالطیب، فصلاح المرضی فیما یعلمه

الطیب و تدبیره به، لا فیما یشتهیه المرضی و یقترحه، ألا فسلموا لله امره تکنونوا من الفائزین. ای بندگان خدا! شما مانند بیمارید و پروردگار جهانیان چون طیب، و صلاح بیمار در آن چیزی است که طیب می‌داند و تشخیص می‌دهد، نه در آنچه بیمار می‌خواهد و پیشنهاد می‌کند؛ هان! پس کار خدا را به خود او بسپارید، تا از رستگاران باشید.» (تنبیه‌الخواطر: ۲/۱۱۷)

جیمز در جایی دیگر بیان می‌دارد: «همان‌طور که امواج خروشان و غلطان اقیانوس نمی‌توانند آرامش ژرفای آن را برهم بزنند و امنیت آن را برپیشان سازند، شایسته است که دگرگونی‌های سطحی و موقت زندگی، آرامش درونی انسانی را که به‌طور عمیق به خداوند ایمان دارد، بر هم نزنند. چرا که انسان متدین واقعی تسلیم اضطراب نمی‌شود، توازن شخصیت خویش را حفظ می‌کند و همواره آماده مقابله با مسائل ناخوشایندی است که احتمالاً روزگار برایش پیش می‌آورد» (جیمز، ۱۳۸۵).

**کارل یونگ**<sup>۲</sup> (روان‌کاو) می‌گوید: «در طول ۳۰ سال گذشته، افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متدین، با من مشورت کرده‌اند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام. اما از میان بیمارانی که در نیمه دوم عمر خود به سر می‌برند، حتی یک بیمار را ندیدم که اساساً مشککش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرئت می‌توانم بگویم که تک‌تک آن‌ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که به آنچه ادیان موجود در هر زمان به پیرامون خود می‌دهند، دست نیافته بودند. فرد فرد آن‌ها تنها وقتی که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشتند، به‌طور کامل درمان شدند.»

روان‌کاو دیگری به نام **بریل**<sup>۳</sup> معتقد است: «انسان متدین واقعی هرگز دچار بیماری‌های روانی نخواهد شد.» هنری لینک، روان‌شناس آمریکایی، در کتاب «بازگشت به ایمان» می‌گوید: «در نتیجه تجربه طولانی خود در اجرای آزمایش‌های روانی روی کارگران - در خصوص انتخابات و ارشادهای شغلی - به این موضوع پی بردم که افراد متدین و کسانی که به معابد رفت‌وآمد می‌کنند، از شخصیتی قوی‌تر و بهتر از بی‌دینان و یا کسانی برخوردار هستند که به عبادت خدا نمی‌پردازند» (وست، ۱۳۸۵: ۴۵).

«تعهد»<sup>۴</sup> در لغت به معنای «وصیت، سوگند، قول و پیمان، حفاظت، رعایت حرمت، امان و ذمه» است. معادل این کلمه در بیان فقها کلمه «التزام» است (شهیدثانی، ۱۳۹۰: ۵۱) و در کشورهای عربی نیز از «التزام» به جای تعهد استفاده می‌کنند (السنهوری، ۱۳۸۲). تعهد در زبان انگلیسی به معنای «الزام، قدرت الزام‌آوری، پیام یا سوگند» است و نیز «آنچه که شخص موظف به انجام یا ترک آن است» (جی‌اس‌ام، ۱۹۹۲).

همچنین، چارچوبی ارجاعی از نظام باورها که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد، نیز به معنی تعهد است (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهد در واقع درجاتی از سرمایه‌گذاری شخصی است که یک فرد به شغل و اعتقادات خود اختصاص می‌دهد (مارسیا، ۱۹۶۶). از سوی دیگر، «تعهد

معنویت در برگیرنده چهار نوع  
ارتباط فرافردی، درون‌فردی،  
میان‌فردی و برون‌فردی  
است که تک‌تک آن‌ها با  
ابعاد وجودی انسان پیوند  
می‌خورند



اجتماعی»<sup>۵</sup> یکی از ارکان اصلی رفتار جمعی و علاقه اجتماعی در هر جامعه محسوب می‌شود. خداوند در «قرآن کریم» دربارهٔ تعهد و وفای به عهد می‌فرماید:

• «... و به عهد خود وفا کنید، زیرا عهد مورد مسئولیت است» (اسراء / ۳۴).

• «... و مؤمنین کسانی هستند که امانت‌ها و عهدهایی را که می‌بندند، مراعات می‌کنند» (بقره / ۱۷۷).

• «... و آن نیکوکاران کسانی هستند که وقتی عهدی بستند به عهد خود وفا می‌کنند». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهدهای خود وفا کنید» (مائده / ۱).

• «... بله، کسی که به عهد خود وفا کرد و تقوا ورزید، خدا متقیان را دوست می‌دارد» (آل عمران / ۷۱).

«مسئولیت‌پذیری»<sup>۶</sup> قابلیت پذیرش، پاسخ‌گویی و به‌عهده‌گرفتن کاری است که از کسی خواسته می‌شود، و شخص حق دارد آن را بپذیرد یا رد کند (رفعتیان، ۱۳۸۴).

مسئولیت‌پذیری در روند صحیح رشد انسان پدید

می‌آید و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های

«رشد اجتماعی»<sup>۷</sup> است. بدین معنی که

افراد اجتماعی دارای میزان بالایی از

مسئولیت‌پذیری هستند. فرزندان

که رشد و بالندگی آن‌ها با استقلال

همراه باشد، مسئولیت‌پذیرتر بار

می‌آیند. مسئولیت‌پذیری نوعی

ویژگی شخصیتی است که معمولاً

به‌صورت نگرش در ساختار روانی و

رفتاری فرد شکل می‌گیرد و متغیری

عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی

محسوب می‌شود. لذا در آموزش مهارت‌های

اجتماعی جایگاه جالب توجهی دارد (بهرامی، ۱۳۸۲).

در اهمیت مسئولیت‌پذیری همین بس که آن را نشانهٔ سلامت

روان فرد دانسته‌اند. یعنی هر فرد هرچه مسئولیت‌پذیری

بالاتری داشته باشد، از سلامت روان بیشتری برخوردار خواهد

بود (شارف، ۱۳۸۱). مسئولیت‌پذیری دارای سطوحی است:

مسئولیت انسان در برابر خالق؛ مسئولیت انسان در برابر خویش؛

مسئولیت انسان در برابر خانواده؛ مسئولیت انسان در برابر جامعه؛

مسئولیت انسان در برابر محیط‌زیست (رفعتیان، ۱۳۸۴).

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه‌های سبک زندگی

اسلامی که بسیاری از مؤلفه‌های دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار

می‌دهد، موضوع مسئولیت‌پذیری است. در واقع این مؤلفه است

که تا حدود زیادی به زندگی انسان رنگ و بوی الهی و معنوی

می‌بخشد. چرا که انسان مادامی که زیر بار هیچ مسئولیتی نرود،

نمی‌تواند به رشد و تعالی و بالندگی برسد و روح زندگی معنوی

را درک کند. خالق یکتا انسان را موجودی مسئولیت‌پذیر معرفی

می‌کند و در قرآن مجید در سورهٔ قیامت آیه ۳۶ می‌فرماید:

«آیا انسان می‌پندارد که آزاد و رها و بی‌مسئولیت است؟»

(آذربایجانی، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهند که معنویت و باورهای

دینی تأثیر بسزایی در سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان

دارند (سهرابیان، ۱۳۸۹). همچنین بین معنویت و سرسختی

روان‌شناختی رابطهٔ مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

**مدی**<sup>۸</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان داد: «باورهای مذهبی،

حتی بدون توجه به چگونگی سنجش آن‌ها، با بهزیستی

اجتماعی و سلامت جسمی و روانی در زندگی مرتبط هستند.

به علاوه، معنویت با برایندهای باارزش زندگی که مثبت و

شادی‌بخش هستند، رابطه دارد و امید به آینده را در فرد تقویت

می‌کند» (استیجر و همکاران، ۲۰۰۸).

افرادی که در محیط‌های اجتماعی مشترک زندگی می‌کنند،

غالباً اعتقاد اخلاقی مشابه دارند و به ارزش‌های انسانی، نظیر

تشریک مساعی، حمایت از حقوق دیگران و اجرای ضوابط قانونی

احترام می‌گذارند. اگر این اعتقادات وجود نداشته باشند، احتمال

وجود افراد در اقدامات ضداجتماعی (نامتعهدانه) بیشتر می‌شود.

طبق این دیدگاه، چهار منبع برای تعهد اجتماعی مطرح می‌شوند:

الف) تعهدات نسبت به خانواده و دوستان؛

ب) تعهدات نسبت به قوانین و مقررات؛

ج) تعهدات نسبت به باورها و اعتقادات مذهبی؛

د) تعهدات نسبت به هدف‌های در دسترس.

بر اساس این نظریه، هر اندازه این

چهار تعهد ضعیف‌تر باشند، تعهدات

افراد نسبت به جامعه کمتر می‌شود

و ضعف تعهد به رفتار انحرافی

می‌انجامد (هاجن، ۲۰۰۵).

**معنویت با برایندهای  
باارزش زندگی که مثبت و  
شادی‌بخش هستند، رابطه  
دارد و امید به آینده را در فرد  
تقویت می‌کند**

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش

توصیفی از نوع هم‌بستگی است.

جامعه آماری آن همهٔ دانش‌آموزان پایهٔ

دوازدهم متوسطهٔ دوم که در شهرستان

رباط کریم (۳۳۰۰ دانش‌آموز) در سال تحصیلی

۱۳۹۸-۹۹ مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌گیری با استفاده از

روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد که

در نهایت دو مدرسه انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از

«جدول مورگان» استفاده شد. حجم اولیه بالغ بر ۳۱۰ نفر بود

که پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، داده‌های متعلق به ۳۰۰

دانش‌آموز تحلیل شدند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

۱. پرسش‌نامهٔ تجربه‌های معنوی روزانه: این مقیاس توسط

**آندروود و ترسی**<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) ساخته شد. دارای ۱۶ سؤال و سه

خرده مقیاس احساس حضور خداوند، ارتباط با خدا و احساس

مسئولیت در قبال دیگران است و آزمودنی باید در یک مقیاس

شش درجهٔ لیکرت (از اغلب اوقات تا هرگز)، میزان موافقت

خود را با هر یک از عبارات مشخص کند. روایی این مقیاس

توسط مرکز پزشکی «لاک»<sup>۱۰</sup> در شیکاگو تأیید شده است.

پایایی خارجی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مقادیر ۰/۹۴ و

۰/۹۵ گزارش شده است. همچنین، پایایی ایرانی این مقیاس در

روش بازآزمایی ۰/۹۶ و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۱ گزارش

شده است.

۲. مقیاس تعهد: برای سنجش تعهد نیز از خرده مقیاس

«پرسش‌نامهٔ تفکر انتقادی» استفاده شد. این مقیاس هم ۱۶





فرضیه سوم: بین تعهد و احساس مسئولیت رابطه وجود دارد. فرضیه چهارم: میزان معنویت در دختران و پسران متفاوت است.

جدول ۳. ضرب‌بهای هم‌بستگی بین معنویت، تعهد و احساس مسئولیت

متغیر	معنویت	تعهد	مسئولیت پذیری	سطح معناداری
معنویت	-	-	-	۰/۰۰۱
تعهد	۰/۴۶	-	-	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	۰/۴۷	۰/۴۲	-	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین «معنویت» و «میزان تعهد» رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $p=0/001$  و  $r=0/46$ ). بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. بدین معنا که هر چه میزان معنویت فرد بالاتر باشد، میزان تعهد او نیز بالاتر است و برعکس.

همچنین بین «معنویت» و «میزان احساس مسئولیت» رابطه مثبت و معناداری ( $p=0/001$  و  $r=0/47$ ) وجود دارد. بدین معنا که هر چه میزان معنویت فرد بالاتر باشد، میزان احساس مسئولیت او نیز بالاتر است و برعکس. لذا فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

دیگر اینکه مشخص شد، بین «میزان تعهد» و «مسئولیت‌پذیری» رابطه مثبت و معناداری ( $p=0/001$  و  $r=0/42$ ) وجود دارد. لذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود. پس چنین استنباط می‌کنیم که هر چه میزان تعهد در فردی بالاتر باشد، به همان میزان احساس مسئولیت نیز در او بیشتر است و برعکس.

بدیهی است که سهم هر یک از متغیرها (میزان تعهد و احساس مسئولیت) در پیش‌بینی معنویت متفاوت است. لذا برای مشخص شدن این مهم از تحلیل رگرسیون استفاده کردیم (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون معنویت از روی تعهد و احساس مسئولیت

متغیر پیش‌بین	B	B	R	R <sup>2</sup>
تعهد	۰/۳۷۵	۰/۳۴۲	۰/۵۳۷	۰/۳۰۳
احساس مسئولیت	۰/۲۴۵	۰/۳۴۸		

$P < 0/001$

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای میزان تعهد و احساس مسئولیت به ترتیب  $0/342$  و  $0/348$  است ( $P < 0/001$ ).

جدول ۵. مقایسه میزان معنویت در دختران و پسران دانش‌آموز

گروه‌ها	M	SD	df	T	p
دختران	۷۶/۷۳	۸/۴۲	۲۹۶	۰/۹۲۴	۰/۳۵۶
پسران	۷۴/۸۷	۹/۱۸			

عبارت دارد که آزمودنی باید در یک مقیاس شش درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا شدیداً مخالفم) میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات مشخص کند.

۳. مقیاس مسئولیت‌پذیری: برای سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری از «مقیاس سنجش مسئولیت‌پذیری»، اخذ شده از «پرسش‌نامه روان‌شناختی سنجش شخصیت کالیفرنیا» استفاده شد. مقیاس مذکور برای ارزیابی افراد بهنجار ۱۲ سال به بالا تهیه شده است و آزمودنی‌ها به صورت صحیح و غلط به سؤال‌های آن پاسخ می‌دهند. پرسش‌نامه روان‌شناختی کالیفرنیا یکی از بهترین پرسش‌نامه‌های مداد کاغذی موجود، برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصی افراد بهنجار است. هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی و به مدت حداکثر یک ساعت اجرا می‌شود و از دقت قابل ملاحظه‌ای برای پیش‌بینی‌های رفتاری برخوردار است.

برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها نیز از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد و همچنین از روش‌های آمار استنباطی، آزمون معنی‌داری ضریب هم‌بستگی پیرسون و آزمون مقایسه گروه‌ها (T مستقل) استفاده کردیم. برای تعیین نقش هر یک از متغیرها در پیش‌بینی معنویت از تحلیل رگرسیون گام به گام بهره گرفتیم. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار «spss ۱۶» کمک گرفته شد.

## یافته‌های پژوهش

### بخش اول: اطلاعات توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب جنس

شاخص	فراوانی	درصد
پسر	۱۴۷	۴۹
دختر	۱۵۳	۵۱
کل	۳۰۰	۱۰۰

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۱۶	۱۸	۱۷	۱
معنویت	۴۲	۹۸	۷۵/۱۸	۱/۰۵
تعهد	۳۲	۹۱	۷۶/۱۱	۹/۲۱
احساس مسئولیت	۱۵	۴۱	۲۱	۸/۴

### بخش دوم: اطلاعات استنباطی

در این قسمت به یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در پاسخ به فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش می‌پردازیم: فرضیه اول: بین معنویت و میزان تعهد رابطه وجود دارد. فرضیه دوم: بین معنویت و احساس مسئولیت رابطه وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بین میزان معنویت در دانش‌آموزان دختر و پسر ( $P < 0/05$  و  $T = 0/924$ ) تفاوت معناداری وجود ندارد ( $P = 0/356$ ).

## بحث و نتیجه‌گیری

معنویت باوری است بنیادین به وجود قدرتی برتر، موجود و نیرویی که حاکم بر کل است. برای هر کسی و هر چیزی هدفی است و هستی بی‌معنا یا بدون هدف نیست. قدرتی برتر وجود دارد که بر همه چیز نفوذ دارد. باورهای مذهبی بر تمام ابعاد وجود و شخصیت فرد تأثیر می‌گذارند و چه‌بسا خلاقیت و نوآوری را در او پرورش می‌دهند (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۳) و باعث سلامت روانش می‌شوند.

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه بین معنویت با تعهد و احساس مسئولیت در قبال دیگران بود. تعهد اجتماعی یکی از ارکان و مؤلفه‌های مهم رفتار جمعی در هر جامعه است. احساس مسئولیت یکی از ارکان اصلی سلامت روان فرد است و سبب می‌شود شخص برای کسب موفقیت بکوشد، محیط درونی و بیرونی خود را کنترل کند، خودتنظیم باشد و در عین حال نسبت به دیگران احساس تعلق داشته باشد. فرد مسئول و متعهد از تمام قوای خود بهره می‌گیرد تا بر آنچه که خود را ملزم و متعهد به آن می‌داند، عمل کند. او از این رهگذر احساس مفیدبودن و

تعلق داشتن را تجربه می‌کند. بدیهی است جامعه موفق و پویا به شهروندانی متعهد و مسئولیت‌پذیر نیازمند است تا به آرمان‌های خود تحقق بخشد.

اگر جامعه‌ای بتواند حس مسئولیت‌پذیری و تعهد را در جوانان خود پرورش دهد، می‌تواند در آینده انتظار جامعه‌ای پویا را داشته باشد. بسیاری از نظریه‌پردازان انسان‌گرا، از جمله گلاسر نیز مسئولیت‌پذیری و تعهد را نشان‌دهنده سلامت روان فرد می‌دانند. گلاسر معتقد است، افرادی که احساس مسئولیت بیشتری دارند، پویاتر و از نظر روانی سالم‌ترند. خداوند نیز انسان را آزاد آفریده است و در پرتو آزادی او را مسئول می‌داند. چرا که اگر او در قبال اعمال خود مسئول نباشد، پس روز حساب معنا پیدا نمی‌کند. باید بکوشیم با پرورش باورهای معنوی در دانش‌آموزان، نه تنها تعهد و مسئولیت‌پذیری را در آنان بالا ببریم بلکه آینده‌ای پویا را برایشان رقم بزنیم در این صورت شهروندانی خواهیم داشت که از نظر روانی سالم و از نظر فکری و اخلاقی پویا و خلاق هستند.

## پیشنهاد

این پژوهش در حجم وسیع‌تر و در ارگان‌ها و نهادهای دیگر نیز انجام گیرد و نتایج مقایسه شوند و به‌طور جدی در تصمیم‌گیری‌ها و انجام اقدامات مورد توجه قرار گیرند.

## پی‌نوشت‌ها

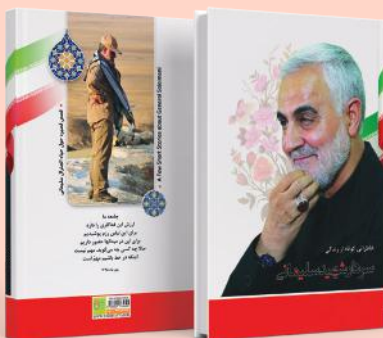
1. William James
2. Yong
3. Bril
4. commitment
5. Sotiol commitment
6. responsibility
7. social growth
8. Maddi
9. Underwood & Teresi
10. Luke

## منابع

۱. قرآن مجید.
۲. السنه‌پوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۸۲). انتقال و سقوط تعهد. مرکز ترجمه و نشر کتاب. تهران.
۳. بهرامی، فاطمه؛ ملکیان، حسین؛ عابدی محمد رضا (۱۳۸۳). «بررسی و مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت‌پذیری بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان». نشریه آموزه. شماره ۱۷.
۴. حمیدی، نجمه و دهقانی زاده، زهرا (۱۳۹۱). «رابطه معنویت، تعهد سازمانی و سلامت عمومی با عملکرد شغلی در پرستاران». فصلنامه مدیریت پرستاری. دوره اول. شماره ۲.
۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۰). «مسائلک الافهام فی شرح شرائع الاسلام». چاپ سنگی تهران.
۶. رفیعی، احمد و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه معنویت سازمانی و تعهد مدیران ورزش». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۱۱. شماره ۲۱.
۸. رضایی، محمد (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت‌معلم. تهران.
۹. وست، و. (۱۳۸۵). «روان‌درمانی و معنویت» ترجمه سلطانعلی شیرافکن و شهریار شهیدی. انتشارات رشد. تهران.
۱۰. شارف، ریچارد اس. (۱۳۸۱). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. انتشارات رسا. تهران.
۱۱. شولتز، دوان (۱۳۸۶). روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم). ترجمه گیتی خوشدل. نشر پیکان. تهران.
۱۲. شهرآرا، مهرداد (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد نوجوان «دیدگاه تحولی». نشر علم. تهران.
۱۳. سهرابی، طاهره (۱۳۸۹). «بررسی رابطه نگرش مذهبی و میزان سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران.
۱۴. طالبی، ابوتراب و خوشبین، یوسف (۱۳۹۱). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۹.
۱۵. میردردی‌کوند، فضل‌الله؛ رحیمی پور، طاهره؛ سلیمی، حسین (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر میزان سخت‌رویی دانش‌آموزان». نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. دوره شانزدهم. شماره ۱.
۱۶. بزرگ بفری، کاظم (۱۳۹۳). «اثربخشی آموزش معنویت درمانی از دیدگاه اسلام بر بهزیستی روان‌شناختی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان». نشریه اخلاق. دوره چهارم. شماره ۴.
۱۷. علیزاده، عزیزه؛ کاظمی، محمدحسین؛ جمالی، زهرا؛ براتی، محمد؛ عزیزی، مریم (۱۳۹۳). نقش هیجانی معنویت روی استرس شغلی پرستاران. نشریه پرستاران و پزشک در رزم دوره سوم. شماره ۲۵.
۱۸. رئیس، مرصیه؛ احمدی طهران، هدی؛ حدیدی، سعیده (۱۳۹۳). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. مجله آموزش در علوم پزشکی. دوره سیزدهم. شماره ۵.
۱۹. رسولی‌نژاد، مرتضی و شیبانی، حسین (۱۳۹۳). «رابطه بین معنویت و تعهد و احساس مسئولیت دانشجویان». نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. دوره دهم. شماره ۱.
۲۰. میرمسعود، فاطمه؛ زارع، محمد؛ خرازی افرا، فاطمه (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین رشد معنویت و چگونگی مقابله با شرایط استرس‌زا بین اترن‌ها». نشریه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. دوره بیست‌وچهارم. شماره ۱.
۲۱. نودری، جمشید و غلامی، یونس (۱۳۸۹). «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و التزام عملی به اعتقادات اسلامی با سلامت روان دانشجویان». فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی. دوره چهارم. شماره ۷.
۲۲. ایلخانی، محمد (۱۳۸۱). مقاله دین و فلسفه در غرب مسیحی». فصلنامه هفت‌آسمان. شماره ۵.
۲۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۷۹). «مفهوم ایمان در قرآن کریم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی. مؤسسه امام خمینی. قم.
۲۴. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). «روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز». انتشارات حوزه. قم.
۲۵. مقیمی، محمد؛ رهبر، امیرحسین؛ اسلامی، حسن (۱۳۸۳). «معنویت سازمانی و تأثیر آن در خلاقیت کارکنان». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۳ و ۴.
۲۶. جیمز، ویلیام (۱۳۸۵). پراگماتیست. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. تهران.
۲۷. وین، برادفوت (۱۳۸۷). تجربه دینی. ترجمه عباس یزدانی. مؤسسه فرهنگی طه. قم.
28. Allen, A. Mintrom, Michael. (2015). Responsibility and School Governance, Educational Policy originally published online.
29. Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and Well-Being: does commitment matter? An International Journal of Theory and Research. 3(1), 131-142.
30. C.L.Park and L.H.Cohen(2010). "Religious and nonreligious coping with the death of friend". Journal of cognitive therapy and research. 17, p:40.
31. Elkins, D.N., Hedstrom, L.J., Hu ghes, L.L., Leaf, J.A. & Saunders, C(2007). Toward a humanistic phenomenological spirituality: Definition, description, and measurement. Journal of Humanistic psychology, 28 (4), 5- 18.
32. Hagan, J. (2005). Crime and Disrepute. U.S.A: Pine Forge
33. Lippman LH, McIntosh H. (2010) The Demographics of Spirituality and Religiosity among Youth: International and U.S. Patterns. Trends Child Res Brief:21:19.
34. ress. Hirschi, T. (2016). Causes of delinquency. Berkeley and Los
35. Krishna Kumar S, Neak Ch. (2008). The iWhati, iWhyi, and iHowi of Angeles: University of California Press. spirituality in the workplace. Journal of managerial psychology 17(3): 153-164.
36. Maddi, S.R. (2002) The role of hardiness and religiosity in depression and anger. Second Biannual International Conference on Personal Meaning: Freedom, responsibility and justice (July 2002). <http://www.meaning.ca/conference/program.doc>
37. Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. Journal of Personality and Social Psychology, 3(5), 551-558.
38. Osman J, Russell R(2005) The Spiritual Aspects of Health. J School Health; 49(6):359.
39. Steger MF, Kawabata Y, Shimai S, et al. (2008). The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life. J Research in Personality; 42, 660-678.
40. Wigfield, a., & Eccles, j. (2008). The development of achievement task values. A theoretical analysis. In J.P. Eccles, J.P. Eccles, & J.P. Eccles (Eds.), *Spiritual Health: The Next Frontier*. Eur J Public Health 2006; 16:457.
41. Theodora Issa, David Pick. (2011) An interpretive mixed-methods analysis of ethics, spirituality and aesthetics in the Australian services sector. Business Ethics: A European Review Volume 20, Number 1, January, pg. 45.
42. Karakas, Fahri. (2010) Spirituality and performance in organizations: a literature review. Journal of Business Ethics, 94 (pp. 89-106).
43. J.S.M. (1992). Oxford English Dictionary. London: Oxford. Obligation.

## خاطراتی کوتاه از زندگی

## سردار شهید سلیمانی



رمزبینه را پویش کنید.

این کتاب درباره زندگی حاج قاسم سلیمانی است و به شرح خاطراتی که از وی به جامانده می‌پردازد. در بخش نخست، زندگی‌نامه او به‌طور مختصر آمده است. سپس مطالبی درباره رابطه حاج قاسم با برادرش و بعد از آن، کار کردن او در هتلی در کرمان برای کسب درآمد شرح داده شده است. در بخش‌های بعدی نیز مطالبی درباره ازدواج او، رابطه‌اش با پدرش و جانبازان ارائه شده است. سردار در سیزده دی‌ماه ۱۳۹۸ در فرودگاه بغداد، بر اثر اصابت موشک‌های آمریکایی به شهادت رسید.

سال چاپ: ۱۴۰۰

ناشر: ضریح آفتاب

نویسنده: سیدابراهیم بنی‌هاشمی

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: تربیتی

تعداد صفحه‌ها: ۴۰

شابک: ۹۷۸۶۰۰۴۷۶۵۶۹۵

**دوره و درس:** فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش (نشر ادبی و خاطره)، متوسطه اول (نشر ادبی و خاطره) و متوسطه دوم نظری (نشر ادبی و خاطره)

**پایه:** هفتم تا دوازدهم متوسطه نظری، دهم تا دوازدهم فنی و حرفه‌ای، و دهم تا دوازدهم کاردانش

**مخاطب:** والدین، دانش‌آموز، معلم، مدیر مدرسه، مشاور، دانشجو - معلم، هنرجو، هنرآموز

**کلیدواژه‌ها:** سرگذشت‌نامه‌ها، خاطره‌نویسی، شهادت

**نتیجه دآوری کتاب:** برای ورود به مدرسه بلا مانع است.

**درجه‌بندی:** درجه ۲

# به مناسبت هفته سلامت روان

(۱۸ تا ۲۴ مهرماه ۱۴۰۱)

با توجه به اهمیت ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای مشاوران و تبادل تجارب مشاوره‌ای و علمی همکاران مشاور در مدارس به مناسبت «هفته سلامت روان»، در اولین جلسه هم‌اندیشی مشاوران منطقه ۱۹ در سال تحصیلی جدید که در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۷ برگزار گردید، مجله رشد مشاور مدرسه شماره ۶۳ (نسخه پاییز ۱۴۰۱) تهیه شد و در اختیار همکاران قرار گرفت.

همچنین مسابقه‌ای از محتوای این مجله طراحی شد و مقرر گردید از برگزیدگان تقدیر به عمل آید.

### اسامی برگزیدگان

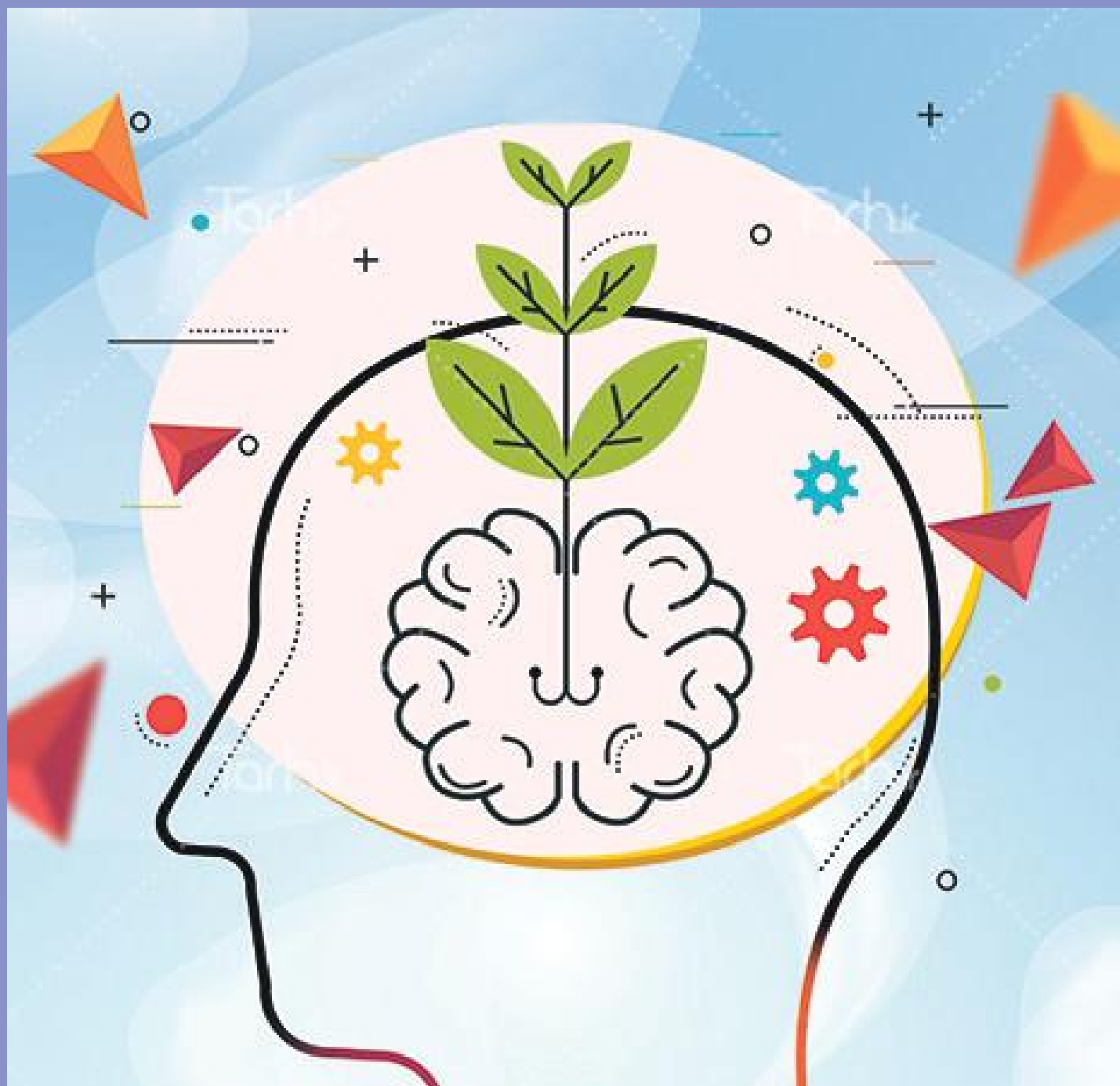
ردیف	نام و نام خانوادگی	واحد آموزشی
۱	خانم غفاری	شهید اعتمادفر
۲	خانم اصغری	ذوالفقاری
۳	خانم پیش‌بهار	حجاب
۴	خانم قادری	شهید محلاتی
۵	خانم شعبانی	هدی
۶	خانم حواسی	شاهد اطهر
۷	خانم زحمتکش	زینب کبری (س)
۸	خانم حاجیلو	شهید اناری
۹	خانم قاسمی	عدالت
۱۰	خانم فراهانی	فضیلت
۱۱	آقای کرنی	امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
۱۲	آقای حسن‌زاده	زمانی







# مهارت‌های زندگی



روز جهانی روانشناس و مشاور  
بر سازندگان حال خوب و سلامت روان  
گرامی باد

مشاوره یعنی، راهی به سوی آرامش